

افتتاح یکی از مدرنترین ذخایر زیر زمینی مواد نفتی در بلخ



سال نو مبارک ۱۳۹۴

فرخنده باد بر همگان مقدم بهار
نوروز، جاودانه ترین جشن روزگار

نوروز، سرآغاز سال نو و بهار نو بر همگان مبارکباد!
امیدواریم نوروز، سرآغاز روز هایی باشد که آرزو دارید.

هیأت رهبری غضنفر بانک





ترفیع دوتن از افسران ارشد قطعهٔ محافظتی غضنفر بانک

محترم نورآقا نظامی قوماندان قطعهٔ محافظتی غضنفر بانک در اثر خدمات و جانفشانی های زیاد به صورت فوق العاده از رتبهٔ سمونمل به رتبهٔ سمون وال و محترم انعام الدین مبارز قوماندان تولى اول قطعهٔ محافظتی غضنفر بانک نیز به صورت فوق العاده از رتبهٔ لمپری خارن به رتبهٔ خارمن ارتقا یافتند.

هیأت رهبری و کارمندان غضنفر بانک ضمن عرض تبریک از زحمات خستگی ناپذیر این دو افسر دلسوز و با مسئولیت قدردانی نموده و برای ایشان موفقیت های مزید آرزو می نمایند.



اهدای جایزه بهترین بانکداری اسلامی در افغانستان به غزنفر بانک



غزنفر بانک حافظ ارزشهای بانکداری اسلامی در افغانستان

فهرست مطالب

سرمقاله

- نگهداری از پول کاغذی و نقش آن در اقتصاد کشور ۲

اقتصادی

- افتتاح یکی از مدرنترین ذخایر زیر زمینی مواد نفتی در بلخ ۳
- مظاهر ایمان در شگوفایی اقتصاد ۴
- اهمیت عوامل تولید در اقتصاد ۷
- د بهرنی بانکوالی اړوند څو خبرې ۱۱
- چگونگی تعیین نرخ ارز ۱۶
- تاریخچه تجارت الکترونیک ۱۹
- چین دومین اقتصاد برتر جهان ۲۱
- هشت کشور صنعتی جهان ۲۴
- راه لاجورد کوتاه ترین، ارزان ترین و مطمئن ترین مسیر تجارت برای افغانستان ۲۸
- د مس عینک له کان څخه د جمهور رئیس لیدنه ۳۰

اجتماعی

- تجلیل از روز زن در غضنفر بانک ۳۱
- چاپ گزارش کارکرد ها و فعالیت های ۱۲ ساله وزارت امور زنان ۳۲
- مشکلات اقتصادی و آسیب های اجتماعی ۳۳
- زمره گوه مرغوب و گران بها ۳۴
- جامعه مدنی ۳۸
- ارتقای ظرفیت کارمندان در غضنفر بانک ۴۲
- قارچ یا سمارق غذای لذیذ و مقوی ۴۴
- پیشینه تاریخی مسجد نه گنبد ۴۶
- سلطان شهاب الدین غوری ۴۹
- نمایندگی های غضنفر بانک ۵۵

ادبی

- ادبستان (ویژه شعر و ادب) ۵۶
- جمله های طلایی ۵۸
- فعالیت های فرهنگی بنیاد غضنفر ۶۰
- محاوره اوزبکی (۱۷) ۶۱
- Challenges for Financing Small & Medium Enterprises (SMEs) 3
- Access To Finance 1



صاحب امتیاز: غضنفر بانک
مؤسس: محمد اسماعیل غضنفر
مدیر مسوول: نور احمد فهیم

هیأت تحریر

سرمحقق عبدالباری راشد
سرمحقق شیر علی تیزی
معاون سرمحقق عبدالحکیم رامیار

دیزاینر: نویدالله محمدی

اداره ماهنامه غضنفر بانک در ویرایش
مقالات دست باز دارد.

آدرس: ۸۶۶ سرک عمومی شیرپور
کابل - افغانستان

+۹۳(۰)۷۹۷۸۶۰۰۸۸

Email: magazine@ghazanfarbank.com
www. ghazanfarbank.com

چاپخانه: مطبعه بهیر



سخن ماه

نگهداری از پول کاغذی و اهمیت آن در اقتصاد کشور

این عملکرد آن ها سبب شده است که بهای پول کشور جاپان همواره ثابت و به دور از نوسانات باقی مانده است. همینطور در قانون بانکداری کشور مالیزیا درج شده است که اسکناس های کهنه و پاره شده هیچگونه ارزش مالی نخواهند داشت. چنانچه در کشور ما طبق هدایت بانک مرکزی کشور، بانک ها از دریافت اسکناس دالره های کهنه خودداری می نمایند. بنابراین مردم در حفظ و نگهداری اسکناس های دالری خود دقت بیشتری می نمایند. که اگر بانک مرکزی کشور عین شرایط را بر پول افغانی هم تطبیق نماید شاید مردم در حفاظت و نگهداری از اسکناس های افغانی شان نیز دقت نمایند.

گرچه بانکداری الکترونیک به ویژه دبت کارت ها و یا کارت اعتباری توانسته است در معاملات تجارتي و خریداری ها نقش پول نقد را ایفا کند و به این ترتیب تا حدی از دست به دست شدن اسکناس ها بکاهد. اما این روند اکثراً در شهر ها کاربرد دارد و تا زمانی که کارت های اعتباری در کشور ما فراگیر شود، زمان زیادی نیاز است.

بنابراین بر ما هم به عنوان یک شهروند لازم است که در حفظ و نگهداری اسکناس کشور خود دقت و توجه ویژه را اتخاذ نمائیم. تمام ارگان های ذیربط به ویژه بانک مرکزی کشور، علماء، رسانه ها، والدین، اساتید مکاتب و مدارس در این مورد مسئولیت دارند که در این راستا از طریق رسانه های تصویری، صوتی، چاپی، منابر و تکیه خانه ها تبلیغ نمایند تا مردم اهمیت نگهداری پول را درک کرده و فرهنگ نگهداری پول در کیف ها نهادینه شود.

پول از بدو تحول زندگی بشر به عنوان بهترین وسیله برای سنجش ارزش و مبادله اجناس انتخاب شده است. این وسیله به صورت کاغذی و فلزی در سراسر جهان مورد استفاده قرار می گیرد، اما اسکناس به دلیل حجم کمتر آن از اهمیت ویژه برخوردار است. تاریخ پیدایش پول به چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح در خاورمیانه و مصر قدیم بر می گردد، اما استفاده از پول کاغذی در اواسط قرن هفدهم میلادی در اروپا ترویج یافت.

اسکناس افغانی سرمایه ملی کشور ماست، حفظ و نگهداری از آن وظیفه هر فرد جامعه به شمار می رود، باید به صورت درست و منظم از آن استفاده و نگهداری کنیم، زیرا از یک طرف بانک مرکزی کشور پول هنگفتی را برای چاپ آن می پردازد و از سوی دیگر اقتصاد کشور ما متکی به کمک های جامعه جهانی است. با وجود آن متأسفانه دیده می شود که بسیاری از مردم کشور ما در این مورد کاملاً بی تفاوت اند. برخی از هموطنان ما روی اسکناس ها شماره تلفون، یادداشت و یا خاطرات خود را می نویسند، آن را لوله و مجاله می کنند و در جیب می گذارند، به دست اطفال کم سن و سال می دهند که سرانجام منجر به پاره شدن آن می شود، حتی دیده می شود که بسیاری از اسکناس ها در ماشین لباسشویی همراه با لباس شسته شده و از ارزش باز می مانند.

در حالی که مردم سایر کشور های جهان بویژه جاپان و مالیزیا در نگهداری پول های کشور خود توجه خاصی دارند، اکثر آنها اسکناس را هرگز قات هم نمی کنند و با دقت در کیف های دستی آن را نگهداری می کنند. شاید

افتتاح یکی از مدرنترین ذخایر زیر زمینی مواد نفتی در بلخ



تاسیسات مواد نفتی غضنفر گروپ برای سوخت گیری طیاره ها، با اشتراک مقامات ولایت بلخ، مقامات مرکزی، نماینده گان مجلسین، تاجران و دوستان بین المللی در روز اول نوروز ۱۳۹۴ خورشیدی در میدان هوایی بین المللی مولانا جلالالدین محمد بلخی گشایش و به بهره برداری سپرده شد.



این تاسیسات که براساس مصوبه شورای وزیران غرض تهیه سوخت نیروی هوایی کشور در ولایت بلخ احداث شده است، با ظرفیت (۶۰۰۰) متریک تن و شش میلیون دالر هزینه بطور اساسی و برابر با معیار های جهانی ایجاد شده است.



این تأسیسات که کار ساخت آن دو سال را در برگرفته است، یکی از مدرنترین و متفاوت ترین تاسیسات نفتی برای سوخت گیری نیروی هوایی در این ولایت به شمار می رود که ذخایر خود را در زیر زمین در قلب میدان هوایی این ولایت جا داده و از خطرات احتمالی در امان است. گفتنیست این تأسیسات نفتی می تواند دهها برابر نیاز مندی سوخت طیارات امروزی را در آینده رفع کند و زمینه کار را برای صدها هموطنان ما نیز مساعد سازد.



سرمحقق عبدالباری راشد

مظاهر ایمان در شگوفایی اقتصادی

انسان است که از سلاح چگونه استفاده می نماید، استفاده نیک یا سوء استفاده نه خود سلاح.

اینچنین اقتصاد نیز یک وسیله بسیار مهم و مؤثر در دست انسان ها است که به کدام مقاصد عالیه یا اهداف شوم و نا مبارک مورد استفاده قرار می گیرد. پس ملامتی و سلامتی استفاده مثبت و یا منفی از اقتصاد بر دوش انسان است. متأسفانه برخی ها اقتصاد را در سرحد افراط آن تقدیس می کنند و آن را بنیاد همه روبرها به شمول اخلاق و رفتار و شخصیت انسان ها تعریف می نمایند. و برعکس بعضی ها بطور تفریطی اقتصاد را یک پدیده نجس و خبیث می شناسند.

به هر صورت نه آن افراط گری ها قابل پسند است که اقتصاد را برتر از انسان و اراده او و بزرگتر از ارزش های قبول شده انسانی بدانیم و نه هم آن تفریط را در مورد اقتصاد می توان پذیرفت که بعضی آن را پدیده بی ارزش توصیف میکنند. به هر صورت بعد از درک نقش تعیین کننده انسان با حفظ جان، اقتصاد به عنوان یک وسیله بسیار مؤثر در زندگی مادی این سوال مطرح می شود که آیا اقتصاد چگونه توسعه می نماید.

همه دانشمندان اقتصاد می دانند که عوامل رشد اقتصادی عبارتند از زمین، کار، سرمایه و مدیریت. هرگاه در یک جامعه انسانی، از نیروهای بشری در راستای تولید به طور اعظمی استفاده شود و منابع طبیعی آن مورد استفاده سلیم قرار گیرد و این همه عوامل مهم تولید درست مدیریت شوند بدون شک هیچ ملتی فقیر و گرسنه باقی نمی ماند. البته به کار گماشتن افراد، استفاده از منابع طبیعی و مدیریت منابع طبیعی و انسانی شرایط آزادی، استقلال و زعامت های سلیم یعنی متعهد و متخصص را در کشور ها نیاز دارند.



اقتصاد با اهمیت حیاتی ای که برای جوامع انسانی دارد، در همه مکتب ها جایگاه ویژه ای را بخود اختصاص داده است. اقتصاد همیشه منجیث وسیله نقش مؤثر در تأمین خواست های مشروع و نامشروع مادی و معنوی انسان دارد. این انسان است که اقتصاد را برای برآورده ساختن امیال فاسد نفسانی خود به ضرر خلق الله و جوامع انسانی به کار می برد. یا بر عکس از اقتصاد سالم، برای رفع نیازمندی های مادی و معنوی خود و جامعه استفاده های مجاز و سلیم می نماید. و چنین اقتصاد مورد تأیید و تشویق اسلام است که حضرت محمد (ص) در مورد فرموده اند. ترجمه: سزاوار است مال صالح برای انسان صالح.

یا به توضیح دیگر اقتصاد به مثابه یک وسیله مثل سلاح است، چنانکه اگر سلاح برای دفاع از جان، مال، ناموس، وطن، آزادی، استقلال و تأمین نظم و امنیت و عدالت به کار گرفته شود یک چیز خوب و با ارزش معرفی می شود. هرگاه سلاح برای تعدی و تجاوز به حقوق و نوامیس دیگران و بدتر از آن برای مقاصد زشت استعماری و سرکوبی ملت های آزادیخواه مورد استعمال قرار گیرد، بسیار منفور جلوه می کند. اما توجه باید داشت که سلاح بالذات نه اراده خیر دارد نه اراده شر. جهت و مقصد استفاده سلاح توسط انسان تعیین می گردد. به عبارته دیگر در هر صورت



مظاهر ایمان در شگوفایی اقتصادی

ب: توزیع هم در مرحله بسیار حساس و مهم در پروسه های اقتصاددیت. اگر توزیع به صورت درست، دقیق و عادلانه رعایت گردد، قسمت قابل توجهی از معضلات اقتصادی ناشی از عدم توزیع عادلانه و یا امتناع از توزیع بموقع فرآورده های مادی رفع می گردد. این رشته بی عدالتی ها در توزیع عموماً به قصد احتکار و سوء استفاده های محتکرین، سودخواران، قاچاقبران و اختلاس گران و سایر عمال دولتی و غیر دولتی مؤسسات اقتصادی انجام می پذیرد.

زیرا روشن است که جوامع بشری امروز به نبود مواد مصرفی مواجه نیستند. یا به این عبارت که اکثر مشکلات وارده مردم به علت کمبود و یا قحطی کالاهای مصرفی نیست. بلکه گداه ها و ذخیره خانه های بزرگ و کوچک دولتی و شخصی مولدین، همیشه پر از مواد مایحتاج مردم است. اما از توزیع بموقع، درست، عادلانه و منصفانه آن مواد با نیت شوم سود جویانه اقتصادی، سیاسی، نظامی و غیره نظرداشت های استثماری و استعماری جلوگیری می شود.

اعمال جنگ های اقتصادی، سبوتاژها و تحریم های اقتصادی و غیره فعالیت های ضد اقتصادی علیه ملت ها و کشور های آزادیخواه بوسیله قدرت های بزرگ استعمارگر، نمونه های روشن است برای ایجاد بحران ها و مشکلات اقتصادی مردم دنیا.



هرگاه یکی از شرایط یاد شده یعنی آزادی، استقلال و یا زعامت های مطلوب و ایده آل یعنی آزاد منش، وطن دوست و صادق و لایق در یکی از جوامع دیده نشود، آن کشور ابداً به خودکفایی و رشد اقتصادی نرسیده همیشه دست بین دیگران خواهد بود. در حالی که هم از نظر منابع بشری و هم منابع طبیعی کاملاً غنی اند. برعکس هر کشور مقتدر آزاد و مستقل دنیا که طبعاً از رهبری و زعامت های سلیم و دلسوز و آگاه بهره مند اند نمونه های رشد اقتصادی در هر مقطع تاریخی شمرده می شوند.

پس از مرور موجز بر شرایط رشد اقتصادی از نظر مادی و سیاسی، اکنون ببینیم که ایمان و اخلاق انسان ها یعنی دست اندرکاران امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دلسوز آگاهانه خود یک ملت چگونه می تواند راهگشای ترقیات مادی و معنوی آن جامعه گردد؟!

باید گفت که جریان اقتصادی تولید، توزیع و مصرف را در بر می گیرد. هرگاه در این جریان اصل معنویت و ایمان و اخلاص کارگر و کارفرما با کارشناسی و کارآگاهی و مهارت ها و تخصص آنها دخالت داشته باشد سطح تولید با کمیت بیشتر و کیفیت عالیتر بدون کدام سرمایه گذاری اضافی به حد لازم می تواند ارتقا یابد. و جریان توزیع نیز بدون اشکال به بهترین نحو عادلانه در جامعه انجام می یابد. مصرف هم در حد اقل کاهش و ضایعات نعمات تولید شده قسمی صورت می پذیرد که موجب صرفه جویی گردد. به طور مثال:

الف: در عرصه تولید اگر هر کارگر ماهر و صادق بدون ضیاع وقت و یا دستبرد مواد خام یا پخته و با دقت کامل در بهتر شدن کیفیت محصولات تولیدی مربوط خود توجه ننماید، سطح کیفیت کالاهای تولیدی بالا می رود و در میدان رقابت، با کیفیت کالاهای مؤسساتی که برخورد کارگران شان در حضور و غیاب کارفرما و تفتیش با تولید فرق می کند از موقعیت بیرقیبی برخوردار می گردند.



مظاهر ایمان در شگوفایی اقتصادی



بجربد، توزیع و عرضه بدون غبن و بموقع محصولات به بازارهای داخلی و خارجی، استفاده اعظمی از مواد استهلاکی و جلوگیری از انواع اسراف و تبذیر در مصرف، تعاون و تساند با هموطنان و حتی با همنوعات مستمند، جلوگیری از انحصار گری ها در عرصه های مختلف اقتصادی و مبارزه جدی با استعمار خارجی و استثمارگران داخلی و انواع تصرفات نامشروع ارباب قدرت در عواید ملی کافست تا یک کشور را از نیازمندی به دیگران به یک اقتصاد نیرومند ملی بالنده و متکی به خود در اسرع زمان بکشاند.

شرایط این همه باید ها و نباید ها که گفته آمدیم، موجودیت دولت مقتدر ملی و مستقل با عمال صادق، مؤمن، دلسوز و کارآگاه در هر زمینه و از همه مهمتر آمادگی ذهنی و فکری همه یا اکثریت مطلق افراد جامعه برای همکاری با همچو برنامه های انسانی و اصلاحی در همه عرصه ها و از جمله در میدان اقتصاد است.

بنابراین بر زمامداران و مسئولین محترم دولت ها و نهاد های تعلیم و تربیت، کارکنان عرصه مطبوعات، اطلاعات و فرهنگ، خطباء، علمای دینی، شعرا و نویسندگان آگاه و دردمند و سایر آگاهان و اعداداران خط میهن دوستی و روشنفکری است تا در تنویر اذهان عامه و آموزش و پرورش فکری، عقیدتی و سلامت معنوی نسل حاضر و اخلاف آن، رسالت اخلاقی، دینی، ملی و انسانی شان را نیز ادا نمایند.

مضاف بر رعایت روحیه عدالت و انصاف در توزیع و ادای حقوق العباد و حقوق الله اگر هر فرد جامعه بتواند اشیای اضافی و خارج از ضرورت خود و وابستگان خود را به نیازمندان و مستحقین جامعه انفاق کند، بدیهی است که چنین جامعه روی فقر و بدبختی ناشی از فقر را هرگز نخواهد دید.

این مسأله (تعاون و تساند) هم مستقیماً به درجه ایمان، معنویت و فداکاری و ایثارگری انسان ها خصوصاً تجار و دیگر مالکان ثروت و دارایی های عمومی و خصوصی مربوط می شود.

ج: در مصرف که آخرین نقطه جریان اقتصاد است هم می توان با انتخاب شیوه های بهتر در امر استهلاك کالاها برای تقویة بنیة اقتصادی یک خانواده یا یک کشور را از راه صرفه جویی کمک کرد. به عبارت دیگر حد اعظم استفاده مطلوب از نعم مادی برخلاف روش موجود عامه بشریت که مبتنی بر اسراف و تبذیر است می تواند ما را در امر تقویة بنیاد های اقتصادی مساعدت کند.

اگر مجموعه کالاهای ضایع شده یکروزه یک کشور با شیوه های سالم تر بهره گیری و صرفه جویی شود، قیمت آن نظر به تعداد نفوس آن کمک از ده ها تا به صد ها هزار دالر می رسد. گویا هر کشوری روزانه معادل صدها هزار دالراز این ممر ضایعات و خسارات را متحمل می شود. و چنین ضربه ای را بر پیکر اقتصاد ملی خود وارد می نماید.

نتیجه: به طور خلاصه باید گفت که برای رشد اقتصاد یک جامعه فاکتور های فعال سازی منابع تولید، مکانیزه کردن وسایل تولید، ارتقای سطح آموزش فنی و تخصصی کارگران، تغییر مثبت کیفیت و کمیت تولیدات، محدود ساختن و حتی امحای بیکاری در جامعه، رونق بخشیدن به تجارت خارجی به نحوی که صادرات همیشه بر واردات



اهمیت عوامل تولید در اقتصاد

نماید که برای رفع نیازمندی های انسان بتوان از آنها استفاده نمود. به عبارت دیگر تولید عبارت از فعالیت هایی است که منجر به ایجاد کالا ها و خدمات مورد نیاز می شوند. تولید با توجه به نیاز های انسان صورت میگیرد. قسمی که محصول میتواند بخشی از مایحتاج بشر را بر آورده سازد. طوریکه دیده شد انسانها برای تولید کالای مورد نیاز خود از مواد موجود در طبیعت استفاده می نمایند، بنا بر این اولین عامل تولید طبیعت و نیرو های طبیعی است ولی مواد موجود همانطور که گفته شد به صورت طبیعی قابل استفاده نمی باشند و باید کم و بیش تغییرات در آنها آورده شود، یعنی انسانها باید با زحمت و کار خود آنها را تغییر داده و نیاز مندیهایی خود را با آنها بر آورده سازند و به این ترتیب کار دومین عامل تولید است هم چنان انسان ها برای اینکه بتوانند مواد طبیعی را با کار و زحمت خود آماده استفاده نمایند باید از وسایلی دیگری که قبلاً تهیه شده اند (وسایل کار) استفاده نمایند و به کمک آنها تغییرات لازمه را در مواد موجود در طبیعت به عمل آورند و این وسایل که به اشکال مختلف و دارای ارزشهای مختلف هستند، سرمایه میگویند و به مثابه عامل سوم تولید شناخته میشود. بنابر این عوامل تولید عبارتند از: طبیعت، کار و سرمایه و تعدادی از اقتصاد دانان مدیریت را نیز از جمله عوامل تولید دانسته و نقش آنرا در تولید براننده میدانند. که جهت وضاحت بیشتر موضوع لازم است تا هر یک از عوامل تولید مختصراً توضیح شود. طوری که تذکر داده شد اولین عامل تولید طبیعت می باشد طبیعت شامل زمین، مواد طبیعی و نیرو های مختلف است. انسانها از زمین و موادی که در طبیعت موجود است و همچنین از نیرو های طبیعی چون آب، هوا، باد، نور و حرارت آفتاب و قوه آبشار ها برای رفع احتیاجات خود و تولید کالا های مورد نیاز، استفاده می نمایند.

در زراعت طبیعت نقش اساسی را به عهده دارد. کشت گندم و سایر غله جات و حبوبات، سبزیجات، گلها، درختها، مواد طبیعی موجود در زمین را جذب و از آب، نور و حرارت آفتاب استفاده و بدین وسیله رشد و نمو می نمایند. در صنعت مواد معدنی، نباتی و حیوانی به صورت مواد اولیه مصرف میشود و از نیروهای طبیعی چون جریان آب، باد، قوه برق و آبشار ها استفاده میگردد. در حمل و نقل، رود خانه ها و دریا ها، راه های طبیعی و آزاد و کم خرج محسوب میشوند.

انسان ها برای رفع نیازمندیهای خود از موادی که در طبیعت وجود دارد استفاده می نمایند، لکن مواد مذکور اکثراً به صورت طبیعی قابل استفاده نبوده و ضرورت به تغییر شکل دارند. البته میزان این تغییرات در همه موارد یکسان نیست، گاهی فقط با تغییر محل، اشیا مورد استفاده قرار گرفته و نیاز



مندی های انسانها را مرفوع می نمایند، مانند چیدن میوه از درخت و گرفتن آب از چشمه و امثالهم، لکن بسیاری از مواد موجود در طبیعت زمانی مورد استفاده قرار می گیرند که کاملاً تغییر شکل داده شوند، مانند پنبه و پشم که باید پس از یک سلسله عملیات تخنیکی به صورت تکه آورده شده و بعداً مورد استفاده قرار گیرند، به همین ترتیب در مورد محصولات زراعتی که باید ابتدا زمین شخم زده شود و بعداً چیزی در آن کشت شود و بعد از یک مدت مواظبت و زحمتکشی زیاد محصولات جمع آوری و زمینه استفاده از آن فراهم می شود.

با در نظر داشت توضیحات بالا میتوان گفت که تولید تغییر شکل دادن مواد مختلفه طبیعی است تا بتوان برای رفع احتیاجات خود از آن استفاده نمود. وقتی در اقتصاد صحبت از تولید اشیای مثل میز، چوکی، لباس، بوت و غیره میشود منظور اینست که تولید کننده مواد مختلفه طبیعی را طور با هم ترکیب

اهمیت عوامل تولید در اقتصاد



دومین عامل تولید کار است. کار از نظر اقتصادی، تلاش و کوشش انسان توأم با رنج و زحمت، به منظور تولید مواد با انجام خدمات مورد احتیاج است. کار در تولید تکنیکی نقش اساسی را به عهده دارد، کار را باید از دو نقطه نظر مورد بحث قرار داد، یکی کیفیت کار و دیگری کمیت کار می باشد که از لحاظ کیفیت موضوعات آتی مطرح میشود:

- فایده اقتصادی کار و مسئله کارهای مؤلّد ثروت و کارهای غیر مؤلّد ثروت؛

- اقسام مختلفه کار از نظر تکنیکی؛

اما از جهت کمیت باید مسئله نفوس و نقل انتقال افراد را از یک نقطه به نقطه دیگر مورد بررسی قرار داد که هر یک از این دو جنبه ایجاب توضیحات مفصل را می نماید که این مقالّت گنجایش بحث طولانی را ندارد.

عامل سوم تولید سرمایه است. از نظر اقتصادی سرمایه به تمام مواد و اشیایی که انسان برای مصرف فوری و رفع نیاز مندیهای ضروری خود به کار نبرده بلکه برای تولید ثروتهای جدید به کار می برد، اطلاق میشود. سرمایه های که در تولید مورد استفاده واقع میشوند عبارتند از :

- قوای طبیعی چون انرژی آب، باد و آفتاب؛
- افزار و ماشین آلات صنعتی و وسایل حمل و نقل؛

- اموال غیر منقول چون زمین، ساختمانها، کارخانجات. زمین که اولین عامل طبیعی است همینکه بدست بشر تغییراتی



در آن حاصل گردید تا آماده و مهیا برای تولید گردد، از صورت اولیه خارج شده و بشکل سرمایه در می آید؛

- مواد اولیه و مواد نیمه تمام چون پنبه، پشم، آهن، چدن و غیره؛ و با لایحه عامل چهارم تولید مدیریت است که عبارت از نیروی هم آهنگ کننده کار آیی سه عامل دیگر (طبیعت، کار و سرمایه) میباشد.

درین نوشته تمرکز بیشتر بالای تولید است، بناءً تولید را از دو نقطه نظر مختلف مورد بررسی قرار میدهم: یکی از نظر تکنیکی و دیگری از نظر اقتصادی.

تولید از نظر تکنیکی عبارت از مجموعه عملیاتی است که برای تهیه ای اشیای مورد احتیاج ضرور و لازم است. که در نتیجه ترکیب سه عامل مختلف مورد احتیاج را به دسترسی انسان قرار میدهد. سرمایه هم از دو عامل دیگر یعنی طبیعت و کار به دست می آید، بناءً عامل اصلی تولید تکنیکی کار و نیروی بازوی انسان است.

تولید اقتصادی در حقیقت نتیجه و محصول تولید تکنیکی است و این نتیجه را ممکن است از لحاظ مؤلّد، مستهلک و منافع عمومی جامعه مورد ارزیابی قرار داد.

تولید از نظر مستهلک وقتی با اهمیت است که بتواند فواید جدیدی را به دسترس او قرار دهد و از نظر مؤلّد وقتی تولید با ارزش است که سودی را برایش به ارمغان بیاورد.



اهمیت عوامل تولید در اقتصاد



است که رشد و انکشاف اقتصادی یک کشور، ثبات ارزش پول و حتی استقلالیت اقتصادی آن وابسته به سطح تولیدات آن کشور میباشد.

چنانچه نتایج کمبود و یا حتی نبود تولیدات را طی سالهای جنگ در کشور خود ما به وضوح مشاهده کردیم که چه عواقب نا گواری اقتصادی را در زمینه شدت انفلاسیون و وابستگی اقتصادی به کشور های همسایه در قبال داشت. متأسفانه تا هنوز هم تولیدات کشور ما طور شاید و باید رشد نکرده و بیلاتس تجارت کشور ما به کسر بسیار شدید مواجه است و یگانه عاملی که تا هنوز ثبات ارزش پول افغانی را در برابر اسعار خارجی در سالهای اخیر ثابت نگهداشته است کمک های خارجی بوده و در حقیقت اسعار معتبر خارجی (دالر امریکائی) به نحوی در کشور ما به چلند بوده و در بسیاری از معاملات عمده مورد داد و ستد قرار میگیرد که این امر ارزش پول افغانی را در برابر اسعار ثابت نگهداشته است، مگر در برابر اجناس و کالا های مورد نیاز از ثبات لازم بر خورد دار نمی باشد و قیمت ها بخصوص قیمت مواد اولیه مورد نیاز مردم وقتاً فوقتاً در نوسان بوده که متضررین اصلی این نوسانات مردم عادی و بخصوص کسانی اند که عاید ثابت دارند. از آنچه گفته آمدیم چنین نتیجه به دست می آید که برای بهبود وضع اقتصادی کشور و رهایی از چالش های موجود اقتصادی لازم است تا به سکتور تولیدی توجه جدی مبذول گردیده و زمینه سوق یک قسمت از سرمایه ای تجارتی بسوی تولید مهیا شود که در این راستا نقش دولت بسیار بر جسته بوده و باید سهولت هایی را از طریق وضع قوانین مناسب اقتصادی برای تشویق سرمایه گذاری در سکتور تولیدی آماده نماید. این امر از یکطرف وابستگی اقتصادی ما به کشور های خارجی را کاهش میدهد و از سوی دیگر زمینه کار و اشتغال را برای گروهی عظیمی از بیکاران آماده می نماید که در نتیجه فقر و تنگدستی نیز کاهش می یابد.

تولید تخنیکی برای مؤلد اساس تولید اقتصادی یعنی تحصیل سود است و لی مفاد مولد وابسته به عوامل مختلف مخصوصاً وضع قیمت ها است. چون قیمت کالا ها بستگی کامل به میزان تقاضای مصرف کننده ها دارد. بناء تولید کننده باید علاوه بر اینکه تولید را در شرایط مساعد تخنیکی انجام دهد، نوع و میزان کالا های تولید شده را با نیاز مندیهای مصرف کننده ها عیار نماید. تطبیق بین تولید و مصرف بزرگترین نقش کار فرما در سیستم اقتصاد بازار امروزی است. مگر میزان تولید نه تنها بستگی به میزان استفاده از عوامل تولید، بلکه بستگی به تکنالوژی، قیمت عوامل، بازدهی نهایی عوامل و بالاخره قیمت محصول تولیدی دارد.

از نظر جامعه تولید وقتی با اهمیت است و به مثابه تولید شناخته میشود که فواید جدیدی ایجاد و اشیای تازه ای را در دسترس مصرف کنندگان قرار دهد و در نتیجه ثروت جامعه افزایش یابد. شرط اساسی مفید بودن تولید از نظر جامعه اینست که ارزش مواد مصرف شده، کمتر از ارزش کالا های تولید شده باشد. بناء نباید تصور نمود که تولید تخنیکی همیشه توأم با تولید اقتصادی است؛ مثلاً: ممکن است احداث سرک در قراء و قصبات دور دست و کوهستانی مخارج هنگفتی را در قبال داشته باشد، که هدف از احداث این سرک مسایل جنگی و بهبود امنیت باشد در حالیکه فایده اقتصادی احداث این سرک بسیار کم و حتی ممکن صفر باشد. به اساس همین مبرمیت هم



ماسټر ڊبټ ڪارٽ غزنفر بانڪ



غزنفر بانڪ، بانڪ من و تو

+93 (0)792 214 214

atm.support@ghazanfarbank.com



خبرنوال: عبدالحکیم رامیار

د بهرنی بانکوالی اړوند څو خبرې

(Foreign exchange Operation) ته ویل کېږي. له دې کبله چې هر بانک د چوپړنو د وړاندې کولو او خپلو موخو ته د رسېدو په خاطر هڅه کوي خپل فعالیتونه پراخه کړي، نو په دې منظور ده چې د هېواد دننه او بهر د څانگو او نمایندګیو په جوړولو لاسپورې کوي، اما د

بهرنۍ سوداګري یا له نورو هېوادونو او ملتونو سره اقتصادي او تجارتي راکړې ورکړې او اړیکې درلودل د هېوادونو د نورمال ژوند پرمختګ او د اوس مهال د برياوو او لاسته راوړنو څخه د کار اخیستنې یوه اړینه مسئله ده.

له هغه ځایه چې داوسنی نړۍ په شرایطو کې د هېوادونو اقتصادونه د کالو او خدمتونو د نړیوالې سوداګرۍ او دپولي جریانونو له لارې یو له بل سره تړل شوي دي، بازارونه او په تېره بیا اسعار او د هغه اړوند بنسټونه او بازارونه په دې اړیکو کې بنسټیز ځای او رول لري. چې د هر اقتصادي سیستم د بنسټونو یو خورا اړین او د پام وړ بنسټ بانک دی.



د معمول په توګه د چارو د سرته رسولو په خاطر په هر بانک کې دوې څانګې: داخلي بانکوالي او بهرنۍ بانکوالي فعالیت کوي. د کور دننه (داخلي) بانکوالي په خپلو کړنو او فعالیتونو کې د ملي پیسو اړوند چارې او د هغو مشتریانو راکړه ورکړه سمبالوي چې یوازې د هېواد دننه فعالیت لري. په یوه سوداګریز بانک (Commercial Bank) کې په بهرنیو پیسو (اسعارو) باندې د حسابونو پرانیستل، د اسعارو پیر او پلور، د اسعارو لېږد را لېږد، ضمانتونه او د پوراو اعتبار اړوند چارې د بهرنیو عملیاتو د برخو دندې وي، چې نړیواله بانکوالي نومېږي.

بهرنۍ بانکوالی څانګړنه یوازې په بهر کې څانګې درلودل نه، بلکې د بهرنیو پیسو فعالیتونه ترسره کول دي. د بېلګې په توګه کېدای شي زموږ په هېواد کې ډېر نوي پرانستل شوي بانکونه په بهر کې څانګې ونه لري اما د همدې بانکونو هغه څانګې چې د خپلو مشتریانو د معاملو هغه چې په بهرنیو پیسو وي ترسره

نړیواله بانکوالي (International banking) یا (Foreign banking) د هر بانک د عملیاتو هغه برخه ده چې په مالي او پولي بازارونو کې فعالیت کوي. په بله ژبه نړیواله بانکوالي د اسعارو عملیاتو



د بهرنی بانکوالی اړوند څو خبرې

کوي نو ویل کېږي، چې نوموړی بانک د بهرنی بانکوالی چارې ترسره کوي.

بهرنی بانکوالی د وگړو، ملتونو او هېوادونو ترمنځ د مالي، پولي او سوداگریزو اړتیاوو، غوښتنو او راکړو ورکړو د بسیا کولو بڼه او مطمئنه وسیله ده چې له لارې یې بانکونه او د نړۍ د مالي او پولي بازارونو سره د مشتریانو او کارو باریانو د اړیکو ټینګولو او کارولو امکانات او زمینې برابرېږي او په دې ترڅ کې پولي او مالي بازارونه د دې اړیکو د اصلي مزو حیثیت لري.

سره له دې چې د بانکونو په تېره بیا د سوداگریزو بانکونو څخه پرته نورې مالي مؤسسې هم د مرکزي بانک څخه د فعالیت جواز ترلاسه کوي نو یوازې اجازه ترلاسه کول بسنه نه کوي او بانک خپلې ځانګړنې لري. د ښو چوپړونو د وړاندې کولو په خاطر ماهره او متخصصه انساني پانګه هم اړینه ده. دا پانګه هغه متخصص مدیران او نور کارکوونکي دي چې د مسلکي پوهو ترڅنګ د بانک او د هغه د مشتریانو موخو او غوښتنو ته ژمن وي او هم په دې خاطر چې د دوو بانکونو چې په بېلابېلو هېوادو کې کار او فعالیت لري کړنې او اسناد د منلو وړ شي نو لازمه ده، چې د هغوی ترمنځ دمخه باید پېژندګلوي او لازم تفاهمات شتون ولري او د بانکونو ترمنځ حسابونو (Interbank Account) سربېره لاسلیکونه او رمزي شمېرې د اعتبار وړ وي، همدا راز په دې خاطر چې د نړیوال کېدو له امله کابو په ټولو هېوادونو کې خصوصي سوداګري او اقتصادي اړیکې د پخوا پر خلاف ترډېره د دولتونو د ولکې څخه وتلې دي نو ترڅنګ یې درغلی او اقتصادي مافیایي کړنې زیاتې شوې دي چې ډېر وختونه بانکونه او نور مالي مؤسسې ګواښوي. نو د دې اړتیاوو له پاره لازم سازمانونه باید شتون ولری.

همدا راز اوسني بازارونه د اقتصادي بنسټونو په توګه ډېر بډای او بدلېدونکي دي او هم د سوداګرۍ او مالي لحاظه د نړۍ ثروت لرونکي او پرمختیايي بازارونه ګڼل کېږي، نو د ګټې اخیستنې او د کارولو لپاره یې د معاصرې بهرنی بانکوالی د کاروبار او میتودونو په کارولو بلدیت او لاسرسي اړینه ده او د هربانک او مالي موسسې د انساني پانګې دندې او مسؤلیت درنوي او حتی ویلی شو چې وروسته پاتې هېوادونو کې د ډېرو بانکي کارکوونکو نه سمبالتیا د بانکونو د ډېرو ستونزو لامل کېږي. چې بانکونه باید ورته توجه وکړي. نو په دې توګه د بانک مدیران او کارکوونکي باید داسې کسان وي چې د اوس وخت په پوهو سمبال وي ترڅو خپلې چارې داسې پلان او عملي کړي چې ریسک او خطرونه حد اقل ته ورسوي.

دمخه وویل شول چې بهرنی بانکوالی د کور د ننه بانکوالي څخه په دې کې توپیر لري چې بهرنی بانکوالی تر ډېره د بهرنیو پیسو سره کار لري او هغه عملیات پرمخ بیايي چې په کې ترډېره بهرنی پیسې کارول کېږي، نو بې ځایه به نه وي چې د اسعارو او د هغه د تبادلوي چارو اړوند یو څه وویل شي.

اسعار: د ارزښت، بها، بېي او نرخ په مانا او یا هم د هغه سوداګریز سند په مفهوم وی چې ارزښت یې په بېګانه پیسو ټاکل شوی وي. اسعار (Foreign Currency) یا (Foreign Exchange) چې په لنډه توګه په FX هم ښودل کېږي د ملي پیسو (Local Currency) خلاف د نورو هېوادونو پیسو ته ویل کېږي چې یوازې په نوټ او سکو نه خلاصه کېږي، بلکې هغه جاري حسابونو ته هم اسعاري حسابونه وایي چې د هغه څخه برداشت او لیږد رالېږد په استعارو، اسعاري سندونه، اسعاري چک او یا هم اسعاری حوالې



شي د بانکونو ترمنځ د اړیکو نړیواله شبکه ((سویفت))
منځ ته راغلې ده. سویفت (Society of Worldwide
Interbank Financial Telecommunication
- SWIFT) یو غیر انتفاعي او نړیوال انجمن دی چې
غړیو بانکونو ته شپه او ورځ مخابراتي خدمتونه ترسره
کوي.

کله چې د ۱۹۷۳م کال د می په میاشت کې
سویفت شبکه د اروپا او شمالي امریکا د هېوادونو د
۲۳۹ بانکونو لخوا منځ ته راغله د لازمو وسایلو او
ماشینونو د لاسته راوړلو څخه وروسته د بلجیم هېواد په
پلازمینه بروکسل کې پرانیستل شوه. د سویفت د
رامنځته کېدو څخه وروسته دا په ډاگه شوه چې دا
بنسټ د اوسنۍ پرمختللي ټکنالوژۍ څخه په کار اخیستو
د پیغامونو په خاطر د اطمینان وړ، مصئون، سټندرد او
چټک بنسټ دی چې په ډېر کم لګښت سره په بېره
پیغامونه او بانکي سندونه لېږدولا ی شي. په دې توګه
چې که یو بانکي سند د تلکس، فکس او یا هم تله
فکس له لارې د یوه هېواد څخه بل هېواد ته ۱۰ یا

وي له دې کبله چې د بهرنۍ بانکوالۍ دنده او موخه بهر
ته او یا له بهر څخه د توکو، اسنادو او اسعارو لېږد
رالېږد او اړوند نور اړین خدمتونه اجرا کول دي نو په
دې اړوند د چارو د ښه سمبالتیا په خاطر د هر هېواد د
ملي قوانینو او مقرراتو ترڅنګ په سیمه ییزه او نړیواله
کچه د هېوادونو او نړیوالو اقتصادي بنسټونو ترمنځ
پرېکړې شوي او اړین نهادونه منځ ته راغلي دي.

د نن ورځې اقتصادي او سوداګریزې اړیکې د
پخوا په پرتله د جغرافیایي پولو څخه اوبښتي او نړیوال
کېدو او نویو ټکنالوژیکي وسایلو هغه ته نوې بڼې
ورکړې دي. او په بانکي چارو کې د اړیکو او خدمتونو
د اجرا کولو په خاطر ډېرې آسانتیاوې راغلې دي.
همدا راز په دې خاطر چې دا کارونکې ټکنالوژي د
ټولو په اختیار کې ده ډېر وختونه د ډېرو بانکونو،
شرکتونو او نور کاروباریانو د کړنو او د مالي، پولي
راکړو ورکړو مصئونیت هم ګواښوي.

په دې خاطر چې د یوه بانک او هېواد څخه بل
بانک او هېواد ته په ډاډه او بې له ځنډه پېسې ولېږدول



او د هر یورو بیه ۷۰ افغانی وي، ویل کیږي چې د ډالر نرخ د افغانیو په پرتله ۵۸ او د یورو نرخ ۷۰ افغانی دی.

له دې کبله چې د ځواکمنو اقتصاد لرونکو هېوادونو معتبرې یا ځواکمنې پیسې (Hard Currency) په پولي او مالي بازارونو کې اساسي پیسې دي او په ټولو هېوادونو او پولي بازارونو کې تبادله کیږي، نو د نورو منل شویو نړیوال ستندرد مقرراتو ترڅنګ د اسعارو د نرخ اعلامول هم یوه نړیواله بڼه خپله کړې او دا اعلام په څلورو لاندې بنور وراج لري:

۱ - مستقیمه بڼه (Direct Quotation): دا طریقه چې بانکونه او صرافۍ یې ډېر کاروي او زموږ په هېواد کې هم د دې طریقې نه کار اخیستل کیږي هغه بڼه ده چې اسعار ثابت او ملي پیسې متغیرې وي، لکه:

لومړۍ جدول

اسعار	پلورل (په افغانی)	پېرل (په افغانی)
یو امریکایي ډالر	۵۵،۲۰ افغانی	۵۵،۴۰ افغانی
یو اروپایي یورو	۷۱،۳۰ افغانی	۷۱،۶۰ افغانی
یو انګلیسي پونډ	۹۰،۵۵ افغانی	۹۱،۷۵ افغانی

۲ - غیر مستقیمه بڼه (Indirect Quotation): هغه طریقه ده چې د ملي پیسو په پرتله د نورو پیسو بې اعلامیږي یانې چې ملي پیسې ثابتې او نورې پیسې متغیرې فرض کیږي:

دوهم جدول

پېسه	پلورل	پېرل
یوه افغانی	۰،۰۱۸۱ ډالر	۰،۰۱۸ ډالر
یوه افغانی	۰،۰۱۴ یورو	۰،۰۱۳۹ یورو
یوه افغانی	۰،۰۱۱ پونډ	۰،۰۱۰ پونډ

۱۵ دقیقې وخت ونیسي، د سویفت له لارې په ۳ - ۴ ثانیو کې رسېږي. د سویفت بله ښېګڼه داده چې دې بنسټ هغه ستندردونه چې نړیوالو مؤسسو لکه د نړیوالې سوداګرۍ اتاق (International Chamber of Commerce) او د نړیوال ستندرد سازمان (International Standard organization - ISO) منلي او خپل عملونه یې د هغه پربنا عیار کړي دي کاروي. د بېلګې په توګه ISO د هېوادونو د پیسو د AF د امریکا متحده ایالتونه US، ایران IR او پیسې یې په درېیو ټکولکه: افغانی (AFS)، امریکایي ډالر (US\$)، ایراني ریال (IRR) ښیي. نو په دې توګه ویلای شو چې سویفت په نړیواله بانکوالۍ کې د یوې واحدې ژبې څخه کار اخلي. هغه ژبه چې د مخه ټول غړي بانکونه په هغې باندې آشنا دي. دا کار د دې لامل کیږي چې د اسنادو او پیغامونو د کارونې او لوستنې په وخت د بېلو برداشتونو او تغیرونو څخه ډډه وشي.

بله مسئله چې د ټولو اقتصادونو په تېره بیا د وروسته پاتې هېوادونو د بانکونو کاروبار، ګټې او زیان اغېزمنوي د اسعارو د تبادلې د نرخ بدلون دی. د اوسني حاکم نړیوال پولي سیستم پربنا د اسعارو د تبادلې نرخ تر ډېره په آزاد بازار کې د عرضي او تقاضا او ځینې وختونه هم د سیاسي مسئلو پربنا بدلون مومي.

د پیسو په یوه ملي بازار کې په ملي پیسو باندې د یوې بهرنۍ پیسې بې ته دهغه سعر نرخ وایي. یانې هغه کچه ملي پیسې چې د یوه واحد خارجي پیسې د لاسته راوړلو په بدل کې ورکول کیږي دهغه سعر نرخ دی. مثلاً که په شهزاده سرای کې په اوسطه توګه د هر امریکایي ډالر بیه ۵۸ افغانی



سنت دی، په دې توګه په جدولونو کې د اعشاري چې خوا ته د هرې پېسې اصلي واحد (افغانی، ډالر...) او بڼې خواته یې کوچني واحدات (پول، سنت) لیکل کېږي.

بله د پام وړ موضوع داده چې کله یو عدد پر بل عدد تقسیمېږي ممکن د حساب په پایله کې څو رقمیز اعشاري عدد لاسته راشي چې د پېسو د واحدات په اړوند هم دا مسئله صدق کوي، اما ګورو چې ډېر وختونه د اسعارو د نرخ اعشاري برخه دوه رقمه یا یو پرسلو (سلمه برخه) وي (مثلاً په افغانستان کې د اسعارو د نرخونو د اعلام په وخت) چې ترډېره دا د بېلو نرخونو حسابي اوسط وي. اما د دې پر خلاف په نړیوالو بازارونو او هغو مؤسساتو کې چې د تبادلې کچې ډېرې لوړې وي یانې په یوه معامله کې ډېرې پېسې تبادله شي نو د یوې پېسې د اعشاري برخې څلورم، پنځم... رقم هم یو لویه کچه او د محاسبې په پایله کې د پام وړ پېسې کېږي، چې باید د محاسبې په وخت کې په نظر کې ونیول شي نو په دغه راز معاملو کې د نرخونو د ټیټ واحد یو پرسل زرمه حصه د (اعشاري څخه څلورم رقمه بڼې خوا ته) هم اعلاموي. په دې شکل چې یو ډالر = ۰،۶۰۹۶ پونډسټرلنګ لیکي. همدا راز د نړۍ په لویو بازارونو کې زموږ د هېواد برخلاف د دو پېسو د پېر او پلور نرخ په ګډه په یوه سطر کې په لاندې ډول اعلامیږي یو ډالر = ۰،۶۰۸۶ / ۹۱ پونډ سټرلنګ او مانايې داده چې د یوه ډالر د پلورلو بیه ۰،۶۰۸۶ پونډ او پیرلو بیه یې ۰،۶۰۹۱ پونډه ده.

۳ - ډالر د اساس په توګه طریقه (USD Base Quotation)
دریم جدول

یو ډالر	۰،۶۰ پونډ سټرلنګ
یو ډالر	۰،۷۶ یورو

۴ - متقاطع طریقه (Cross Quotation): په دې کې اساسي پېسې شتون نه لري او د ټولو اسعارو بېې یو د بل په پرتله اعلامیږي.

څلورم جدول

یو ډالر	۰،۷۶ یورو
یو یورو	۰،۸۰ پونډسټرلنګ
یو پونډ سټرلنګ	۱،۶۴ ډالر

څرنگه چې په لومړي جدول کې وینو د هرې بهرنۍ پېسې د پېرلو او پلورلو ترمنځ توپیر لیدل کېږي دا توپیر قانوني بڼه لري اود دلالتونو، شرکتونو او صرافانو د خدمتونو مزد نومېږي او حدود یې د مرکزي بانک او یا نورو اړوندو ادارو له خوا ټاکل کېږي. په دې مانا چې که یو څوک وغواړي خپل یو ډالر په صراف او یا دلال خرڅ کړي صراف به دې ته ۵۵ افغانی او ۲۰ پوله ورکړي او کله چې وغواړي یو ډالر واخلي نو د هر ډالر په بدل کې ۵۵ افغانی او ۴۰ پوله باید صراف ته ورکړي.

هسې چې ټول پوهیږو هره پېسه ځانته کوچني واحدات لري، لکه: د افغانی ټیټ واحد پول د امریکایي ډالر ټیټ واحد

چگونگی تعیین نرخ ارز

رسید تا بر اساس آن، ارزش پول هر کشور بر مبنای میزان ذخایر طلای موجود در آن کشور ارزیابی و مشخص گردد.

تعیین ارزش پول هر کشور بر اساس حجم ذخائر طلا، در سرو سامان دادن اوضاع بهم ریخته اقتصاد جهانی، منجمه ثبات ارزش پولی، مهار تورم و رشد و توسعه اقتصادی بر مبنای توازن تجارت خارجی موثر واقع گردید. نظام پولی ارزی متکی به طلا؛ با عملکرد خود توانست موجبات توازن نسبی اقتصاد خارجی را در تمام کشورهای عضو فراهم نماید.

نظام خود گردان استندرد طلا به این ترتیب عمل می نمود که بهبود تجارت خارجی و به عبارتی اضافه صادرات یک کشور در تجارت خارجی خود موجب واردات طلا از کشورهای دیگر به آن کشور و در نتیجه، افزایش ارزش پول آن کشور (به علت افزایش ذخایر طلا) در مقایسه با ارزهای سایر کشورها و بر عکس نیز اضافه واردات یک کشور موجب صادرات طلا به کشورهای دیگر و کاهش ارزش پول آن کشور می گردید.

به این ترتیب، کشورها در صورت اضافه صادرات تجاری مجبور به افزایش ارزش پول ملی خود و در نتیجه گرانتر شدن نسبی محصولات تجاری خود و بر عکس نیز کشوری با اضافه واردات مجبور به کاهش پول ملی خود و در نتیجه ارزانتر شدن محصولات تجاری خود می گردید و لذا به طور اتوماتیک، در دوره های تجاری بعدی، توازن و تعادل اقتصاد خارجی به وقوع می پیوست.

نظام پولی متکی به طلا و نقاط ضعف آن به ویژه کمبود تولید و عرضه طلا در سطح جهانی در مقایسه با نیاز روزافزون به نقدینگی موجب گردید که مهمترین ارز جهان



نرخ ارز یا اسعار بیان کننده مقدار پولی است که یک کشور در بدل خرید یا مبادله یک واحد پول خارجی مانند دلار، یورو، پوند انگلیس، فرانک سوئیس و امثال آن می پردازد. بنابراین نرخ یا ارزش واحد پول یک کشور مقدار پولی است که در بدل خرید یک واحد پول معتبر و ارزشمند جهان نظیر دلار، یورو و پوند می پردازد. گران شدن بهای پول داخلی و ارزان شدن بهای پول خارجی وقتی صورت می گیرد که مبالغ پول پرداختی برای مبادله یک دلار، یورو و یا پوند کمتر از ارزش واقعی آن ارز باشد.

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و کوشش جهت سر و سامان دادن به نظام از هم پاشیده پولی و اقتصادی جهان، کنفرانس برتن وودز در سال ۱۹۴۸ تشکیل شد و نظام ارزی متکی به طلا به تصویب کشورهای صنعتی



چگونگی تعیین نرخ ارز

را با خطر مواجه نمود. مسئله بدهی های کشورهای جهان سوم به علت عدم تعادل تجاری، تورم و فقر در بسیاری از کشورهای جهان سوم را می توان تا حدودی ناشی از عدم تعادل تجاری ناشی از نظام ارزی شناور تلقی نمود.

تجربه دهه های گذشته در خصوص نظام ارزی شناور نشان داده است، کشوری که بتواند نظام ارزی شناور را مدبرانه در کشور خود اعمال نماید از مزایای نظام ارزی با پشتوانه طلا برخوردار می گردد. از یکطرف می تواند با کاهش و یا افزایش ارزش پول ملی خود موفق به ایجاد تعادل و توازن در اقتصاد خارجی خود و از طرف دیگر موفق به کنترل تورم و تحقق سایر اهداف کلان اقتصادی گردد. در نظام های ارزی شناور مدیریت شده، که وجه غالب در عرصه نظام پولی اکثر کشورها را در زمان حاضر تشکیل می دهد عموماً بانک های مرکزی هر کشور نرخ ارز را با نوسانات (حدوداً ۱۰٪ به سمت بالا و پایین) و با ملاحظات نظیر، تامین رشد اقتصادی، حمایت از صادرات و سرمایه گذاری خارجی، تامین ذخایر ارزی احتیاطی و غیره مدیریت می نمایند.

منبع: خبرآنلاین

رواج آن دوره یعنی دالر نیز به عنوان پشتوانه پول ملی هر کشور علاوه بر موجودی طلا (با نرخ ۳۵ دالر برای هر اونس طلا) مورد قبول کشورهای صنعتی پیشرفته قرار گرفت. سیستم طلا- ارز نیز در سال ۱۹۷۲ به علت عدم تعهد آمریکا به پرداخت طلا در قبال دالر از هم پاشید و سیستم شناور ارزی جایگزین آن گردید. سیستم پشتوانه طلا که در حد بسیار بالایی قادر به ثبات ارزش پولی تمام کشورها و سیستم پشتوانه طلا - دالر که تا حدی قادر به کنترل تورم جهانی می گردید یکباره مضمحل و نظام ارزی مطلقاً شناور و در ادامه در حد وسیعی نیز نظام ارزی مدیریت شده جایگزین آن گردید. به این ترتیب، ثبات نسبی نرخ ارزها مضمحل گردید و پول کشورها در حدی که مورد قبول و اعتماد شرکای تجاری بود، می توانست مورد داد و ستد قرار گیرد.

از خصوصیات مهم نظام پولی ارزی شناور این بود که اختیار و مسئولیت تعیین نرخهای ارزی را از سطوح بین الملل به سطوح مقامات ملی دولتی

کشورها منتقل نمود. به این

ترتیب، این نظام

پولی توانست

مشکل کمبود

نقدینگی جهانی را

بر طرف و در تکامل و

رشد داد و ستد و رشد

اقتصاد جهانی موثر واقع شود.

متقابلاً نظام ارزی پولی شناور و

آزادی تعیین نرخ ارز توسط مقامات

ملی هر کشور ثبات ارزش پول، توازن

اقتصاد خارجی و کنترل تورم در سطح جهانی





ماسټر ډبټ کارټ غزنفر بانک

قابل توجه مشتریان محترم:

مشتریان محترم می توانند هر مرتبه مبلغ دو صد دالر امریکایی و یا معادل آن به افغانی دریافت نمایند.
مشتریان محترم فقط با ماسټر ډبټ کارټ می توانند پول دریافت کنند.

مقدار معامله در یک روز:

معاملات نقدی: ۵ مرتبه - مبلغ مجموعی یک هزار دالر.
خریداری از طریق ماشین پاز ۱۵ مرتبه مبلغ مجموعی ۷۵۰۰ دالر امریکایی.



شماره تماس: +93 (0)792 214 214



تاریخچه تجارت الکترونیک



(Inter Organization System) پیوند خورد و مدل‌هایی گسترده تری ایجاد نمود. مدل‌های تجارت الکترونیک در این دوره برای فعالیت‌هایی نظیر ریزرف تکت هوایما و معاملات سهام مورد استفاده قرار گرفتند. با این وجود پیاده سازی مدل‌های تجارت الکترونیک بر اساس EDI نیز سنگین و پرهزینه بود. برای آموزش کارمندان و تهیه بسترهای لازم به سرمایه گذاری هنگفتی ضرورت داشت. لذا تنها شرکت‌های بزرگ بودند که می‌توانستند به ایجاد مدل‌هایی بر اساس آن بپردازند.

در نیمه اول دهه ۱۹۹۰، اینترنت گسترش بسیاری پیدا کرد و به تدریج از حیطه دانشگاهی و نظامی خارج شد و علاقمندان زیادی در بین همه افراد جامعه پیدا کرد. گسترش World Wide Web و استانداردها و پروتکل‌های مربوطه از یک طرف باعث جذب هر چه بیشتر علاقمندان به اینترنت شد و استفاده از ابزارهای IT در این زمینه را عمومی نمود و از طرف دیگر این امکان را برای شرکت‌ها و موسسات ایجاد کرد که به گونه ای آسان و کم هزینه ، از خدمات اطلاع رسانی مستفید شوند. مدل‌های تجارت الکترونیکی متنوعی در این دوره ایجاد شده و مورد استفاده قرار گرفتند. تجارت

نمونه ها و مدل‌های تجارت الکترونیک اولین بار در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی ارایه شدند. در این دوره استفاده از مدل‌های تجارت الکترونیک بسیار گران بود، شرکت‌های بزرگ مالی و بانک‌ها و گاهی شرکت‌های بزرگ صنعتی نمونه های تجارت الکترونیک را ارائه می دادند. Electronic Fund Transfer (EFT) از نخستین نمونه های مدل تجارت الکترونیک مورد استفاده بود که به منظور ارتباط مالی بین موسسات مالی مورد استفاده قرار می گرفت. کاربرد تجارت الکترونیک در این دوره دشوار بود.

علاوه بر آن برای زمینه سازی خدمات تجارت الکترونیک سرمایه گذارهای سنگین لازم بود. لذا کاربرد آن به موسسات مالی و شرکت‌های بزرگ محدود می شد. در مرحله بعد استاندارد EDI Electronic Data Interchange ایجاد شد که عمومی ترین نوع خدمات نقل و انتقالات مالی و بانکی با استفاده از ابزارهای نوپای اطلاعاتی ، بود. با این تفاوت که EDI، امکان استفاده و بهره برداری در سایر انواع مبادلات تجاری را نیز دارا بود. EDI باعث شد تا دامنه کاربرد مدل‌های تجارت الکترونیک ، از محدوده موسسات بزرگ مالی به ابعاد وسیعتری گسترش یابد. در این دوره EC با IOS ها





الکترونیک تکامل یافته و مدل‌های جدید و پیچیده تری، ایجاد شده و مورد استفاده قرار گرفتند.

در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ (میلادی) کاربران و شرکتها به صورت روزافزونی با نوآوری ها و ارتقاء تکنولوژی اطلاعاتی به عنوان بستر مدل‌های تجارت الکترونیک روبرو شدند. در این دوره یکی از مهمترین تحولات در اینترنت، به عنوان یکی از بسترهای تجارت الکترونیک، رخ داد. این تحول افزوده شدن قابلیت دسترسی به مسایل اطلاعاتی بود. وجود قابلیت دسترسی به اطلاعات امکانات زیادی را برای تجارت الکترونیک ایجاد نمود و باعث گسترش مدل‌های تجارت الکترونیک و افزایش کارایی این مدلها گردید. در این دوره مدل‌های تجارت الکترونیک و حجم مبادلات انجام شده توسط این مدلها به صورت چشمگیری رشد پیدا کرد. عموم شرکتهای بزرگ و موفق که موفقیت خود را مدیون مدل‌های تجارت الکترونیکی میدانستند، در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ پا به عرصه وجود نهاده اند.

تا اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی عموم مدل‌های تجارت الکترونیکی با تاکید بر مصرف کننده نهایی شکل گرفته بودند و

در دسته Business to Consumer

(B2C) قرار می گرفتند. ولی به تدریج و

با مهیا شدن فرصتها و امکان استفاده

جدی، شرکتهای بزرگ نیز استفاده از

مدل‌های تجارت الکترونیک را مناسب و

سودآور یافتند. لذا به سرمایه گذاری در

مدل‌هایی پرداختند که به استفاده از این

بستر در ارتباط بین شرکتها یاری می رسانند

و در دسته Business to Business

(B2B) قرار می گیرند. از این دوره به بعد

مدل‌های B2B به لحاظ حجم مبادلات بر

مدل‌های B2C پیشی گرفتند.

الکترونیک به تدریج رونق گرفت و مدل‌های تجارت الکترونیک به عنوان دسته ای از مدل‌های دنیای تجارت، مطرح شدند. ایجاد بسترهای مناسب و ارزان برای تجارت الکترونیک و رشد کاربران این بسترها از دلایل رشد سریع تجارت الکترونیک در این دوره بود. رشد فشارهای رقابتی بین شرکتها نیز از دیگر دلایل توجه شرکتها به مدل‌های تجارت الکترونیک بود.

مدل‌های مطرح شده در این زمان، مدل‌های تجارت الکترونیکی ساده و اولیه بودند. به عبارت دیگر استفاده از تجارت الکترونیک در ساده ترین سطح آن انجام می شد. مشکلات فنی و نقایص موجود به علاوه ناآشنایی کاربران و شرکتها که مانع سرمایه گذاری آنها می شد، باعث گردید تا در این دوره تنها مدل‌های اولیه تجارت الکترونیک مورد استفاده قرار گیرند. این مدلها معمولاً فقط به اطلاع رسانی به مشتریان خود در مورد شرکت و محصولات آن محدود می شدند. به تدریج و با گذر زمان، شناخت کاربران و شرکتها از مزایای مدل‌های تجارت الکترونیک افزایش یافت. از طرف دیگر مسایل فنی و تکنولوژی مورد استفاده نیز به مرور ارتقاء پیدا کردند. در نتیجه این مسایل، به تدریج مدل‌های تجارت



چین دومین اقتصاد برتر جهان

روزنامه فایننشل تایمز با بیان این گمانه نوشت: چین دومین و بزرگ ترین اقتصاد جهان بعد از آمریکا اخیراً بیش تر از دیگران مدعی شده است و در حال حاضر به دنبال بهره برداری از شرایط غیر معمول برای کشورهاست. چین در حال حاضر حجم زیادی از ذخایر ارزی در دست دارد و نیز از یک سیستم قوی بانکی برخوردار می باشد و این در حالی است که بسیاری از کشورها تلاشی برای به دست آوردن منابع طبیعی و یافتن همکاری های جدید ندارند.

چندی پیش ون ژیا بائو، نخست وزیر چین، به عنوان یکی از بزرگ ترین طلب کاران آمریکا، به واشنگتن یادآوری کرد که چین از واشنگتن انتظار دارد که امنیت سرمایه گذاری های چین را تامین کند. تحلیل گران اقتصادی می گویند: رهبران چین، در حال تغییر اوضاع بحران اقتصادی به شرایط رقابتی می باشند.

بر اساس این گزارش، چین در حال استفاده از بسته محرک اقتصادی به ارزش ۶۰۰ میلیارد دلار است تا به وسیله آن شرکت های خود را برای رقابت در بازارهای داخل و خارج توانا تر سازد و بدین وسیله کارگران مهاجر خود را حفظ کند و کمک هزینه های تحقیق و توسعه را به سرعت افزایش دهد. ساخت و ساز نیز به تازه گی در بزرگراه های جدید و خطوط راه آهن آغاز شده است که احتمالاً هزینه های حمل و نقل را برای همیشه کاهش خواهد داد.

با توجه به آخرین کمک ۱۵ میلیارد دلاری آمریکا برای حمایت از کسب و کارهای کوچک و باوجود تلاش رهبران آمریکا برای احیای قرضه دهی، بانک های چینی اخیراً وام بیش تری نسبت به سابق پرداخت کرده اند. به گفته اسوار اسپراساد، یکی از روسای اسبق صندوق بین المللی پول، آخرین



تحول اقتصادی چین در پی روی کار آمدن «دنگ شیائو پینگ» در سال ۱۹۷۸ آغاز گردید. وی و هم فکانش به این نتیجه رسیدند که چین مستلزم رشد اقتصادی است و این امر ممکن نیست مگر از طریق برقراری ارتباط گسترده با دیگر کشورهای جهان. چین ارتباطات خود با دیگر کشورها را آغاز نمود و برای چینیایی ها تفاوتی نمی کرد که کشوری که با آن داد و ستد می نمایند، چه نام دارد و چه نظامی بر آن حاکم است.

این سیاست اقتصادی که با جدیت و پشت کار معروف چینیایی ها عجین گشته و پس از دنگ شیائو نیز پی گیری گردید، موجبات پیش رفت اقتصادی چین را مهیا و به تجربه ای بی نظیر تبدیل گردید که جهان را در بهت و شگفت زده گی قرار داد. جهان مبهوت در این بود که سیاست بازگذاشتن دروازه ها به روی تمام کشورها توسط دیگر کشورهای مارکسیستی نیز تجربه شده بود ولی با شکست مواجه گردید. با این حال چین به عنوان بزرگ ترین کشور از لحاظ جمعیت و وسعت که عضویت دائم شورای امنیت را نیز دارا می باشد و در بعد نظامی قدرت هسته ای نیز مطرح است توانست، با ادغام اقتصاد بازار و اقتصاد سوسیالیستی اوسط رشد اقتصادی خود را به سرعت بالا ببرد.

این تجربه موفق، امروزه گمانه هایی نزدیک به یقین را به وجود آورده است که با توجه به رکود اقتصاد جهانی و تلاش برای برگرداندن این روند، احتمال دارد چین به یک رقیب برای کشورهای توسعه یافته و صنعتی جهان با اقتصادی قوی تر نسبت به آنچه قبل از بحران ها بود، تبدیل گردد.





دست مزد کارگری که طی چهار سال گذشته در برخی از شهرهای ساحلی دو برابر بود، در زمستان برای بسیاری از کارگران کاهش یافت. این امر نیروی تازه ای به منافع چین در هزینه های کارگری تزریق کرد. بی کاری، پرداخت هزینه کارخانه ها برای دوخت کالا کاهش یافت و اضافه کاری عملاً خاتمه یافت.

فارغ التحصیلان دانشگاهی و مدیران عالی رتبه و شایسته میان سال که در گذشته بسیار کم یاب بودند، اینک در سطح وسیعی در دست رس بودند. البته این احتمال وجود دارد که آن ها نظر به توسعه دانشگاه ها باقی بمانند و این در حالی است که بی کاری کارمندان رسمی می تواند خطر آشوب های اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

اما با فروکش کردن بیجنگ، دولت های ایالتی برنامه های تربیت نیروی کار را در مقیاس وسیعی آغاز کردند، که آمریکا در مدت کوتاهی بر آن ها تاکید داشت ولی در واقع تلاش واقعی نکرد. گو آنگ دونگ به تنهایی تلاش می نماید تا این برنامه ها را در ایالت جنوب شرقی چین چهار برابر نماید تا بدین وسیله ۴ میلیون کارگر استخدام شده را در برنامه های ۳ ماهه و یا ۶ ماهه آموزش دهد. مهم ترین برنامه قابل قیاس در آمریکا تحت نظر سازمان سرمایه گذاری نیروی کار است که تنها قادر به آماده سازی ۲۵۰ هزار کارگر در سال است. اگرچه بسته محرک رئیس جمهور اوباما سرمایه لازم را تامین خواهد کرد تا آمریکا بتواند بیش از دو برابر تعداد کارگران خود را در برنامه های تربیتی وارد کند.

منبع: بینش نو

اخطار به بسته محرک اقتصادی، یک تمرکز قوی تر بر شرایط رقابتی در بلندمدت را برای صنایع چین نشان می دهد.

هزینه های بالاتر تعلیم و تربیه و نیز تحقیقات و توسعه همراه با مقادیری که اخیراً برای سرمایه گذاری های زیربنایی در نظر گرفته شده است از جمله مواردی است که به باروری اقتصاد کمک خواهد کرد.

بحران اقتصادی در بیش تر اقتصادهای بزرگ دنیا در حال تحمیل یک درد و فشار واقعی است که این موضوع منجر به ثبت یک ریکارد سقوط در میزان صادرات چین شده است و نیز ۲۰ میلیون کارگر مهاجر از کار بی کار شد و پتانسیل تقویت آشوب های اجتماعی را افزایش داد.

هو جین تائو، رئیس جمهور چین نیز گفته است: رقابت کردن و فرصت ها همیشه با هم و تحت شرایط معین وجود دارند که هر یک می تواند دیگری را دگرگون سازد. در نهایت شرکت های چینیایی در حال خرید برای تجارت های خارجی هستند تا به وسیله آن بتوانند تولید کنند. مجریان در حال جست و جوی شرکت های خودروسازی، نساجی، صنایع غذایی، انرژی، ماشین آلات، الکترونیک و بخش حفاظت محیط زیست می باشند.

دولت چین برای کسب برخی منفعت های فوری هم زمان با رکود اقتصادی پیش قدم شد. برای مثال کرایه های هوایی و هزینه های کشتی رانی اقیانوسی به شدت کاهش یافت و تقاضا بیش از دو سوم نسبت به گذشته کاهش یافت.



تمويل مالی و قرضه های غضنفر بانک
تجارت و اقتصاد شما را
استحکام و رونق می بخشد



غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK



دفتر مرکزی: ۸۷۷ سرک عمومی شیرپور، کابل-افغانستان

☎ +93 (0)798786786 ☎ +93 (0)79 786 00 79
info@ghazanfarbank.com / www.ghazanfarbank.com



تاریخچه گروه هشت (هشت کشور صنعتی جهان)

سال ۱۹۷۳ در واکنش به این شرایط، دولت آمریکا جلساتی غیر رسمی با شرکت اقتصاد دانان ارشد از اروپا، جاپان و آمریکا برگزار کرد که به گروه کتابخانه موسوم شد. در سال ۱۹۷۵ به ابتکار دولت فرانسه رهبران این کشورها در این جلسه شرکت کردند و از آن زمان توافق شد که اجلاس سران همه ساله برگزار شود. شش کشور تشکیل دهنده به گروه شش معروف شدند. با پیوستن کانادا به این نهاد در سال ۱۹۷۶ نام آن به گروه هفت و در سال ۱۹۹۹ با پیوستن روسیه به گروه هشت معروف شد.

با وجودیکه این نهاد در اصل برای همکاری های اقتصادی و مالی شکل گرفت اما از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی سیاست به مرور وارد حوزه تصمیم گیری های آن شد. در اجلاس سالهای اخیر رهبران گروه هشت در مورد مسایلی

گروه هشت، بدون برخورداری از یک مرکز، بودجه و سازمان دائمی در حقیقت نهادی است غیر رسمی و انحصاری که اعضای آن می کوشند از طریق مذاکره و اقدام مشترک راه های حل برای چالش های اقتصاد جهانی بیابند.

گروه هشت در آغاز از سوی شش کشور صنعتی جهان مانند ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، جاپان، فرانسه، آلمان و ایتالیا تشکیل شد و بعداً کشور های کانادا و روسیه نیز به آن پیوست و به گروه هشت معروف شد. این گروه ۶۵٪ اقتصاد جهان را در دست دارند. رهبران این هشت کشور سال یکبار ملاقات می کنند.

تاریخ شکل گیری این نهاد به سالهای رکود اقتصادی و بحران نفت در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی باز می گردد. در



تاریخچه گروه هشت

اعضای اولیه: فرانسه، آلمان، ایتالیا، جاپان، بریتانیا، آمریکا

اعضای بعدی: کانادا در سال ۱۹۷۶ و روسیه در سال ۱۹۹۸ به این گروه پیوستند.

ریاست دوره ای و نشستهای گروه هشت در سالهای اخیر:

- ۲۰۰۱ - ایتالیا، اجلاس جنوا
- ۲۰۰۲ - کانادا، کاناناسکیس
- ۲۰۰۳ - فرانسه، اوپان
- ۲۰۰۴ - آمریکا، سی آیلند
- ۲۰۰۵ - بریتانیا، گلن ایگلز
- ۲۰۰۶ - روسیه، سن پترزبورگ
- ۲۰۰۷ - آلمان، هایلینگن دام
- ۲۰۰۸ - جاپان، هوکایدو تویاکو
- ۲۰۰۹ - لاکبلا، ابروزو - ایتالیا
- ۲۰۱۰ - اوتتاریو - کانادا
- ۲۰۱۱ - نورماندی - فرانسه

اولین کنفرانس اقتصاد جهانی سال ۱۹۷۵ در قصر رامبوئیو در پاریس برپا شد. پس از آن چنین دیدارهایی سالانه تکرار شدند و هر سال یکی از اعضای این گروه میزبانی اجلاس را که همیشه در ماه می یا جون، برگزار می شدند بر عهده گرفت.

در سال ۱۹۷۶ با پیوستن کانادا به جمع کشورهای عضو، این گروه به «گروه هفت» (G7) تبدیل گردید. در پایان جنگ سرد در سال ۱۹۸۹ روسیه خواستار پیوستن به این گروه شد. پذیرش روسیه در این گروه رفته رفته انجام شد و ۹ سال بعد در سال ۱۹۹۸ این کشور به عضویت رسمی گروه در آمد. در سال ۲۰۰۶ روسیه برای اولین بار ریاست گروه ۸ را بر عهده گرفت و اجلاس سالانه گروه ۸ در سن پترزبورگ برگزار شد.

نظیر بحران خاورمیانه، بازسازی عراق، امنیت جهانی و بحران هسته ای در کوریای شمالی و ایران تبادل نظر کرده اند.

کشورهای عضو گروه هشت در زمینه مسایل سیاسی میتوانند اهداف و راهکارهایی را تعیین کنند ولی پیروی از آن برای اعضاء گروه الزامی نیست. گروه هشت به خاطر قدرت اقتصادی اش در عمل بسیاری از نهادهای بین المللی را تحت الشعاع نفوذ خود قرار داده است. جلسات سالهای اخیر این گروه با گردهمایی های ساده آن در دهه ۱۹۷۰ تفاوت های بسیاری دارد. ملاقات رهبران گروه هشت اکنون با تشریفات و در پناه تدابیر شدید امنیتی برگزار می شوند و صدها کارمند و مقام دولتی در برنامه ریزی و تدارک آن مشغول بکارند.

با این همه این جلسات هنوز برخی از روشهای غیر رسمی خود را حفظ کرده و معمولاً در روز دوم اجلاس، رهبران به دور از هرگونه تشریفات و بوروکراسی و به دور از دوربین رسانه ها در دیدار کاملاً غیر رسمی با یکدیگر گفتگو می کنند. از سوی اتحادیه اروپا دو مقام در جلسات گروه هشت شرکت می کنند. رئیس کمیسیون اروپا و رهبر کشوری که ریاست دوره ای این اتحادیه را بر عهده دارد. ولی اتحادیه اروپا در مذاکرات سیاسی گروه هشت شرکت ندارد.

تاریخچه

گروه هشت در تلاش برای پاسخ به یک بحران پدید آمد. در اواسط دهه ۱۹۷۰، بحران نفتی و از هم پاشی سیستم تبادل ارز «برتون وودز» منجر به بحران در اقتصاد جهانی شد. برای کشورهای بزرگ صنعتی این موضوع مطرح بود که چگونه می توان بر مشکلات غلبه کرد. رئیس جمهور وقت فرانسه، والرئ ژیسکار دیستن، و صدر اعظم آن هنگام آلمان، هلموت اشمیت، غلبه بر بحران را در راه کار بین المللی دیدند و این ایده را پی گرفتند.

تأسیس: سال ۱۹۷۵، رامبوئیو فرانسه



هدف از این نشست‌ها در آغاز شور و مشورت درباره مسائل روز راهبردهای اقتصادی جهان در میان جمع کوچک بود. شرکت‌کنندگان در اولین اجلاس، سران کشورهای فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، جاپان و آمریکا بودند. ریاست گروه هشت سالانه بین کشورهای عضو می‌چرخد، کشوری که ریاست سالانه را بر عهده دارد مسئول برگزاری اجلاس و اقدامات تشریفاتی و امنیتی مربوط به آن است.

آمریکا با توجه به قدرت سیاسی و نظامی اش به عنوان عضو برتر در این گروه قلمداد می‌شود، هرچند یک چنین موقعیتی در موازین و مناسبات گروه هشت رسماً اعلام نشده است. منتقدان گروه هشت می‌گویند رسالت این نهاد همیشه دفاع از چند کشور ثروتمند و صاحب امتیاز در مقابل منافع سایر جهانیان بوده است.

کشورهای پرجمعیتی نظیر چین و هند که در دهه های اخیر رشد اقتصادی سریعی داشته اند عضو گروه هشت نیستند. در ضمن کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی نیز هیچگاه در این نهاد نماینده ای نداشته اند.

گروه هشت یک عضو دیگر هم دارد و در حقیقت می‌توان حتی از گروه ۹ هم سخن گفت. چرا که از سال ۱۹۸۱ رئیس کمیسیون اروپا هم در این اجلاس شرکت می‌کند. از سوی دیگر گروه هفت بدون روسیه کماکان به موازات گروه هشت وجود دارد. زیرا مسکو هنوز به همه نهادهای زیر نظر گروه هشت راه ندارد، از جمله رایزنی‌های اقتصادی که گاهی بدون شرکت روسیه انجام می‌گیرند.

اجلاس گروه هشت نهادی بین‌المللی نیست. گروه هشت فاقد سازمان مدیریتی است و قطعنامه‌های این اجلاس الزام‌آور نیست. اجلاس سالانه همیشه از سوی کشور میزبان سازماندهی می‌شوند و کشور میزبان ریاست اجلاس را بر عهده می‌گیرد.

اهداف گروه هشت

- توسعه همکاری های تجاری و مالی
- تقویت اقتصاد جهانی
- گسترش صلح و دموکراسی
- پیشگیری و حل بحرانهای منطقه ای



در سال‌های آغازین نشست سران، گفتگوها درباره مسائل مالی و موضوعات مربوط به سیاست ارزی کانون این دیدارها را تشکیل می‌دادند. در دهه ۸۰ مسائل سیاست امنیتی بیشتر در کانون توجه قرار گرفتند. امروزه نه تنها سران کشورها با یکدیگر دیدار می‌کنند بلکه وزرای کشورهای عضو هم پیرامون مسائل گوناگون به بحث و گفتوگو می‌نشینند. اقتصاد دیگر موضوع اصلی مذاکرات نیست، بلکه در کنار آن به موضوع‌هایی دیگر مانند تغییرات جوی یا توریزم بین‌المللی هم پرداخته می‌شود.



یکی از انتقاداتی که در سال‌های اخیر نسبت به گروه ۸ مطرح بوده عدم عضویت کشورهای مهم و تازه قدرت یافته، مانند چین و هند و برازیل و اسپانیا در این گروه است. گروه ۸ که از سال ۱۹۷۷ نشست‌های سالانه برگزار می‌کند تنها آمریکا، کانادا، بریتانیا، ایتالیا، آلمان، فرانسه، جاپان و روسیه را در برمی‌گیرد. گروه ۸ امروزه دربرگیرنده قوی‌ترین کشورهای اقتصادی جهان نیست. هرچند که ۸ کشور عضو تقریباً دو سوم درآمدهای ناخالص ملی دنیا را به خود اختصاص می‌دهند، ولی مثلاً بدون چین، که چهارمین درآمد ناخالص ملی را دارد، این اجلاس کامل نیست. همچنین اسپانیا (که بر اساس درآمد ناخالص ملی جلوتر از کانادا و روسیه قرار دارد) بر شرکت در این اجلاس اصرار می‌کند.

منبع: اقتصاد به روز

سیاست مثبت گروه هشت در مورد جهانی کردن اقتصاد مخالفت‌های فراوانی را برانگیخته است و گاه تظاهرات وسیع در مخالفت با گروه هشت از خود این اجلاس خبرسازتر می‌شود، نمونه آن تظاهرات همزمان با اجلاس سال ۲۰۰۱ در ایتالیا بود. افزایش خشونت در این نوع تظاهرات باعث شده که اقدامات امنیتی برای محافظت از اجلاس تشدید شود و این به نوبه خود به این نهاد و جلسات آن چهره مرموزتری داده که همیشه پشت پرده‌های بسته است.

در سال‌های اخیر گروه هشت برنامه‌هایی را برای مبارزه با بیماری‌هایی نظیر ایدز آغاز کرده و طرح‌هایی را برای کمک به توسعه در کشورهای فقیر و کاهش از بدهی‌های جهان سوم اعلام کرده است. معمولاً اعطای چنین کمکهایی مشروط می‌شود به وجود دموکراسی و حکومت سالم در کشورهای دریافت‌کننده، اما منتقدان می‌گویند که حجم کمک‌های گروه هشت در مقایسه با نیاز کشورهای فقیر بسیار ناچیز است.

هر از چند گاه اعضای گروه هشت در مورد موضوعات بسیار مهم اختلاف نظر پیدا می‌کنند. نمونه آن بحث گرم شدن جو زمین در اجلاس سال ۲۰۰۱ در ایتالیا بود. در این نشست جورج بوش با مخالفت خود با پیمان کیوتو در مورد کاهش گازهای گلخانه‌ای عملاً مباحث این اجلاس را به بن بست کشاند. البته این مسئله بار دیگر در اجلاس سال ۲۰۰۷ طرح شد و با پافشاری سایر اعضا و بخصوص دولت آلمان گروه هشت بالاخره توانست در مورد مقابله با گرمایش زمین به توافق برسد که در نوبه خود پیروزی بزرگی برای این اجلاس قلمداد شد.

موضوع اختلاف برانگیز دیگر طی سال‌های اخیر در میان اعضای گروه هشت اشغال نظامی عراق به رهبری آمریکا بود. در این مورد حداقل سه عضو این گروه - آلمان، فرانسه و روسیه - با این عملیات مخالف بودند.

راه لاجورد

کوتاه ترین، ارزان ترین و مطمئن ترین مسیر تجارت برای افغانستان

و باتومی بحیره سیاه و در ضمن از شهر قارص به بنادر استانبول ترکیه و در نهایت به اروپا منتهی می شود.

تجارت افغانستان مخصوصا تجارت ترانزیتی با کشورهای همسایه همواره با چالشهای جدی روبرو بوده و گهگاهی به بهانه های گوناگون از سوی این کشور ها متاثر می گردد، که باعث خسارات هنگفتی به اقتصاد کشور نیز می شود. بنابر این افغانستان نیاز دارد تا در جستجوی راه های بدیل بوده، وابستگی و آسیب پذیری خود را از مسیر یک یا دو کشور همسایه، کاهش دهد.

راه لاجورد به ابتکار وزارت امور خارجه افغانستان طرح و با کشورهای ذیدخل در میان گذاشته شده است که منحنی یک طرح افغانی از سوی کشورهای منطقه استقبال شده است. به تعقیب اولین نشست تخنیکی گروه کاری روی طرح موافقتنامه همکاری های پنج جانبه راه لاجورد که میان کشورهای افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه به تاریخ ۲۴ عقرب ۱۳۹۳ در مقر وزارت امور خارجه کشور ترکمنستان دایر گردید، علاقمندی کشورهای نامبرده به ایجاد راه لاجورد بیشتر از پیش تقویت شده است. از این جهت قرار است که نشست بعدی تخنیکی در ماه دسامبر ۲۰۱۴ در تفلیس کشور گرجستان در مورد نهایی ساختن موافقتنامه ترانزیت تجارت و ترانسپورت راه لاجورد دایر گردد.

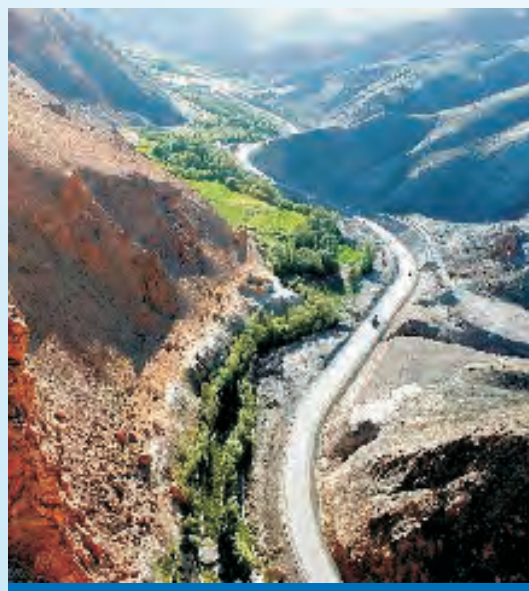
به منظور معرفی بیشتر و برجسته نمودن اهمیت این دهلیز ترانزیتی، اتاق تجارت و صنایع افغانستان و ریاست همکاریهای اقتصادی وزارت امور خارجه کنفرانس مطبوعاتی مشترک را در مقر اتاق به تاریخ ۴ قوس ۱۳۹۳ دایر نمود.

محترم عتیق الله نصرت رئیس هیئت عامل اتاق، مشکلات ترانزیتی را یکی از چالش های بزرگ توسعه تجارت

همکاری های ترانزیت تجارت و ترانسپورت راه لاجورد میان افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه به منظور کاهش موانع ترانزیتی و تجارتي و توسعه عملیات مشترک گمرکی بین کشورهای فوق الذکر، منحنی راه بدیل ترانزیتی برای دسترسی به بنادر بحری ایجاد می شود.

طبق گزارش اتاق تجارت و صنایع افغانستان، ترانزیت اموال از مسیر ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه از طریق سرک و خط آهن، مناسب ترین راه تجارت میان افغانستان، آسیای میانه، قفقاز، بالکان و اروپای مرکزی بوده و وسیله موثر وصل آسیای جنوبی با کشورهای اروپایی است. اهمیت این مسیر برای افغانستان، کوتاه ترین، ارزان ترین و مطمئن ترین مسیر برای رسیدن به مناطق مذکور می باشد.

این دهلیز ترانزیتی از بنادر آقینه ولایت فاریاب و تورغندی ولایت هرات شروع و از طریق بندر ترکمن باشی ترکمنستان ادامه و با گذشت از بحیره خزر به باکو پایتخت آذربایجان و سپس به تفلیس پایتخت گرجستان تا بنادر پوتی





راه لاجورد

محترم وحیدالله ویسی رئیس همکاریه‌های اقتصادی وزارت امور خارجه گزارش را مبنی بر تاریخچه راه لاجورد، اهمیت آن برای افغانستان، یکسان سازی پروسیجرهای گمرکی در این منطقه، مقایسه هزینه های مسیرهای ترانزیتی افغانستان و قراردادهای و معاهدات ترانزیتی دو جانبه و چندجانبه افغانستان با کشورهای منطقه، ارائه نمود.

راه لاجورد در حقیقت احیای راه ابریشم قدیم بوده که قدامت آن به حدود ۲۰۰۰ سال قبل از امروز بر می گردد. مسیر راه لاجورد یکی از راه های مهم مواصلاتی وقت به شمار می رفت و به صورت عمده لاجورد و سایر سنگ های قیمتی افغانستان از همین مسیر به کشورهای قفقاز، روسیه، بالکان و اروپا و شمال افریقا انتقال می گردید.

اتاق های تجارت و صنایع افغانستان از این ابتکار حکومت افغانستان حمایت نموده و ایجاد به موقع این مسیر را منعیث یک گام بزرگ برای متشبثین خصوصی افغانستان میدانند. راه لاجورد زمینه های سرمایه گذاری، اشتغال و تولید را میسر ساخته و برای توسعه و رشد اقتصادی کشور مهم و ارزنده می باشد.

طی ۱۳ سال گذشته خواننده گفت: "راه لاجورد یکی از بهترین راه های بدیل برای افغانستان است و با استفاده از این راه ما میتوانیم خود را از وابستگی به کشور های همسایه نجات دهیم."

محترم الحاج خانجان الکوزی معاون اول هیئت مدیره اتاق، ضمن اظهار سپاس از تلاش های حکومت بخصوص حکم جدید رئیس جمهور محمد اشرف غنی به منظور سهولت در ویزه های کثیر المسافرت برای سرمایه گذاران، کارگران و کارشناسان خارجی، آنرا اقدامی مهم برای جذب سرمایه گذاران و متخصص خارجی به کشور دانست. در مورد دهلیز ترانزیتی لاجورد، آقای الکوزی افزود، "انتقال اموال از طریق خط آهن یکی از کم هزینه ترین شیوه های ترانزیت بشمار می رود که بدبختانه افغانستان طی سیزده سال گذشته قادر به استفاده از این مزیت نگردیده است." وی علاوه نمود که چین حاضر است در این راه به ارزش ۴۰ میلیارد دالر سرمایه گذاری نماید و قرار است تا هفته آینده یک هیئت تخریکی و فنی چینی جهت سروی این پروژه و ایجاد سهولت های لازم، به افغانستان سفر نماید.



د مس عینک له کان څخه د جمهور رئیس لیدنه

جمهور رئیس غني د لوگر ولایت د مس عینک کان د هېواد لپاره مهمه اقتصادي سرچینه وبلله، وې ویل، د چین دوست هېواد چې د دغه کان د استخراج قرارداد ورسره شوی دی، د دغې اقتصادي سرچینې د امنیت په اړه اندېښنه لري، د دې لپاره چې د دغه سترکان د استخراج چارې ژر پیل شي لازمه ده چې افغان امنیتي



ځواکونه په خپلو کې د همغږي له لارې د هېواد د دغه مهم کان امنیت خوندي کړي.

د هېواد جمهور رئیس همدا راز د دغه کان لرغونې سیمې هم وکتلې او په دغو سیمو کې یې د موجودو لرغونو اثارو د سیمې ساتنې او څارنې په اړه د اطلاعاتو او فرهنګ وزارت چارواکو ته لازمي لار ښوونې وکړې.



د افغانستان جمهور رئیس محمد اشرف غني، د ۱۳۹۳ لمریز کال د سلواغې په ۲۳ د لوگر ولایت د مس عینک له کان څخه لیدنه وکړه.

جمهور رئیس غني په داسې حال کې چې د اطلاعاتو او فرهنګ وزارت سرپرست سید مصدق خلیلي، د کانو او پترولیم وزارت معین میراحمد جاوید، په پارلماني چارو کې د دولت وزیر غلام نبي فراهي، په فرهنګي چارو کې د جمهور رئیس سلاکار اسدالله غضنفر، د لوگر ولایت سرپرست او یو شمېر امنیتي چارواکي ورسره ملګري وو، د لوگر ولایت د مس عینک کان بېلابېلې برخې وکتلې.

جمهور رئیس محمد اشرف غني له دغه کان څخه د کتنې په ترڅ کې وویل چې اوس مهال د افغانستان او چین ترمنځ اړیکې نوي پړاو ته داخل شوي دي او لازمه ده چې د دغو اړیکو د لا پراختیا لپاره مهم قدمونه پورته شي.



تجلیل از روز جهانی زن در غضنفر بانک



هشت مارچ روز
جهانی زن طی مراسم با شکوهی
روز یکشنبه مورخ ۱۷ حوت
۱۳۹۳ خورشیدی در غضنفر
بانک برگزار گردید.



در این مراسم محترم
Vinay Jain رئیس بخش
عملیاتی به نمایندگی از هیأت
رهبری غضنفر بانک هشت
مارچ، روز جهانی زن را به تمام
کارمندان طبقه اناث غضنفر
بانک تبریک گفت و اظهار
داشت: حضور فعال و زحمات



خستگی ناپذیر شما باعث شده
است که غضنفر بانک به عنوان
یکی از بانک های ممتاز در
سطح کشور مطرح شود و جوایز
متعددی را از نهاد های برجسته
مالی جهان دریافت نماید.



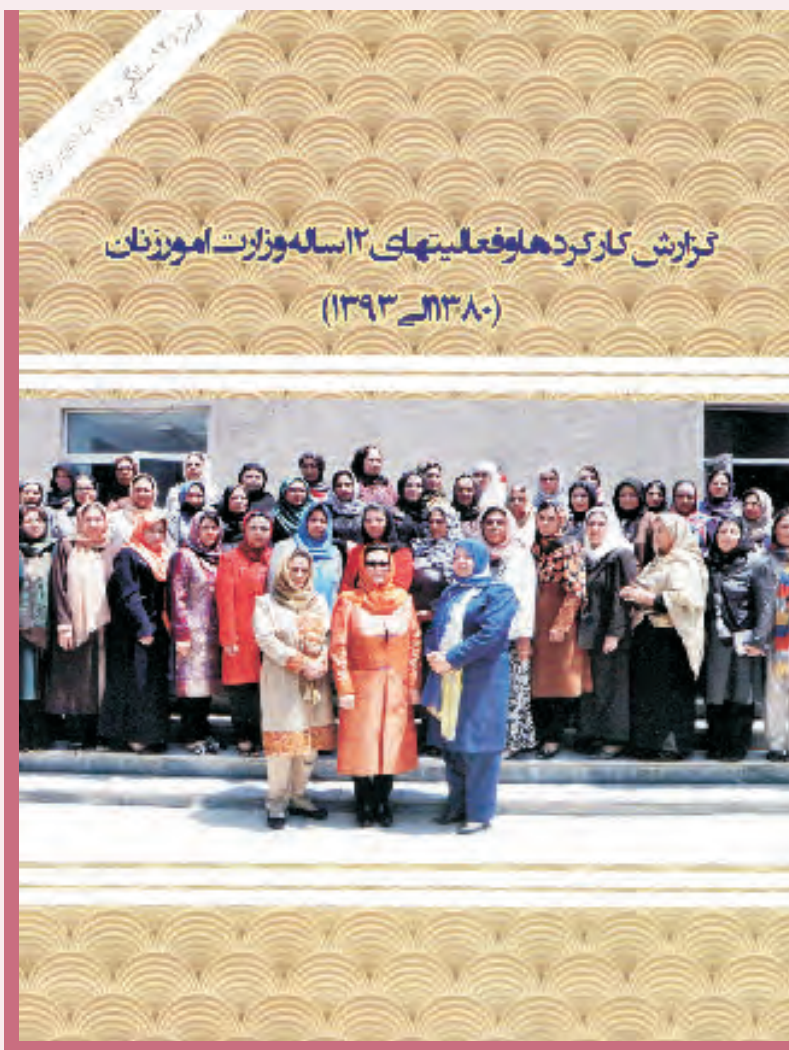
قابل یادآور است که
هشت مارچ، همه ساله به عنوان
روز همبستگی زنان برای مبارزه
در راه برابری حقوق و شرایط
بهرتر کاری و زندگی برای زنان،
در سراسر جهان برگزار می
گردد .



ویژه نامه کارکرد ها و فعالیت های ۱۲ ساله وزارت

امور زنان منتشر شد

های امور زنان، گراف اعمار مراکز آموزشی باغ های زنانه و دکاکین، گراف املاک این وزارت، گزارش کارکرد ها و فعالیت های ۱۲ ساله وزارت امور زنان، معرفی مراکز آموزشی باغ های زنانه، فهرست کتابخانه ها، دکاکین و مارکیت های این وزارت، گراف تجلیل از روز های ملی و بین المللی و آگاهی عامه در خصوص معرفی حقوق زنان و منع خشونت علیه آنها، گزارش تصویری از سمینار ها و کنفرانس ها، گزارش کمپاین های منع خشونت علیه زنان، گزارش تصویری از تدویر نمایشگاه های صنایع دستی زنان، گزارشی از نحوه آموزش حرفه و ارتقای ظرفیت برای زنان، گزارشی از عقد نامه ها و تفاهم نامه های مؤسسات کمک کننده با این وزارت، گزارشی از اشتراک وزیر محترم امور زنان در کنفرانس های بین المللی، گزارشی از دیدار ها و ملاقات های وزیر امور زنان، گزارشی تصویری از تقدیر نهاد ها و فعالان



حقوق زن از جانب وزارت امور زنان و تقدیر وزارت امور زنان از سوی نهاد های مدنی کشور معرفی و منتشر شده است.

قابل یادآور است که دکتر حُسن بانو غضنفر از سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ خورشیدی به عنوان وزیر در وزارت امور زنان خدمت نموده و طی این مدت ایشان خدمات فوق العاده ای را انجام داده و دستاورد های زیادی نیز به ارمغان آورده است.

ویژه نامه کارکرد ها و فعالیت های ۱۲ ساله وزارت امور زنان از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ خورشیدی تحت نظر محترمه فوزیه حبیبی معین مالی و اداری این وزارت چاپ و منتشر شد.

در این گزارش وزرای امور زنان، گراف تشکیلات این وزارت، درصد مصارف انکشافی این وزارت، گراف تعمیر ریاست



مشکلات اقتصادی و آسیب های اجتماعی

اجتماعی دامنگیر جامعه ما شده و کانون خانواده ها را متزلزل خواهد ساخت. پیر و جوان، به شدت در معرض آسیب های اجتماعی قرار خواهند گرفت. آسیب های اجتماعی، مرگ تدریجی انسان ها و آسیب های شدید تر دیگری را نیز در پی دارد.

هر چه تولید و تجارت قانونی قوی تر شود، تقاضا برای سرمایه های انسانی افزایش یافته و شاهد رشد تقاضا برای دانش و بیکار نبودن قشر تحصیلکرده خواهیم بود، اگر چشم انداز بلندمدت اقتصادی تولید و تجارت خوب شود و انگیزه های سرمایه گذاری برای فعالان اقتصادی افزایش یابد، در آن صورت بازار کار، کارآمد خواهد شد و دیگر شاهد ناامیدی جویندگان کار برای پیدا کردن کار نخواهیم بود و از این رهگذر فعالیت های غیررسمی همانند دستفروشی، دلالی و قاچاق کاهش چشمگیری خواهد یافت.

بدون شک اگر به ریشه بنیادی و اولیه این گونه آسیب های اجتماعی که همان مباحث و عملکردهای اقتصادی است بموقع رسیدگی نشود، افزایش جرم و جنایت را در پی دارد که مخرب انضباط اجتماعی است و از جنبه سیاسی، کشور را به دامن بیگانگان سوق می دهد و به جای فرهنگ خودی، فرهنگ بیگانه در کشور پیاده می شود و به اعتقادات دینی و مذهبی ما لطمه وارد می کند.



فقر، تورم، بیکاری، محرومیت های اقتصادی و افزایش سرسام آور هزینه معیشت از جمله عواملی است که می تواند فرد را برای تامین نیازهای اقتصادی به سمت ارتکاب جرم از جمله رشوه، اختلاس، سرقت و قاچاق مواد مخدر یا خشونت سوق دهد.

تجمل گرایی، توقعات بالا از زندگی، در کنار وضع نامناسب اقتصادی و معیشتی تضادهایی را در فرد به وجود می آورد که گاهی برای دستیابی به خواسته ها مجبور به تن دادن به انحرافات می شود که ابتدا به صورت موقت جلوه می کند ولی به مرور زمینه ساز جرایم و خشونت های دائمی می شود. البته هرگز نباید فراموش کرد این گونه مشکلات در مورد همه فقرا و توانمندان صدق نمی کند فقط برخی از افراد این دو قشر درگیر این نوع جرایم یا دیگر آسیب های اجتماعی می شوند حتی فقر منجر به ایجاد مشکلات روانی در میان افراد می گردد. چنانچه در تعلیمات دینی آمده است که اگر فقر از در وارد شود، ایمان از پنجره خارج می شود و تاکید بر این موضوع نشان دهنده اهمیت آن است، زیرا فقر یکی از عوامل بروز و ارتکاب جرم در جامعه به شمار می رود.

تحلیل های جهانی بیانگر آن است که آسیب های اجتماعی و جرایم مربوط نظیر خشونت درون خانواده، طلاق، اختلافات خانوادگی، وادار کردن کودکان به کار های سخت و دشوار، گدایی، سرقت، اعتیاد، ترک تحصیل نوجوانان، فرار جوانان از منزل، قانون گریزی، ناآرامی های اجتماعی، فساد اداری و مالی و شیوع ارتشا و اختلاس همه می تواند ریشه در بحران های اقتصادی افراد و خانواده ها داشته باشد. البته فاکتورهای دیگر نیز موثر هستند ولی در بیشتر آسیب های اجتماعی رد پای مسائل اقتصادی را بوضوح می توان دید.

اگر وضع امنیتی بهبود نیابد، زمینه های کار برای جوانان فراهم نشود و وضع اقتصادی کشور به همین منوال ادامه یابد، بدون شک شاهد آن خواهیم بود که آسیب های



یوسف رستگار

زمرد گوهر مرغوب و گران بها

شده و سوزانده شده برای درمان مارگزیدگی، سرماخوردگی و تنگی نفس استفاده می کردند و پیش از آن که عینک و ذره بین ساخت شود به منظور مطالعه و رویت اشیای ریز از یک زمرد تراش خورده استفاده می کردند و به زمرد سنگ مطالعه می گفتند. در تورات زمرد یکی از سنگهای زیربنای شهر بیت المقدس معرفی شده و بدین جهت نزد قوم بنی اسرائیل ارج و قرب خاصی دارد.

باید توجه داشت که در گذشته های دور، گوهرهای اصل بیش از آنکه به عنوان زیور استعمال شوند، جنبه درمانی داشتند و داکتران، خوردن یا تنقیه پودر و جوشانده آنها را تجویز می کردند. به ویژه برای زمرد خاصیت دارویی و شفا بخشی بیش از گوهرهای دیگر قایل بودند مثلاً جوشانده زمرد را برای علاج سرطان و همچنین درمان اسهال خونی تجویز می کردند. از دیگر خواص زمرد که در قدیم بسیار به آن اشاره شده مفید بودن آن برای دستگاه گوارش است و سبب تقویت معده و درمان زخم معده می شود. استفاده از زمرد برای درمان خونریزیهای داخلی بویژه اسهال خونی مفید بوده و همچنین گفته میشود که همراه داشتن این سنگ برای زنان حامله مفید است و وضع حمل را آسان میکند زمرد دو نیروی انرژی بخش و آرامبخش دارد و گفته میشود که برای تسکین و درمان دردهای ستون فقرات و عضلات گذاشتن مستقیم سنگ زمرد در قسمتهای دردناک و ماساژ با آن مفید است.

اولین معدن زمرد در
عصر باستان در جنوب مصر
کشف شد که در مقایسه با
زمردهای امروزی کیفیت پایین تری
داشته است. امروزه مهم ترین معدن زمرد جهان
در کشور کلمبیا قرار دارد که پیش از قرن

رنگ سبز و دلکش زمرد، عشق به طبیعت را تجلی می بخشد. در فرهنگ های مختلف، اعتقادات متفاوتی درباره زمرد وجود دارد و انسان ها خواص جادویی حیرت آوری برای آن متصور بوده اند. مصریان باستان معتقد بودند این سنگ باعث باروری می شود. همچنین برای درمان چشم از آن استفاده می کردند. در بعضی جوامع به عنوان پادزهر و برای درمان بیماری صرع یا بیماری های معده از آن استفاده می کردند. در روم باستان، سبز رنگ عشق و زیبایی بوده است. امروزه نیز در بسیاری از فرهنگها و مذاهب رنگ سبز جایگاه خاصی دارد. به عنوان مثال رنگ سبز در اسلام، رنگ مقدسی است به همین دلیل بسیاری از کشورهای مسلمان در پرچم کشورشان از این رنگ به عنوان نشانه صلح، وحدت و یگانگی استفاده می کنند. این رنگ همچنین در کلیسای کاتولیک به عنوان برترین رنگ مذهبی در نظر گرفته می شود. در یونان باستان زیورات به عنوان سمبل قدرت، سلامت و ثروت نقش بزرگی داشت و معتقد بودند که اگر شخصی قطعه ای زمرد زیر زبان خود داشته باشد از دید مخفی می ماند؛ به علاوه، دارنده زمرد را صاحب ثروت، رفاه و قدرت های مافوق طبیعی می دانستند.

در قدیم زمرد ترکمنستان از راه جاده ابریشم به اروپا منتقل می شد و در ساخت چشم مجسمه های خدایان اساطیری یونان به کار می رفته است. باستانیان عقیده داشتند این گوهر برای صاحب خود پاکدامنی و نجابت به ارمغان آورده و او را از ارواح شیطانی مصون می دارد. در یونان باستان، زمرد بسیار مورد احترام بوده ولی در روم کمتر مورد توجه قرار می گرفته و به ندرت کاربرد پیدا می کرده است. متخصصین طبی یونان از دود زمرد پودر





زمرد گوهر مرغوب و گران بها

بزرگترین سنگ زمرد جهان اولین بار در نمایشگاه بین المللی مواد معدنی کلمبیا به نمایش عموم گذاشته شد. این زمرد ۱۲ سال پیش در کلمبیا کشف شده و تاکنون هیچ قیمتی برای آن تعیین نگردیده است. به گفته مسوولان نمایشگاه، این سنگ بسیار منحصر به فرد است و پیدا کردن نمونه آن امری غیر ممکن به نظر می رسد.

شرکت جواهرسازی شیلز اخیراً عینک گران قیمتی را طراحی کرده که شیشه آن از سنگ گرانبهای زمرد ساخته شده است. زمرد از جمله سنگهایی است که به عنوان محافظی عالی در برابر اشعه یو وی محسوب می شود. این شرکت جواهر سازی با اقتباس از نرون امپراطور رم که تماشای مسابقات گلاباتورها را از طریق سنگ زمرد نگاه می کرد، این عینک را ساخته است. جنس قاب عینک زمرد از طلا میباشد.

یکی از نادر ترین زمردهای خطی جهان زمرد مغول Mogul میباشد. تاریخ حکاکی این زمرد خطی زیبا 1107 هجری قمری می باشد و بر روی آن صلوات حضرت فاطمه(س) حکاکی شده است این تکه زمرد زیبا در نمایشگاه سال ۲۰۰۱ کریستی به یک ناشناس و به قیمت ۲ میلیون و دو صد هزار دالر فروخته شده و پس از این تاریخ دیگر از آن خبر یا عکسی منتشر نشده است.

زمرد با آن که سختی بالایی دارد، گوهری بسیار نازک و شکننده است و نگهداری ویژه می خواهد. در مقابل اسیدها مقاوم است و با مواد شوینده مثل آب گرم و صابون مشکل خاصی ندارد. اما در مقابل حرارت امکان ترک خوردن آن وجود دارد. بنابراین باید هنگام حرارت دادن و یا سوار کردن نگین دقت کرد. جواهر فروشان بسیاری از زمرد ها را برای اصلاح رنگ یا پُر کردن شیارها چرب می کنند. این روغن به مرور زمان و یا با حرارت خشک می شود و ممکن است بعضی نقاط زمرد بر اثر شست و شو حالت سفیدی پیدا کند که می توان آن را دوباره به وسیله یک قلم و کمی پنبه آغشته روغن زیتون اصلاح و شفاف کرد. همان طور که اشاره شد، زمرد گوهری شکننده است. بنابراین هنگام جا به جا کردن آن باید نهایت دقت را داشت؛ زیرا اگر روی سنگ بیفتد ممکن است خرد شود. زمرد گونه ای بریل و از سنگ های گران بها است. این سنگ که از سیلیکات آلومینیوم

شانزدهم به وسیله بومیان اینکا استخراج می شده است. یکی از معادنی که زمرد مرغوب با کیفیت عالی از آن استخراج می شود معدن موزو Muzo است که زمرد شفاف با رنگ سبز تیره دارد. دیگر معدن معروف زمرد در کلمبیا، چپور Chiver است که استخراج از آن چند قرن است ادامه دارد. زمردهای مرغوب دیگری نیز در کشورهای افغانستان، زامبیا، برزیل، زیمباوه، ماداگاسکار، پاکستان، هندوستان و روسیه یافت می شوند که در میان این کشورها زامبیا، برزیل و زیمباوه از شهرت بالایی در تجارت بین المللی زمردهای مرغوب برخوردارند.

امروزه بهترین زمرد با کیفیت خوب که در ساخت جواهرات از آن استفاده می شود زمرد کلمبیاست که طرفداران بسیاری دارد. همین ویژگی باعث شده که زمردهایی مصنوعی با کیفیت مشابه تولید شوند و به جای زمرد اصیل به فروش برسند. چند نوع زمرد معروف ساختگی معرفی می شود:

الف) زمرد چتم Chatam که با روش حرارتی ساخته می شود.

ب) زمرد ژیلسون Gilson که به روش حرارتی و آزمایشگاهی تولید می شود.

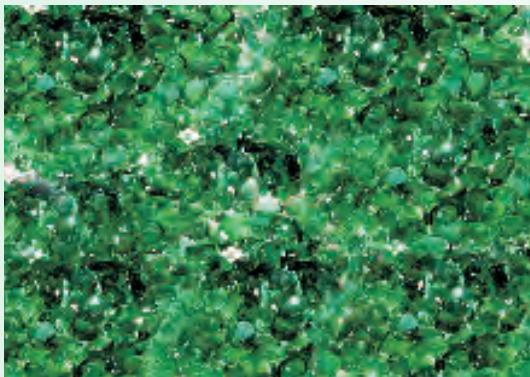
ج) زمرد لشلایتنر Lechleitner در این نمونه یک لایه نازک از زمرد روی یک بریل حک می شود.

بهترین کلکسیون زمرد دنیا از نظر تعداد، رنگ، اندازه و تراش در بانک مرکزی کشور کلمبیا قرار دارد. در موزه های علوم طبیعی لندن و نیویارک، در بانک مرکزی روسیه و نیز در کشور اتریش زمردهای معروف و مشهوری وجود دارد. علاوه بر آن، یکی از بزرگ ترین مجموعه های زمرد تراش داده شده دنیا در بانک مرکزی ایران نگهداری می شود که جزو جواهرات ملی آن کشور است. بزرگترین سنگ قیمتی جهان یک زمرد سبز بزرگ است به نام هدیه خدا که حدود ۱۱ کیلوگرام وزن دارد و مالک آن مردی کانادایی به اسم ریگان رینی میباشد. این زمرد شبیه یک تربوز بزرگ است و بیش از یک میلیون دالر روی آن قیمت گذاشته شده است.



زمرد گوهر مرغوب و گران بها

ایمنی



جانوران بزرگ و کوچک می‌زیستند. شهرهای آباد این جزیره از ساختمان‌های هرمی عظیم از جنس مرمر تشکیل شده بود و انعکاس نور خورشید در آنها عظمتی شگرف ایجاد میکرد. اما این شکوه تداوم نیافت. قدرت روزافزون آتلانتها موجب شد که آرام آرام به تجاوز به سرزمین‌های همسایه روی آورند. این شد که خداوند زئوس مجازاتی غیر قابل تصور برایشان در نظر گرفت: طوفانی سهمگین همراه با زمین‌لرزه و سیل‌های بزرگ به مدت یک شبانه‌روز بر آنان نازل شد به طوری که دریا، جزیره آتلانتیس را در خود غرق کرد. مهم‌ترین گنجینه آتلانتیس، لوح زمرد بود که گفته می‌شود بعد از نابودی آتلانتیس، مصریان مالک این لوح شدند و تمدن پیشرفته مصر باستان در نتیجه این میراث ارزشمند پدید آمد.

افغانستان نیز بهترین زمرد دنیا دارا می باشد. معادن زمرد افغانستان در نقاط مختلف ولسوالی خنج ولایت پنجشیر موقعیت دارد. منطقه خنج دارای ۶ معدن فعال زمرد می باشد که عبارتند از معادن: دشت ربوت، میکنی، درخنج، بوتاک، بزمال، باخی و دارون؛ که از میان معادن فوق، خوشرنگترین و بهترین نوع زمرد از معادن میکنی و درخنج استحصال می‌شود. گفته می شود در گذشته برخی از معادن کشور ما به صورت غیر قانونی از سوی زورمندان استخراج می گردید. اما وزارت معادن و پترولیوم کشور تلاش نموده است تا جلو استخراج غیر قانونی معادن کشور را از سوی زورمندان بگیرد و تحت نظر این وزارت به صورت قانونی استخراج گردد.

قابل یاد آور است که زمرد با رنگ های زرد طلایی، زرد مایل به سبز، زرد صورتی، سبز زمردی، سفید و بی‌رنگ یافت می شود.

و برلیوم تشکیل شده در سنگهای پگماتیت یافت می‌شود. معمولاً در خرید و فروش زمرد از گریدها و طبقه بندیهای خاصی استفاده میشود.

از نظر ترکیب شیمیایی و کان شناسی، زمرد با فرمول $\text{Be}_3\text{Al}_2(\text{SiO}_3)_6$ از برلیوم، آلومینیوم و سیلیکات تشکیل شده است و به همراه آکوامارین آبی، مورگانیت صورتی، هلیدور طلایی به خانواده بزرگ بریل تعلق دارد. بریل در حالت خالص بی‌رنگ است ولی اضافه شدن مقدار کمی کروم و وانادیوم، رنگ سبز زیبای زمرد را در آن ایجاد می‌کند.

در افسانه های قدیم مردم بر این باور بودند که هرگاه قومی لوح زمرد را در اختیار داشته باشد، به تمدن عظیم و پیشرفته دست یافته است. پس از ویرانی آتلانتیس، مصریان باستان اولین مردمی بودند که این الواح زمردین را بدست آوردند. لوح زمرد در حقیقت شامل دوازده لوح سبز است، ترکیب آن از موادی است که با علم کیمیاگری خلق شده‌است. این الواح فاسدشدنی بوده و در برابر تمامی عناصر و مواد مقاوم هستند.

در واقع از نظر ساختار اتمی لوح زمرد غیر قابل تغییر و پایدار است و با جابجایی مکان هم کیفیتش تغییر نمی‌کند. گفته میشود که الواح زمردین با شخصیهایی که موج فکر شان با آنها هم سو باشد، ارتباط برقرار میکنند. نام آتلانتیس نخستین بار توسط فیلسوف بزرگ یونان، افلاطون در ۴۲۸ تا ۳۴۸ قبل از میلاد بیان شد. وی حدود ۳۵۰ سال قبل از میلاد مسیح و در اواخر عمرش در رساله تیمائوس Timaeus چنین نوشت: "دوازده هزار سال پیش جزیره‌ای بزرگ با تمدن ستایش برانگیز موسوم به آتلانتیس وجود داشته است" وی در رساله دیگر خود، کریتیا Critias شرح بیشتری از قاره آتلانتیس نوشته است.

آتلانتیس جزیره‌ای خوش آب و هوا به وسعت ۳۹۰ هزار کیلومتر مربع بود که جمعیت چند میلیون نفری آن را آتلانت می‌خواندند. این جزیره مهد تمدن بسیار عالی و پیشرفته بود که در تمام شاخه‌های علوم و هنر، سرآمد زمان خود محسوب می‌شد. ارتش آتلانتیس بیش از یک میلیون و دو صد هزار نفر نیرو داشت و در جنگل‌های انبوه آن، انواع



غزنفر بانک
GHAZANFAR BANK

ضمانت نامه های بانکی اسلامی

ضمانت نامه های بانکی اسلامی بر اساس اصل وکالت و کفالت صورت می گیرد که به اهداف ذیل از جانب بانک صادر می گردد:

- ضمانت نامه داوطلبی Bid Guarantee
- ضمانت نامه کارکرد Performance Guarantee
- ضمانت نامه پیش پرداخت Advance Payment Guarantee
- لیتر آف کریدت LC

ویژگی های خدمات ما:

- مطابق به قانون شریعت
- شرایط و ضوابط انعطاف پذیر
- تیم متخصص بانکداری اسلامی
- میزان هزینه قناعت بخش



با ما به تماس شوید! +93 (0)791 810 113

۸۶۶، سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان

سایت: www.ghazanfarbank.com

ایمیل: info@ghazanfarbank.com



قاسم کرباسیان

جامعه مدنی

باستانی (چه شرقی و چه غربی)، اساساً جامعه مدنی سابقه‌ای نداشته است.

به هر حال تاریخ پیدایش دموکراسی لیبرال یا جامعه مدنی، در کشور های غربی به درستی معلوم نیست؛ اما سده هیجدهم را می‌توان دوران مهمی در پیدایش دولت های دموکراتیک و جامعه مدنی دانست. دیدگاه گیتی‌گرا (Universalist) و لائیک (Secular) در سده هیجدهم که دوران روشنگری بود، جهانی بودن حقوق بشر را مطرح کرد. حقوق بشر با



انقلاب فرانسه به قلمرو مدنیت راه یافت و مفهوم شهروندی (با حقوق و مسئولیت وابسته به آن)، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد.

در نیمه دوم سده هیجدهم، تحولی در شناخت و تفکیک جامعه مدنی با دولت، به وجود آمد و تلقی جدیدی از جامعه مدنی که آن را عرصه‌ای مستقل و مجزا از دولت می‌دید، در آثار تام پین، آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳)، آدام فرگوسن و جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲)، جوانه زد و سرانجام توسط هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱ Georg Wilhelm Friedrich Hegel)، فضای مفهومی جدیدی از جامعه مدنی به تفصیل بیان شد.

مفهوم جامعه مدنی در اوائل سده بیستم، بعد از آنکه در نیمه دوم سده نوزدهم از رونق و رواج افتاده بود، توسط "آنتونیو گرامشی" احیاء شد. وی در احیای این مفهوم، اندیشه هگل را ترجیح داد. در اواخر دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، به همراه تحولات اروپای مرکزی و اروپای شرقی، حیات تازه در مفهوم جامعه مدنی دمیده شد و جامعه مدنی به عنوان واکنشی در برابر تمامیت‌خواهی (توتالیتاریزم)، به‌ویژه تمامیت‌خواهی

جامعه مدنی، مجموعه متشکل از افرادی است که با اراده و انتخاب خود و مستقل از دولت، گروه‌ها و انجمن‌هایی را تشکیل می‌دهند و هدف از تأسیس این گروه‌ها، پیشبرد منافع و علایق و سلايق اعضای آن است.

در مورد اینکه پیشینه جامعه مدنی چه بوده، این واژه اولین بار به چه معنایی به کار رفته و در طول تاریخ دارای چه تحولاتی بوده است، اختلافات بسیاری وجود دارد. برخی قدمت مفهوم جامعه مدنی را به آغاز روزهای تشکیل حکومت در جامعه انسانی برمی‌گردانند. گروهی دیگر، پیشینه جامعه مدنی را ۳۰۰۰ هزار سال قبل از میلاد قلمداد کرده و می‌گویند، اولین جوامع در میان جامعه شورایی سومری‌ها در بین‌النهرین با پیدایش اولین پولیس‌ها (دولت‌شهرها)، محقق گردید. بعضی دیگر افلاطون را اولین کسی می‌دانند، که از جامعه مدنی یاد کرد و مدینه فاضله خود را به آن، نام‌گذاری کرد. گروهی نیز برای ارسطو چنین ابداعی را قائلند. در مقابل این نظریات، گروهی دیگر، جامعه مدنی را محصول دنیای مدرن بعد از سده‌های ۱۲ و ۱۳، دانسته و بر این باور اند که بین تمدن‌های



جامعه مدنی

و توافقات قراردادی تدوین می‌شوند، روی می‌آورد. در پرتو این قراردادهای اجتماعی، دولت مقتدری ظهور می‌کند، که وسیله‌ای برای کنترل سرشت و طبیعت سرکش انسان‌ها خواهد بود.

۳. یکی دیگر از مفاهیمی که جامعه مدنی در سیر تطور مفهومی‌اش به خود می‌گیرد، جامعه متمدن است. جامعه مدنی در این معنا که توسط "آدام فرگوسن" برای اولین بار ارائه شد، به معنای جامعه متمدن در برابر جامعه ابتدایی، مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

"فرگوسن" در کتاب "گفتاری درباره تاریخ جامعه مدنی"، حکومت‌های غربی را به دلیل اعتنا به مالکیت خصوصی و آزادی‌های فردی مبتنی بر آن، متمدن و مدنی می‌نامد و جوامع شرقی را به علت ماندن در مالکیت مشاع و اعمال سلطنت مطلقه پادشاهان و حکام، "جامعه بربر" و ابتدایی دانسته و قائل است، جوامع غربی که مدنی به شمار می‌روند، همان جامعه مدنی، محسوب می‌شوند، در این تفسیر که مدنیت و تمدن معاصر غرب، مفهوم و مصداق جامعه مدنی به‌شمار رفته است، همچنان جامعه مدنی به‌عنوان یک حوزه دولتی محسوب می‌شود و میان مفهوم جامعه مدنی با دولت، تفاوتی وجود ندارد.

ب) مفهوم جامعه مدنی بعد از تمدن جامعه؛ مهم‌ترین نظریات این دوره در مورد مفهوم جامعه مدنی که آن را عرصه‌ای مستقل از دولت قلمداد کرده‌اند را می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی کرد:

۱. جامعه مدنی، مجموعه‌ای اجتماعی است که از تعداد زیادی گروه ساخته‌شده که باهم درمی‌آمیزند؛ ولی یکی نشده و باهم، واحد همزیستی اجتماعی به‌وجود می‌آورند. براساس این نظریه، قوام جامعه مدنی به مشارکت اجتماعی و تقسیم کار است و هرچا در گروه‌های انسانی، دارای همزیستی و مشارکت به‌وجود آید، جامعه مدنی تشکیل می‌شود؛ و لو یک روستا باشد. این تفسیر همچنان که دولت را مقوم جامعه مدنی ندانسته، جامعه

حکومت‌های سوسیالیستی، ظهور یافت. از دیگر صاحب‌نظران این عرصه که به اظهار نظر در رابطه با جامعه مدنی پرداخته‌اند، می‌توان به توماس هابز (Thomas Hobbes: 1588-1679)، و کارل مارکس (Karl Marx: 1818-1883) اشاره کرد.

تلقی‌ها از جامعه مدنی

مفهوم جامعه مدنی در اندیشه سیاسی غرب با سیری از تحولات و تطورات روبرو بوده است. می‌توان تلقی‌های مختلفی که از جامعه مدنی به لحاظ مفهومی ارائه شده است را در قالب دو محدوده زمانی، ماقبل مدرنیته و بعد از آن تقسیم‌بندی کرد و بدان پرداخت:

الف) مفهوم جامعه مدنی در دوران قبل از مدرنیته؛ ویژگی اصلی این تلقی آن است که به هیچ‌روی، آن را مقابل دولت نمی‌شناسد؛ بلکه قوام جامعه مدنی به وجود دولت بوده و دولت، جزء اجتناب‌ناپذیر آن است. این معنا از جامعه مدنی در آثار جان لاک، روسو (Jean-Jacques Rousseau) و امانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) کاملاً مشهود است. این نوع برداشت نیز خود در سه دسته زیر جای می‌گیرد:

۱. در اندیشه ارسطو، جامعه مدنی معادل با دولت یا جامعه سیاسی محسوب می‌شود و تمایزی میان دولت و جامعه مدنی وجود ندارد. در این معنا از جامعه مدنی، جامعه مدنی به معنای دولت، در برابر خانواده بوده و همان دولت‌شهری (polis) که ارسطو در مقابل خانواده مطرح کرده و آن را نقطه کمال و غایت جوامع می‌دانست، خواهد بود.

۲. گروهی جامعه مدنی را هم ردیف با اجتماع انسانی‌ای دانسته‌اند، که دارای دولت و حاکمیت قانون، می‌باشد و این اجتماع، بر اساس قرارداد میان انسان‌ها وضع شده است. این معنا از جامعه مدنی نیز، آن را به مفهوم دولت می‌داند. زیرا جامعه بدون حاکمیت دولت و قانون را جرایم جنایی مانند تنازع، قتل و غارت، به‌شدت تهدید خواهد کرد؛ بنابراین به‌ناچار به خروج از وضع طبیعی و تشکیل جامعه‌ای که در آن قوانین



مدنی را مرادف با تمدن نمی‌شمارد؛ بلکه تمدن را ره‌آورد تشکیل جامعه مدنی می‌داند.

۲. جامعه مدنی به معنای نهاد واسط میان خانواده و دولت است. این نگرش که در فلسفه "هگل" مطرح است، جامعه مدنی را حد واسط میان حوزه عمومی (دولت) و خصوصی (خانواده) می‌داند و آن را مرحله‌ای از دولت لیبرالی می‌داند، که وظیفه و مسئولیت پشتیبانی از حقوق فردی را به‌عهده می‌گیرد. در اندیشه هگل، جامعه مدنی در برابر خانواده و دولت قرار گرفته و به‌عنوان یک لحظه میان خانواده و دولت قرار می‌گیرد. در این تفکر فرد از خانواده به جامعه مدنی وارد شده و از آن به دولت می‌رسد و تکامل فرد هم در آن است.

از نظر هگل، خانواده قلمرو اعمال دیگرخواهانه است و در آن روابط انسانی مطلوبیت ذاتی داشته و هدف محسوب می‌شوند؛ نه اینکه هدف، رسیدن به اهداف خودخواهانه از طریق آن‌ها باشد. اما جامعه مدنی این فرصت را به افرادی می‌دهد که خود را به طور متمایز در نظر گیرند و موقتاً از اخلاق واقعی به نفع خود یا فرد گرایی چشم‌پوشند؛ هرچند بازهم در این عرصه، عمومیت نیز وجود دارد و از این

عمومی گسترش می‌یابد. افراد در سیر تکاملی خود، باید از محدوده شخصی فراتر رفته و به علایق جمعی بپردازند.

البته در این تعریف، جامعه مدنی کاملاً در برابر دولت قرار نمی‌گیرد و این‌گونه نیست؛ که جامعه مدنی مورد نظر هگل صرفاً سازمان تشکل یافته از اصناف و گروه‌ها بوده و فاقد دولت باشد؛ بلکه جامعه مدنی او مشتمل بر دولتی است که باید از منافع خصوصی افراد دفاع کند؛ که این دولت، غیر از دولت آرمانی و عقلانی است. بنابراین دولت به یک‌معنا در جامعه مدنی مورد نظر هگل وجود دارد، به معنای دیگر، دولت آرمانی و عقلانی، در برابر جامعه مدنی قرار می‌گیرد.

۳. جامعه مدنی، حوزه روابط مادی و اقتصادی یا روابط زیربنایی و مجموعه روابط میان افراد و طبقات است، که در خارج از حوزه روبنایی دولت قرار دارند. این تفسیر از جامعه مدنی که در فلسفه "مارکس" به چشم می‌خورد، برآن است که جامعه مدنی، پایگاه طبیعی دولت است و ویژگی عمده آن فردیت، رقابت و منازعه است.

۴. جامعه مدنی به مفهوم نهادهای واسط میان مردم و دولت، آن را، مجموعه‌ای متشکل از افرادی که با اراده و انتخاب خود و مستقل از دولت، گروه‌ها و انجمن‌هایی را تشکیل می‌دهند و مجموعه‌ای از نهادها و تشکله‌ها که فارغ از دخالت قدرت سیاسی حاکم، وجود دارند، می‌داند. بنابراین نگرش، نهادهای جامعه مدنی در واقع سازمان‌هایی هستند، غیردولتی که می‌توانند در قالب انجمن، باشگاه، اتحادیه، صنف، حزب، مؤسسات فرهنگی و سازمان‌های غیر دولتی ظاهر شوند.

متفکرین قرن نوزدهم مانند دو توکویل
(Alexis de Tocqueville:)

(1805-1859) دریافتند که

دولت‌های متجددی که بر پایه

دموکراسی بنا شده بودند، بسیار قوی‌تر و پر قدرت‌تر از آن هستند، که پیش‌بینی می‌شد؛ بنابراین خواستار تقلیل قدرت

جهت که فرد با دیگران پیوند می‌خورد و با کمک به دیگران به ارضاء می‌رسد، نوعی عمومیت تجربه می‌شود و تجربه





جامعه مدنی

دنیوی است. آزادی، آزادی داشتن، شدن و بودن است و جامعه مدنی، یک فرمول و معادله‌ای است که این خصایص مادی و دنیوی را با سازمان‌های اجتماعی که تمدن بشری ایجاد کرده، حل و فصل می‌کند.

شاخصه‌های جامعه مدنی معاصر

۱. قانون‌گرایی و نهادینه شدن قانون؛ در جامعه مدنی بر اساس محاسبات توافق‌شده، قوانین مدون، وضع شده و در مقام اجراء همان قوانین، بدون هیچ‌گونه تفسیر انحرافی، لازم‌الرعایه می‌باشند و آنچه حاکم است ضوابط خواهد بود و نه روابط.

۲. اقتصاد آزاد و مالکیت خصوصی؛ از آنجا که اقتصاد آزاد، شالوده همه آزادی‌هاست، بدون چنین استقلالی، دیگر آزادی‌های مفروض در جامعه مدنی، از جمله آزادی فکری و بیان و ... امری غیرممکن خواهد بود.

۳. قانون، محور اساسی جامعه مدنی است زیرا قانون توسط مردم، تدوین می‌شود؛ بنابراین مبانی لیبرالیزم و آزادیخواهی در شکل‌گیری مفهوم جدید جامعه مدنی اثرگذار بوده و فردگرایی، سکولاریزم و عقلانیت ابزاری، مبانی این جامعه مدنی به‌شمار می‌روند.

۴. پلورالیزم اخلاقی و سیاسی؛ جامعه مدنی معاصر، همان‌گونه که ایده‌ای، در جهت تقویت پلورالیزم سیاسی است و از ایدئولوژی خاصی جانب‌داری نمی‌کند، بر کثرت‌گرایی ارزشی و اخلاقی نیز تکیه دارد؛ چرا که لازمه منطق به رسمیت شناختن همه گروه‌ها و اجتماعات با هر مرام و مسلکی، کثرت‌گرایی و تساهل اخلاقی است.

۵. انسان مدنی؛ جامعه مدنی متکی بر انسان مدنی است و اگر افراد دارای ویژگی "مدنیت" باشند، آنگاه می‌توان از جامعه مدنی سخن گفت.

دولت در یک جامعه مدنی شدند. دوتوکویل برای تحت کنترل گرفتن قدرت دولت، مهم‌ترین طریق را نهادها و سازمان‌های غیردولتی، که به‌طور داوطلبانه مسئولیت اداره امور مدنی خود مردم را در دست دارند، دانست. الگوی جامعه مدنی او بر محور فعالیت و گسترش عملکرد سازمان‌های غیردولتی در یک جامعه، شکل گرفت؛ که این سازمان‌ها رابطه بین جامعه و دولت را تضمین می‌کنند. بنابر الگوی دوتوکویل، این نهادها، از یک طرف تنظیم‌کننده خواست‌ها و دیدگاه‌های اعضای خودند؛ از طرف دیگر منعکس‌کننده این خواست‌ها و دیدگاه‌ها، به نظام سیاسی حاکم و جامعه، جهت مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشند. البته باید در نظر داشت استقلال این سازمان‌ها از دولت، به معنای آزادی عمل کامل آن‌ها نیست؛ بلکه بدین معناست که بر مبنای قوانین حاکم در جامعه و حاکم بر چگونگی عملکرد آن‌ها، این سازمان‌ها تشکیل می‌شود و در حیطه مشخص خود، بر مبنای صلاح‌دید اعضای خود، تصمیم می‌گیرند و در جهت تحقق اهداف خود وارد عمل اجتماعی و سیاسی می‌شوند. چنین سازمان‌هایی از یک طرف از افراط و تفریط اعضای خود در رابطه با خواست‌های نامعقول جلوگیری می‌کنند و از طرف دیگر، مانع انحصار قدرت در دست یک قشر یا گروه خاص شده و از خودکامگی‌ها جلوگیری می‌کنند و رقابت‌های سالم و قانونمند را در جامعه جانشین رقابت‌های سیاسی و صنفی ناسالم می‌کنند.

این تفسیر از جامعه مدنی، که بر محدود ساختن قدرت حاکمه از جانب نهادهای مردمی تأکید دارد، تلقی نوینی است، که از آن به‌عمل آمده است. وقتی مرزهای قدیم و جدید جامعه مدنی را از لاک و کانت گرفته تا هگل و مارکس و دوتوکویل بررسی می‌کنیم، این نتیجه کلی اقتصادی به دست می‌آید، که جامعه مدنی غرب، یک جامعه بورژوا یا سرمایه‌داری متوسط

ارتقای ظرفیت کارمندان در غضنفر بانک



در عصر حاضر موفقیت نهاد ها و توسعه کشور ها در گرو ظرفیت منابع بشری است. بر این اساس تمام نهاد های تجارتي و خدماتی بر آموزش بیشتر کارمندان خود تأکید دارند. زیرا آموزش و ارتقای ظرفیت یکی از مهمترین عوامل پیشرفت کشورها به شمار می رود.

دانش بیشتر، خلاقیت و نوآوری می آفریند، به کارمند احساس مسئولیت می بخشد و منجر به ارائه خدمات بهتر و بیشتر می گردد. سرانجام زمینه جلب رضایت مشتری و توسعه نهاد فراهم می گردد. پس آموزش است که می تواند زمینه های موفقیت یک نهاد را مساعد نماید. یعنی یک نهاد برای رسیدن به اهداف خود متکی به توانایی کارمندان خود می باشد.

بر این اساس غضنفر بانک همواره تلاش می ورزد تا به خاطر ارائه خدمات بهتر و جلب رضایت بیشتر زمینه های آموزش کارمندان خویش را در داخل و خارج از کشور فراهم نماید.

آموزش داخلی: طرح آموزش داخلی از سوی Jayanta Ray مسئول بخش خطرات بانک پیشنهاد گردیده و از سوی هیأت رهنبری بانک تصویب و تقدیر شده است. این برنامه آموزشی که از سوی مدیریت منابع بشری تنظیم می گردد، در سه سطح برگزار می گردد.

۱- آموزش برای مدیریت عالی و متوسط ۲- آموزش برای آمرین بخش ها و نمایندگی ها ۳- آموزش برای کارمندان دیگر

نخستین مرحله آموزشی این برنامه در تاریخ ۱۴ فبروری ۲۰۱۵ برگزار شد که در حدود ۳۵ تن از کارمندان ارشد غضنفر بانک اشتراک کرده بودند. اشتراک کنندگان از چگونگی برگزاری این مرحله کاملاً راضی بودند و نتایج آن را مطلوب توصیف نمودند.

قابل یادآوریست که مراحل بعدی این برنامه آموزشی به زودی برگزار می گردد. زیرا همین آموزش های مداوم سبب شده است که در حال حاضر خدمات غضنفر بانک به ویژه خدمات بانکداری اسلامی آن با استقبال گرم مردم در سراسر کشور مواجه شود.



Internet Banking

غزنفر بانک در کامپیوتر شما

- مشتریان محترم میتوانند از این طریق ID های خویش را بررسی نمایند.
- تمام صورت حساب خویش را به صورت مفصل در صفحه کامپیوتر ملاحظه فرمایند،
- از وضعیت چک های خویش که آیا تا دیه گردیده و یا خیر، آگاهی کسب نمایند.



دفتر مرکزی:

۸۶۶ سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان / صندوق پستی: ۵۵۹۸

mainbranch@ghazanfarbank.com ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳

قارچ یا سمارق غذای لذیذ و مقوی

دستیابی به روش‌های کارآمد امروزی راهی بس طولانی را پیموده است. از زمان جنگ جهانی دوم مشکلات کمبود غذائی و کوشش برای دستیابی به منبع غذایی پروتئینی جدید سبب شد تا مطالعات علمی بر روی تعیین ارزش غذایی قارچ‌های خوراکی و پژوهشی در زمینه‌های مختلف تهیه کمپوست صورت گیرد.



فراعنة مصر، قارچ را یک خوراکی لذیذ می دانستند و یونانی ها اعتقاد داشتند که قارچ برای جنگاوران در صحنه نبرد، تولید قدرت می کند. رومی ها نیز قارچ را به عنوان یک هدیه از جانب خدا برمی شمردند و آن را فقط در روزهای عید استفاده می کردند. چینی ها از آن به عنوان یک گنج غذایی سالم یاد و مصرف می کردند. قارچ ها به دو دسته ی وحشی و پرورشی تقسیم می شوند. بعضی از آنها اثرات مفیدی در سلامتی انسان دارند، مثل رقیق کردن خون، جلوگیری از ایجاد و رشد تومورهای سرطانی.

امروزه از قارچ ها به خاطر طعم و بافت شان در تهیه غذاها استفاده می کنند. آنها می توانند طعم خودشان را به غذاها بدهند، یا طعم مواد دیگر را به خودشان بگیرند. طعم آنها معمولاً در طول پخت افزایش پیدا می کند و شکل شان هم با روش های معمول آشپزی مثل سرخ کردن و خرد کردن حفظ می شود. قارچ را معمولاً به سوپ، سالاد و ساندویچ اضافه می کنند، یا از آن به عنوان پیش غذا استفاده می نمایند. قارچ ها، شکل زیبایی به غذاها می دهند.

بیشترین ارزش غذایی قارچ در رابطه با مقدار کیفیت غذایی پروتئین آن می باشد، به طور کلی پروتئین قارچ به لحاظ ارزش غذایی، حد اوسط بین پروتئین های گوشت و سبزیجات

قارچ یا سمارق از جمله محصولات غذایی است که از دیرباز به عنوان یکی از غذا های لذیذ مورد علاقه مردم به ویژه در مناطق کوهستانی و روستایی شناخته شده است. اما سالانه تعدادی از مردم به دلیل استفاده از قارچ های سمی که شباهت فراوانی با قارچ های خوراکی دارند، دچار مسمومیت شده و حتی تعدادی از آنها جان خود را از دست می دهند. همین موضوع باعث شده است که کشت و تولید قارچ خوراکی در مزارع به عنوان یک حرفه کشاورزی مورد توجه قرار گیرد.

قارچ ها به طور کلی برخلاف دیگر گیاهان فاقد گل و دانه هستند. اختلاف قارچ ها با دیگر گیاهان عدم وجود کلروفیل در سلول آنهاست، در نتیجه قارچ ها برخلاف دیگر گیاهان قادر به تولید مواد آلی مورد نیاز خود نبوده و از مواد آلی موجود در محیط استفاده می کنند. بنابراین تولید مواد آلی و غذایی مورد نیاز قارچ خوراکی یا کمپوست از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

از هزاران سال پیش در بین ملل و اقوام مختلف خوردن بعضی قارچ ها متداول بوده ولی دانش قارچ شناسی از حدود یکصدوپنجاه سال پیش به صورت علمی شکل گرفته و رشته خود را آغاز و تکامل سریع را طی کرده است. سوابق تاریخی حاکی از آن است که چینی ها از حدود ۱۰۰۰ سال پیش گونه ای از قارچ قهوه ای و نیز حدود ۹۰۰ سال پیش قارچ «شی تاکه» را روی چوب پرورش داده اند، ولی قارچ دکمه ای *Agaricus Bisporus* از سال ۱۶۵۰ میلادی در فرانسه پرورش داده شده است و قارچ صدی *Pleurotus* از سال های ۱۹۰۰ میلادی در آلمان و ۱۹۷۰ میلادی در هندوستان به صورت پرورشی تولید شده اند.

ولی در برخی از کشور ها متأسفانه توجه چندانی به تفکیک و شناسایی قارچ های خوراکی از قارچ های سمی نشده است. به همین دلیل آگاهی مردم از تعداد، تنوع و اکولوژی قارچ ها بسیار کم است. در حدود سال ۱۸۶۵ هنر پرورش قارچ دکمه ای به انگلستان و از آن جا به آمریکا گسترش یافت و برای



قارچ یا سمارق غذای لذیذ و مقوی

هنگام سرخ کردن قارچ ها، ابتدا روغن را گرم کرده، سپس فقط برای ۲ تا ۳ دقیقه آنها را حرارت دهید. در غیر این صورت، قارچ آب می اندازد و حجم آن حتی به نصف کاهش می یابد. در ضمن برای آنکه قارچ هنگام پخت تغییر رنگ ندهد و سفیدی آن حفظ شود، به قارچ در حال پخت، آب لیمو ترش اضافه کنید.

فواید قارچ یا سمارق خوراکی

- قارچ های خوراکی منبع غنی از مواد معدنی شامل پتاشیم، سودیم، کلسیم، منیزیم، منگنز، آهن، فسفر و همچنین ویتامین های C و B است.
- قارچ برای تقویت عمومی بدن، رفع خستگی، ضعف و نارسایی کبد و همچنین کمبود ویتامین و املاح معدنی مفید است.
- به آن دسته از افرادی که روی پوستشان جوش و لک وجود دارد و به طور کلی از ناراحتی های پوستی در رنجند، توصیه می شود قارچ زیاد مصرف کنند. زیرا قارچ دارای مقدار زیادی اسید فولیک می باشد.
- سمارق یا قارچ ضدتومور و بهترین غذا برای تقویت سیستم دفاعی بدن به شمار می رود.
- سمارق قند خون را تنظیم می کند.
- فشار خون و کلسترول را کاهش می دهد.
- از انسداد عروق جلوگیری می کند.
- سمارق ضدالتهاب پوست می باشد.
- قارچ یا سمارق ضد الرژی می باشد.

با بررسی های به عمل آمده در زمینه اثرات ضدتوموری مصرف قارچ های خوراکی، قارچ های خوراکی منبع مناسبی برای جلوگیری از شیوع این گونه بیماری ها به شمار می آیند. تغذیه قارچ های خوراکی می تواند اثرات ضدتوموری در مقابل تومورهای آلژنیک و سین ژنیک داشته باشد. به منظور روشن شدن مکانیزم این اثرات از طریق اعمال تغذیه قارچ های خوراکی قطعاً نیاز به تحقیقات گسترده تری می باشد.

منبع: سرزمین سبز

قرار دارد. قابلیت هضم پروتئین قارچ عامل مهمی در تنظیم رژیم غذایی به شمار می رود. در گذشته قارچ را از مراتع و جنگل ها جمع می کردند. امروزه درکارگاه های صنعتی تولید و در تمام سال در اکثر مغازه ها و سوپرمارکت ها عرضه می گردد.

حدود ۹۲ درصد قارچ را آب تشکیل می دهد، لذا تأمین این عنصر جهت رشد نمو قارچ بسیار ضروریست. تعداد واقعی قارچ ها ۱۴۰۰۰۰ گونه است، تاکنون ۱۴۰۰۰ گونه قارچ شناسائی شده است. از این تعداد ۲۰۰۰ گونه خوراکی و ۷۰۰ گونه دارای خواص داروئی اند.

کربوهیدرات ها پس از آب یکی از اجزاء اصلی تشکیل دهنده قارچ به شمار می روند. ترکیبات قارچ بسیار پیچیده و مغلق هستند که قسمتی از دیواره های سلولی گیاهان از قبیل سلولز، همی سلولز و لینگنین را تشکیل می دهند و این مواد در کمپوست وجود دارند.

قارچ دارای ۱/۵ - ۶ درصد پروتئین است که ۷۰ تا ۹۰ درصد آن جذب بدن می گردد همچنین به علت پایین بودن اسید اوریک آن بسیاری از متخصصین صحتی مصرف آن را برای سالمندان و مبتلایان به نقرس و بیماری های مربوطه توصیه کرده اند. میزان پروتئین قارچ خوراکی ۳ تا ۶ درصد وزن آن را تشکیل می دهد که ۷۰ تا ۹۰ درصد پروتئین موجود در آن قابل جذب است.

در مورد قارچ *maiitake* تحقیقات وسیعی در غرب انجام شده است. عصاره این قارچ، با افزایش فعالیت گلبول های سفید، سیستم ایمنی بدن را تحریک می کند تا به ویروس ها و باکتری های مهاجم حمله کند.





گردآوری فتانه رستگار

پیشینه تاریخی مسجد نه گنبد

روزگار از میان رفته است، با چهار فیل پایهی خیلی زیبا و کمان‌های نهایت قشنگ و دیوارهای مندرسی افتاده از یک مسجد اسلامی حکایت می‌کند. این مکان تاریخی در میان اراضی زراعتی و کشت زارها قرار دارد که یک حوض و یک گورستان نیز در نزدیکی آن مشاهده می‌شود و چند درخت چنار کهن دورادور حوض مشاهده می‌شود که علت اساسی آن بقایای مسجد که در زبان اهالی به (نه گنبد) شهرت دارد، می‌باشد.

به نظر (نانسی هاتچ دوپری) بنای این مسجد نمونه زیبا و ظریفی است که از دوران سامانی‌های بلخ به میراث مانده و تاریخ ساخت آن به نیمه دوم قرن سوم هجری بر می‌گردد. آن چه در این آبد جالب به نظر می‌رسد آرایش و تزئینات ستون‌های آن است که زمانی نه گنبد بزرگ به روی آن‌ها استوار بوده و تعداد آن‌ها به شش پایه می‌رسد که از جمله دو پایه آن افتاده و چهار پایهی آن هنوز پابرجاست. این ستون‌ها با انواع طرح‌های هندسی تزیین شده که به صورت مقعر گچ بری گردیده است و در آن نمونه‌ی چندین نوع سبک و مکتب هنری را می‌توان دید. و از آن این حدس و گمان نیز ایجاد می‌گردد که احتمالاً این ساختمان پیش از اسلام به وجود آمده باشد، زیرا چنانچه متذکر شدیم افزون بر مشابهت



مسجد نه گنبد که به نام مسجد حج پیاده نیز یاد می‌شود در ۲۰ کیلومتری شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ قرار دارد. این مکان تاریخی در دوران باستان و تا قبل از حمله اعراب به بلخ و دوران برمکیان آتشکده زرتشتی و نیایشگاه بودایی بوده و به «آتشکده نوبهار» یا «معبد نوبهار» معروف بوده است. پس از ورود اسلام، آتشکده زردشتیان و معابد بودائیان از فعالیت باز ماند و تبدیل به مسجد شدند و عده زیادی از این گونه مکان‌ها هم تخریب شدند.

بنابر عقیده عده یی این معبد که اصلاً از شهکارهای بزرگ عصر کوشانی و عهد حکمرانی کنشکا است هیچگاه به آیین زردشتی ارتباطی نداشته است زیرا این معبد بنابر امر کنشکای کوشانی تعمیر و بنا یافته و از بزرگترین معابد بودایی در نوع خود می‌باشد و بواسطه یک ظرف مسی که از پورشاپورا (پشاور) بدست آمده، آنرا به کنشکا نسبت داده اند.

چنانچه به خواسته کنشکا در اطراف و ماحول دیوار خارجی معبد نوبهار بلخ در حدود ۳۶۰ اتاق (حجره) برای راهبان بودایی و تجلیل از مراسم مذهبی و یا مخصوص به منظور تدریس این آیین ساخته اند که علما و دانشمندان بزرگ مشغولیت‌های علمی آن‌ها را بدوش داشتند. ضمناً نوبهار که یکی از معابدی بودایی بود که در زمان فضل برمکی به صورت مسجد جامع درآمد و بعداً نام مسجد نه گنبد را کسب کرد. یعقوب لیث صفاری نیز در این کار سهم گرفته و حتی بقایای آثار نوبهار را برای خلیفه عباسی به عنوان تحفه فرستاد و سر انجام توسط چنگیزخان تمام آبادیهای بلخ همراه این بنای تاریخی که در آن زمان مسجد جامع شهر بود، ویران شد. در حال حاضر به جز یکی از دروازه های ششگانه جنوبی شهر که به نام دروازه نوبهار است، اثر دیگری از آن نمانده است.

مسجد تاریخی نه گنبد که در حال حاضر تنها چند پایه‌یی از گنبدهای وی باقی مانده در حال اعمار مجدد است. این مسجد که گنبدهای آن در اثر نابسامانی‌های

پیشینه تاریخی مسجد نه گنبد

مسجد نه گنبد در شهر بلخ که به نام باختر، باکتر و زریاسپه نیز یاد شده است، موقعیت دارد. بلخ از شهرهای مهم خراسان بزرگ و از قدیمی ترین شهرهای افغانستان به شمار می رود. باختر و یا بلخ به قولی کهن ترین شهر تاریخی جهان است که پیشینه آن به هزاران سال قبل از میلاد برمیگردد. زرتشت بین سالهای ۱۷۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد در بلخ ظهور کرد و پادشاه کیانی دعوت وی را به آیین زرتشت پذیرفت و همواره از او طرفداری کرد. در زمانهای پیش از اسلام بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زرتشتی بود و در دوره های فرمانروایی کوشانیان از مراکز دین بودایی و محل معبد معروف «نو بهار» بود.



ساختمانی آن با مساجد مصر، مظاهری از نمایش هنری کوشانی، بودیزم و هنر گندهارا را نیز می توان دید. از جمله گل نوتس (نیلوفر) که از جمله مقدسات بودایی است در این مسجد دیده می شود. این موضوع نیز از احتمال به دور نیست که نه گنبد نیز مانند برخی از آتشکده ها و معابد بودایی به مسجد تبدیل شده باشد. به هر حال این امر مستلزم تحقیقات کار شناسانه است و آن چه مهم هست این است که مردم بلخ در انکشاف فرهنگ و تمدن اسلامی نقش در خور ستایشی داشته اند.

اولین حمله مسلمانان به بلخ در سال ۶۵۲ م. (۳۲ قمری) بسرکردگی احنف بن قیس بود. در سال ۴۳ قمری دوباره بتصرف مسلمانان درآمد ولی در زمان قتیبه بن مسلم (متوفی بسال ۹۶ قمری) بود که کاملاً مغلوب آنان شد. در دوره اعراب، یعنی در قرون وسطی، بلخ همراه با هرات، نیشابور و مرو یکی از چهار قسمت (چهار ربع) خراسان بود.

در سال ۱۱۸ قمری اسدبن عبدالله قسری پایتخت خراسان را از مرو به بلخ انتقال داد و شهر رونق یافت. در سال ۲۵۶ قمری این شهر بتصرف یعقوب لیث صفاری درآمد. در سال ۲۸۷ قمری عمرو لیث صفاری نزدیک بلخ مغلوب اسماعیل سامانی شد و بقتل رسید و بلخ تحت حکومت سامانی درآمد. در سال ۴۵۱ قمری سلجوقیان تصرفش کردند و در سال ۵۵۰ قمری بدست ترکان غز، ویران شد. در سال ۶۱۷ قمری با وجود اینکه بلخ تسلیم چنگیز مغول شد، مغولان همه مردم شهر از زن و مرد و کودک را، از شهر بیرون آورده و همه را کشتند به طوری که تا مدت ها حیوانات وحشی از گوشت آنها تغذیه می کردند و سپس شهر را آتش زده و کاملاً تخریب نمودند. (۱) در دوره تیموریان (۷۷۱ - ۹۱۱ قمری) تا اندازه ای شکوه گذشته را بازیافت ولی پس از بنای مزارشریف در بیست کیلومتری آن، بلخ رو به انحطاط گذاشت. در اواسط قرن هفده میلادی بلخ مجدداً جزء قلمرو سلطنت افغانستان درآمد، خرابه های بلخ قدیم اکنون ناحیه وسیعی را اشغال کرده است.

ابن بطوطه جهانگرد مشهور، مسجد نه گنبد را از حیث زیبایی و شهکار هایی که در ساختمان آن به کار رفته است، همانند مسجد الحمراء شهر (غرناطه) در هسپانیا می داند. این مسجد شدیداً نیازمند حفاظت متخصصانه است و کسانی که در ترمیم مجدد آن نقش دارند باید افراد مسلکی و کارشناس باشند و یا اینکه تحت نظر کارشناسان باید ترمیم مجدد گردد. یکی از کمان های این مسجد منکسر گردیده و با خطر فرو ریزی رو به رو است. باد و باران دکوراسیون آن را از بین می برد. اگر این مسجد فرو ریزد، برای میراث فرهنگی افغانستان یک تراژیدی عمیق خواهد بود. چنانچه در تصاویر مشاهده می کنید گنبد های این مسجد کاملاً از بین رفته و تنها ستون های ریخته و شکسته آن باقی مانده است. مردم قسمت های زیاد آن را به زمین زراعتی تبدیل کرده اند و حتی خشت های آن را سرقت کرده اند.

انتقال مصئون و سریع پول از طریق ویسترن یونین و سوئیفت در غضنفر بانک



سوئیفت (SWIFT)

غضنفر بانک یکی از بانکهای برجسته کشور و عضو کمیته سوئیفت می باشد که خدمات و امکانات مصئون و با اعتبار ذیل را پیرامون ارسال و دریافت پول به سراسر جهان در برابر بهای مناسب برای مشتریان خویش عرضه می دارد.



ارسال و دریافت پول

ارایه لیترا ف کریدت

ارایه گرتنی های بانکی

دریافت چک های خارجی

ویسترن یونین (Western Union)



moving money for better

امکانات انتقال پول به داخل و خارج از کشور از طریق ویسترن یونین برای مشتریان غضنفر بانک مهیا می باشد. بنا بر این در تمام نمایندگی های غضنفر بانک برای انجام این سهولت غرفه های ویژه اختصاص یافته و با انجام خدمات قناعت بخش و مطمئن در خدمت مشتریان خویش قرار دارد.

دفتر مرکزی:

۸۶۶ سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان / صندوق پستی: ۵۹۸
mainbranch@ghazanfarbank.com / ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳

سلطان شهاب الدین غوری



(سالی که یک طفل به مکتب می‌رود) پدر را از دست داد. بعد از وفات پدرش ممکن به درس و سبق او چندان توجه صورت نگرفته باشد. زیرا بنوشته مورخان، اندکی بعد از وفات پدر، توسط کاکایش زندانی می‌گردد، که بدون شک برای مدرسه رفتن، وقتی برایش باقی نمانده است. در دوران یکدهه زندان، ممکن به آموزش پرداخته باشد. دید این قلم درمورد موضوع، بر گرفته از یادداشت‌های تاریخی به ما رسیده رقم خورده است. طورنمونه می‌خوانیم که: بعد از درگذشت بهاولالدین سام، برادرش علاوالدین حسین بقدرت میرسد. سلطان جدید، فامیل برادر، بخصوص فرزندان غیاث الدین و شهاب الدین را در فیروزکوه تحت سرپرستی قرار می‌دهد. سلطان مذکور بخاطر گرفتن انتقام خون برادران خود (ملک عزالدین حسین، سلطان سیف الدین سوری و بهاولالدین سام) جانب غزنی لشکر می‌کشد. شهر غزنه را فتح و بهرامشاه غزنوی را از پایتخت اش فراری و به آن شهر خسارات بزرگی وارد می‌آورد و دقیق بعد ازین حادثه است که از طرف

شهاب الدین فرزند بهاولالدین سام در سال ۵۳۹ قمری در ولایت سنگه دیده به جهان گشوده است. (در وقت تولد او پدرش ملک ولایت سنگه (سنجه) بوده است. بعد از فتح خراسان به او لقب "معزالدین" داده شد و در نیم قاره هند هم بیشتر به "محمد" مشهور بوده است. اما مادرش او را در خورد سالی زنگی خطاب می‌کرده است. بروایت طبقات: "... مادرشان غیاث الدین را حبشی خواندی، و معزالدین را زنگی گفتی." (بدون تردید مادرشان، از روی ناز یکی را حبشی و دیگرش را زنگی صدا می‌زده است. در فرهنگ مردمان غور، به کسانی که چهره تیره گندمی مایل به سیاه داشته باشند، حبشی و به نو جوانی که پر وزن تر (چاق و چله) باشد، زنگی، بُرزنگی و گاو زنگی می‌گویند. و یا هم شاید با تخلص تعدادی از شخصیت‌های خانواده شنسی، مثلاً ملک تاج الدین زنگی پسر فخرالدین مسعود نخستین امیر شنسی بامیان، عم شهاب الدین و غیاث الدین، مرتبط بوده باشد.

درمورد ایام کودکی، مکتب و مدرسه رفتن او اینکه در کجا، نزد چه کسی و تا چه سطحی سبق خوانده، نیز چیزی معلومات در دست نیست. اما از آنجائی که پدر او ملک ولایت سنجه و بعداً هم مدت کوتاهی سلطان بوده، بدون تردید باید نگاشته شود که مانند سایر شهزادگان آن عصر مورد آموزش و پرورش خاص قرار داشته است. اما! نا نوشته گذاشته نشود که سن او در وقت وفات پدرش، با مطلب فوق چندان سازگار نیست. باوجود آنکه سند خاصی درمورد دوران طفولیت او در دست نیست، اما میشود با در نظر داشت سال وفات پدرش (۵۴۴ - ق) که منهای السراج درموردش نگاشته: "بهاولالدین ... بعد از قتل برادرش سلطان سیف الدین سوری به دست بهرامشاه غزنوی، به سلطنت رسید و غرض گرفتن انتقام خون برادر ... لشکرهای اطراف و اکناف جروم و غرجستان جمع کرد و مرتب گردانید و روی به غزنین تا آن مهم را به کفایت رساند ... و چون به خطه گیلان (کیدان) رسید از غایت فکر و غم برادران ... مرض غالبش گشت و همانجا برحمت حق پیوست." او در پنج سالگی

است. سوم: اینکه فکر سلطان شدن و سلطنت کردن در چنین عمری با منطق نا سازگار است. آنچه مسلم است، آن است که این دو برادر به دستور کاکای شان زندانی و تا سال وفات او در زندان باقی میمانند. اگر این زندان فرستادن در سال اول سلطنت علاوالدین قبول شود، معزالدین شش سال و غیاث الدین هم چیزی کمتر از ده سال عمر داشته است. این حبس تا سال وفات سلطان علاوالدین حسین و بقدرت رسیدن سلطان سیف الدین محمد ادامه داشته و مدت حد اقل (۱۰) سال را در بر گرفته است.

بعد از وفات سلطان علاوالدین و بقدرت رسیدن پسرش سیف الدین محمد (۵۵۶ - ق) پسران بهاولالدین سام به امر سلطان جدید از زندان و جبرستان رها میگردند. سلطان بعد از رها نمودن آنها، غیاث الدین محمد را با خودش به قلعه نظامی فیروزکوه پایتخت سلطنت غور برده، موصوف را بعنوان مشاورش توظیف و شهاب الدین سام را به خدمت کاکای خود ملک فخرالدین مسعود به بامیان اعزام مینماید. شهاب الدین تا سال شهادت سلطان سیف الدین محمد، در بامیان و در خدمت کاکایش قرار داشت. بعد از کشته شدن سیف الدین محمد (۵۵۸ - ق) و رسیدن غیاث الدین محمد سام به قدرت سلطنت غور، معزالدین محمد، با اجازه و موافقت کاکای خود بامیان را ترک و در فیروزکوه با برادرش که به سلطنت غور رسیده بود (۵۵۸ - ق) می پیوندند، و رسماً وارد عرصه سیاستهای نظامی - سیاسی سلطنت غور میگردند. او که دوران طفولیت و نوجوانی خود را با فراز و نشیب عجیبی پشت سر گذاشته و حدود یک دهه را هم در سلول زندان سپری نموده بود، نوجوان ۱۶ - ۱۷ ساله ای بیش نیست که به مقام بلند و نهایت مهم دربار سلطنت برادر میرسد. وی بعد از رسیدن به فیروزکوه، از طرف سلطان غیاث الدین بحیث سرچاندار (قوماندان گارد محافظ سلطان) مقرر و به رتبه نظامی سپهسالار نیز نایل میگردد. شهاب الدین محمد سام به خاطر تثبیت هرچه بیشتر و بهتر نقش، سهم و مقامش در سلطنت غور، حریفانش را نه تنها هیچ موقع نداد، بلکه ایشانرا از سر راه خود دور ساخت. بعد از کشتن ابوالعباس شیش، شهاب الدین به عالیترین مقام نظامی، یعنی سپهسالار کل و قوماندان عمومی قوای نظامی سلطنت غور تعیین گردید. بدون تردید، اکثریت کامل لشکر کشی ها

مخالفانش به "جهانسوز" مشهور میگردد. بدون شک و تردید که علاوالدین حسین با انجام عمل ناستجیده خود مبنی بر تخریب و تحریق شهر غزنه که دیگر ملکیت او و سلطنت غور بشمار میرفت، مرتکب اشتباه بزرگ در حیات سیاسی - نظامی خویش گردید که متأسفانه در اکثریت منابع تاریخی و بیشترین موارد، این عمل او بر آنهمه کاروائیهای پهلوان منشانه او تأثیر سو گذاشته است. کافی بود بدخواهان او با استعمال کلمه "جهانسوز" نه تنها بر شخصیت سیاسی - نظامی او، بلکه بر همه دست آوردهای او در راه تاسیس سلطنت غور بیرحمانه بتازند.

سلطان علاالدین حسین فاتح و مغرور با برگشت پیروزمندانه از سفر جنگی غزنی به دربار غور، بدلیل خود خواهی ها و بدگمانی هایی که روح و روانش را مسخر میکند، با تبعید و زندانی کردن دست به تصیفه داخل خانواده میزند. درست در همین وقت است که برای نخستین بار در کتب تاریخی از شهاب الدین و برادرش غیاث الدین نام برده میشود که آنها بواسطه کاکای شان سلطان علاوالدین حسین غوری در قلعه و جبرستان محبوس میگردند و در تمام دوران حیات سلطنت علاوالدین در زندان باقی می مانند. تاریخ فرشته در این مورد چنین روایت مینماید: " وقتیکه سلطان علاوالدین حسین غوری، بعد از فتح غزنه دوباره به غور آمد، برادر زادگان خود، غیاث الدین محمد و معزالدین محمد را به ولایت سنگه اعزام و اداره آنجا را به آنها سپرد. از آنجائیکه سخاوت و مروت جزئی از طبیعت این دو برادر را تشکیل میداد، همه در آمد های این ولایت را برای مردم اهداء میکردند ... در اطراف و اکناف مشهور و اسم شان سر زبانها شد. عده از حسودان، جریان را بشکل تحریف شده ای آن به سلطان علاوالدین گزارش داده، اظهار داشتند که غیاث الدین و شهاب الدین به فکر سلطنت اند. علاوالدین نسبت به آنها بدگمان و هر دو برادر زاده اش را در قلعه غرجستان زندانی کرد. البته ادعای مولف فرشته مبنی بر تقرر یا فرستادن شهاب الدین و غیاث الدین به ولایت سنگه و اقداماتی که بقول او این دو برادر انجام داده اند، به چند دلیل صحت چندانی ندارد. نخست اینکه، در سایر منابع و از جمله طبقات ناصری از چنین تقرری خبری نیست. دوم: سپردن اداره یک ولایت به دو طفل خورد سال شش ساله و نه ونیم ساله، دور از تعقل اداره و سیاست



سلطان شهاب الدین غوری

صفوف قطعات مختلفه نظامی جابجا نمود تا در سوقیات نظامی دسپلین خاص و بخصوص روحیه وفاداری به سلطنت غور و شخص او را جداً رعایت نمایند. لشکرکشی های او در سه مرحله (دوران سپهسالاری، نائب الحکومتی و سلطنت) و بر مبنای استقامت ها با مرکزیت فیروزکوه پایتخت غور، به تحریر گرفته میشود. در یک و نیم دهه اول سلطنت غور، شخص سلطان غیاث الدین در اکثریت کامل سوقیات نظامی حضور داشت، اما نقش برادرش معزالدین بعنوان قوماندان کل قوا برجسته بوده است. هدف از لشکرکشی ها در جغرافیای افغانستان کنونی و نواحی شمالی و غربی آن، بیشتر جنبه توحید سرزمینهای خراسان زمین که مردمان آنها وجوهات مشترک تباری، زبانی، دینی، عقیدتی و تاریخی داشتند، بوده است. به عبارت دیگر توحید جغرافیای سنتی عهد دوسلسله خراسانی ماقبل سلطنت غور، یعنی سامانیها و غزنویها. سوقیات جانب شرق که سنگینترین، پُر مصرفترین و درعین وقت ازهر نگاه پُر درآمدترین سوقیات به شمار میرفته، بیشترهدف اقتصادی و دینی داشته که در نتیجه این سوقیات، اراضی وسیعی از نیم قاره هند تصرف، ثروت های افسانوی غیر قابل تصور حاصل و مردمان زیادی هم به دین اسلام گرویدند.

در جلد پنجم دایرة المعارف آریانا آمده که: "تحت قوماندانی معزالدین محمد بلاد شمالی مانند، تالقان، اندخوی، میمنه، فاریاب، پنجده، مرو، دزق و خلم فتح گردید. " قابل ذکر است که بلخ نه تنها درین نوبت تصرف نشده بود، بلکه تا قبل ازتصرف غزنی (۵۶۹-ق) جدا از سلطنت غور به شمار میرفت. بعد از فتح مجدد غزنی، به هدایت سلطان غیاث الدین و تحت قوماندانی معزالدین به بلخ لشکر اعزام می شود که در نتیجه علاوالدین قماچ بلخی، که آن دیار را کنترل می کرد کشته و بلخ به دست نظامیان غور فتح میگردد. مولف طبقات ناصری هم با برشمردن اسمای محلاتی که در فوق تحریر شده اطراف ممالک خراسان که به هرات تعلق داشت در تصرف بندگان او در آمد و خطبه و سکه بنام غیاث الدین مزین گشت. سلطان غیاث الدین به سپهسالار غور شهاب الدین وظیفه داد تا با قوای تحت امرش، به علاوه لشکریان بامیان و لشکر سیستان بخاطر سرکوب غایله در مناطق شمال سوقیات نماید. این نیروها در محل رود بار مرو، بر لشکر خوارزمشاه حمله نموده آنها را با

و سوقیات نظامی سلطنت غور، تصرف مناطق، ولایات، شهرها، چه در داخل جغرافیای افغانستان کنونی و چه هم ممالک همجوار آن الی قلب نیم قاره هند، به کار ومجاهدت شهاب الدین مربوط میگردد و بخشی از زندگی نامه اوست که باید دقیق وهمه جانبه به بررسی گرفته شود. به باور اکثریت محققان، مولفان و مورخان، غیاث الدین غوری سلطان سعادت‌مندی بوده زیرا برادرش نهایت وفادار و مطیع او بوده است. اکثریت دست آورد های سیاسی و بخصوص نظامی سلطنت غور را که سرانجام به تشکیل یک امپراتوری با وسعتی، از مشرق هندوستان و ازسر چین و ماچین تا عراق، و از آب جیحون و خراسان تا کنار دریا هرمز منجر میگردد، محصول شمشیر زدن‌ها و عرق ریزی های معزالدین میدانند، با آنکه شهاب الدین نهایت مطیع و فرمانبردار سلطان غیاث الدین بود وبرحسب نوشته های مورخان، این وفاداری از رسیدن سلطان بقدرت الی سال مرگش پایدار مانده است.

شهاب الدین محمد بعد ازکسب مقام سپهسالاری کل قوای نظامی سلطنت غور، در قدم نخست به ترتیب و تنظیم صفوف نظامی ارتش پرداخته، با ایجاد شعبات مهم: پیاده، سواره، توپچی، لوژستیک ... وغیره، شخصیت‌های معتمد خود که اکثریت آنها را بندگان‌ش تشکیل می دادند، در رأس



شکست جبران ناپذیر مواجه و نظامیان موجود او را تقریباً تار و مار نموده، فراری دادند. در جریان همین سفربری بود که مرو شاهبجان و ایالت سرخس را نیز تصرف نمودند.

اما زمانی که شهاب الدین و لشکریانش گرگانج را در محاصره کشیدند، هنوز آنرا کاملاً فتح نکرده بودند که سلطان محمد خوارزمشاه تجدید قوا نموده، با یک لشکر بزرگ بالای نظامیان غور حمله مینماید. لشکر سلطنت غور در برابر این تهاجم گسترده تاب مقاومت نیاورده، شهاب الدین غوری که تا این زمان مزه تلخ شکست را کمتر چشیده بود، درین محاربه شکست خورد و مجبوراً دست به عقب نشینی و فرار زد. (جریان این جنگ در کتب تاریخ، چون: طبقات ناصری، فرشته، روضته الصفا، ترکستان نامه، مطالعه تاریخ افغانستان از نگاه عسکری، غوریان، تاریخ دولت مستقل غوریان، بررسی اوضاع سیاسی نظامی غور، و منابع متعدد دیگر مفصل آمده است.)

لشکر کشیها از فیروز کوه بطرف غرب، یعنی از ولایات بادغیس، هرات، فراه و نیمروز در جغرافیای افغانستان کنونی و همچنان، بخشهای متعددی از کشور کنونی ایران آغاز شد. غوریها در سال ۵۷۱ قمری شهر هرات را تصرف نمودند و پس از آن در خراسان نیز رقیب خوارزمشاهیان شدند و مسلماً تا حدودی در برابر ایشان برتری های داشتند. درین استقامت شهاب الدین بفکر فتح نیشاپور گردید و بعد از مواصلت به نیشاپور، قلعه نظامی آن شهر را به محاصره طولانی کشاند و سرانجام موفق به فتح آن گردید و اداره آنرا به ملک ضیالدین محمد پسر کاکای خود که در عین وقت داماد سلطان غیاث الدین نیز بود، سپرد. مناطق متعدد دیگری که در این استقامت جز سلطنت غور گردید، میتوان از سرخس، فارس، نسا، طوس، مرو و محلات دیگری نیز نام برد.

از فیروزکوه به استقامت شرق و جنوب که بیشترین سوقیات را دربر میگیرد، و از نگاه توسعه سرزمین سلطنت غور بزرگترین و از جهت اقتصادی پُر درآمد ترین لشکرکشی ها بشمار میرود، از غزنی و زابل و کابل و گردیز شروع و تا قلب نیم قاره هند ادامه پیدا نمود. همه لشکر کشیهای این استقامت بعد از فتح غزنی (۵۶۹ - ق) که شهاب الدین بدستور برادرش سلطان غیاث الدین، بحیث

نائب الحکومه آنجا تعیین گردید، به قوماندانی او و در سالهای بعدی بواسطه سپهسالاران و افسران او عملی گردید.

غزنه که در سالهای اخیر سلطنت علاوالدین حسین و پسرش سلطان سیف الدین محمد توسط غزنویان تصرف گردیده بود، در سال (۵۶۹ - ق) مجدداً تصرف و جز سلطنت غور گردید. بعد از فتح غزنی، سلطان غیاث الدین محمد سام، برادرش سپهسالار معزالدین را به حیث نائب الحکومه آنجا بر گزید. منهاج السراج وعده دیگری از مورخان، سال ۵۶۹ قمری را سال آغاز سلطنت شهاب الدین معرفی داشته اند که صحت نیست. اوسلطان نه، بلکه نائب الحکومه تعیین شده بود. کاربرد کلمه ای "سلطان" بین سالهای (۵۵۸ - ۵۹۹ قمری) در داخل خانواده سلطنتی به مفهوم عضو خاندان سلطنت بوده، نه مقام رسمی. همانطوریکه امیران شنسی بامیان سلطان نبوده اند، معزالدین محمد هم تا سال وفات سلطان غیاث الدین نائب الحکومه غزنی بوده، نه سلطان. دلیل آن هم اینکه درین مدت، خطبه و سکه درجغرافیای سلطنت غور تنها و تنها بنام سلطان غیاث الدین بوده است. برادرش شهاب الدین بعنوان سپهسالار کل سلطنت غور، همیشه بدستور او سوقیات مینموده و در ختم لشکرکشی گزارش کارش را به سلطان تقدیم نموده و همه غنائم را به فیروزکوه میفرستاد.

میرغلام محمد غبار در مورد لشکر کشیهای سپهسالار شهاب الدین جانب شرق و جنوب مینویسد: در سال ۱۱۷۸ - م ملتان، در سال ۱۱۷۹ - م پشاور، در سال ۱۱۸۱ - م لاهور فتح گردید و ملک شاه، پسر خسرو ملک آخرین پادشاه غزنوی به اسارت درآمد. در سال ۱۱۸۶ - م پنجاب فتح شد. گرچه شهاب الدین در جنگ سال ۱۱۷۸ - م در منطقه گجرات شکست خورد و بار دیگر در جنگ سال ۱۱۸۹ - م که در نزدیک دهلی بوقوع پیوست، نیز یک شکست دیگر از طرف پتهو رائی راجستان و گاندی رائی دهلی که در حدود دو صد هزار سپاهی و سه هزار فیل حاضر داشتند، بر سلطان غور تحمیل گردید. اما در سال ۱۱۹۱ - م طی یک جنگ بزرگ دیگر، که شهاب الدین یکصد و بیست هزار سوار حاضر کرده بود، پتهورای و گاندی رائی دهلی را که سه صد هزار عسکر آماده جنگ و مبارزه داشتند، شکست



سلطان شهاب الدین غوری

تا عراق و از چین و ماچین و جیحون تا دریای هرمز توسعه یافت و بعنوان یک امپراتوری بزرگ در خراسان و مشرق زمین تحت لوای واحد با مرکزیت فیروزکوه تشکیل و از طرف خلافت بغداد و شخص خلیفه ناصرالدین برسمیت شناخته شد و بین امپراتوری غور و خلافت بغداد سفره تبادل گردید.

به سلطنت رسیدن شهاب الدین (۵۹۹-ق):

بعد از وفات سلطان غیاث الدین غوری (روز چهار شنبه، ۲۷ جمادی الاول سال ۵۹۹ هجری قمری) نائب الحکومه شهاب الدین محمد سام که در حوالی طوس و سرخس خراسان، مصروف سرکوب شورشیان ضد دولتی بود، با اطلاع از مرگ برادر، به غور برگشت و به جای سلطان غیاث الدین محمد سام، امپراتور غور شد. متأسفانه او اشتباه بزرگی را مرتکب گردید، و آن اینکه، بجای فیروزکوه پایتخت امپراتوری برادر و سلطنت کاکاها و پدرش که حیثیت سمبول عظمت سلطنت غور را داشت، از شهر غزنه بعنوان پایتخت امپراتوری بزرگ غور استفاده نمود که این کار او نه تنها اهمیت داخلی، بلکه وجهت بین المللی امپراتوری غور را که بدون شک، شمشیر زدن‌ها و عرق ریزیهای شخص او را که در تاسیس آن نقش براننده داشت، زیر سوال برد. او فیروزکوه پایتخت غور را که باید خودش در آن جلوس میکرد، ویا اینکه به یگانه پسر برادرش سلطان غیاث الدین محمد سام، به اسم غیاث الدین محمود بسپارد، برعکس به داماد او ملک ضیا الدین که پسر عم آنها نیز بود، سپرد و شخصاً عازم غزنه گردید.

سلطان شهاب الدین بعد از رسیدن به سلطنت غور، دست به هیچ نوع لشکر کشی تهاجمی که هدفش تصرف کدام محل و منطقه جدید باشد، نزد اکثریت، حتی تمام سوقيات نظامی که در دوران سلطنت او

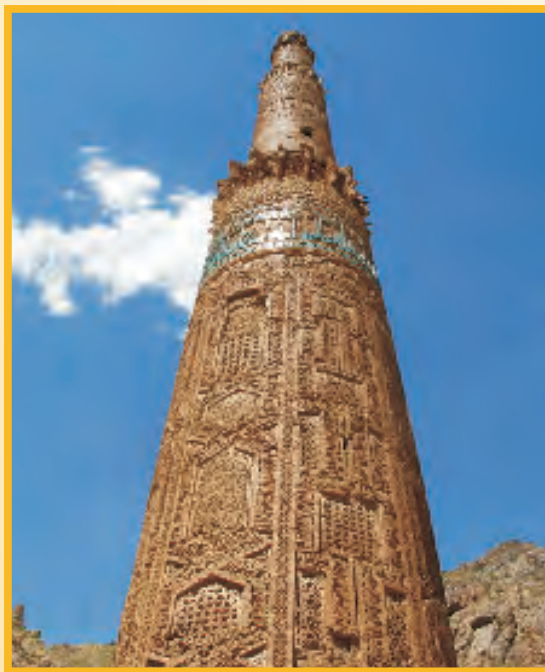
سخت داد. اجمیر، سواک، هانسی و سر سیتی را مکمل فتح نمود. در سال ۱۱۹۲ م تا نزدیک اگره سوقيات نمود. قطب الدین ایبک والی غور بعد ها دهلی را فتح کرد و پایتخت قرار داد. همچنین او قنوج، نهرواله، بدوق و غیره را تصرف نمود.

سلطان غیاث الدین و شهاب الدین محمد سام در مدت چهار ونیم دهه سلطنت خود، بخصوص جانب شرق و جنوب، نه تنها عظمت از دست رفته عهد سلطنت غزنویان در جنوب و شرق را احیا کردند، بلکه محلات بیشتری تا شهر دهلی قلب هندوستان را فتح نمودند، دین اسلام را منتشر و زبان فارسی را در آن سرزمین رونق بیشتر بخشیدند.

جواهر لعل نهرو مورخ و سیاستمدار مشهور هند در کتاب مشهورش "نگاهی به تاریخ جهان" در مورد حملات شهاب الدین غوری برنیم قاره هند، شکست و پیروزیهای او چنین مینگارد: در اواخر قرن دوازدهم بود که یک موج مهاجمین تازه از شمال غربی بسوی هند سرا زیر گشت. در راس آنها کسیکه به امپراتوری غزنویان پایان داده بود قرار داشت. این مرد، شهاب الدین غوری نامیده میشود. غور محله کوچکی در افغانستان بود. به لاهور حمله

برد و آنجا را متصرف گردید و بعد از آنجا بسوی دهلی پیش راند. پادشاه دهلی در آنوقت پیریتوی راج چوهان بود و در تحت رهبری او عده ئی از امرای شمالی هند به جنگ و مقاومت در مقابل مهاجمان پرداختند و آنها را بشدت شکست دادند. اما، این شکست موقتی بود در سال بعد شهاب الدین غوری با نیروی عظیم به هند باز گشت و این بار پیریتوی راج را شکست داد و بکشت.

هنوز سلطان غیاث الدین غوری در قید حیات بود که جغرافیای سلطنت غور از هند



بین سالهای (۵۹۹ تا ۶۰۲) هجری قمری صورت گرفت، یکسره به خاطر سرکوب شورشیهای ضد دولتی در جغرافیای امپراتوری غور بوده است. از دو لشکر کشی مهم این دوره که نه تنها برای سلطان شهاب الدین، بلکه برای سرنوشت آینده امپراتوری غور نیز حیاتی بود، با اختصار یادآوری میگردد. سلطان شهاب الدین در سال (۶۰۱ - ق) بخاطر سرکوب بغاوت و شورشیهای خوارزمشاه در شمال سلطنت غور، سوقیات بزرگ نظامی را سازماندهی و با تمام قوت مصروف پیکار سرکوبگرانه شورش خوارزمشاه که علیه فیروزکوه براه انداخته بودند، بود و هنوز کارها به اتمام نرسیده و دست آورد معینی نصیبش نگردیده بود که مردمان طایفه مشهور کوهکران (کهوکران) کوه جود واقع در شمال پنجاب که بین آنها آوازه شده بود گویا سلطان شهاب الدین در جنگ خوارزم کشته شده است، دست به شورش زدند. سلطان شهاب الدین که حساسیت موضوع را خوب میدانست، بخاطر جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع آنجا، از جنگ با خوارزمشاه منصرف و بخاطر لشکرکشی جانب هندوستان آمادگی گرفته، عازم آنجا گردید. از آنجائیکه این سفر جنگی، نه تنها آخرین کارنامه نظامی شهاب الدین، بلکه لشکرکشی پسین ماه های زندگی اش نیز بوده، چگونگی وقوع، جریان و نتیجه نا میمونش کوتاه نگاشته میشود.

کوهکرانها اقوامی بودند که موطن آنها از شمال لاهور تا سواحل شرقی دریای نیلاب یا اباسین و تا سلسله کوههای سواک را احتوا میکرد. طایفه کوهکران مردم نهایت جنگجو، و اکثریت مطلق آنها پیرو دین کهن خود بودند. بعد از نشر و پخش خبر نادرست مبنی بر مرگ شهاب الدین، کوهکرانها شورش و پیشوای آنها به اسم "سرکه" و یا هم "سرکا" اعلام پادشاهی مینماید. سلطان شهاب الدین با اطلاع از موضوع، سفربری خوارزم را نیمه تمام گذاشته، بخاطر سرکوب یاغیان، خاموش کردن شورش و جلوگیری از انتشار آن بر سایر نقاط نیم قاره هند، پلان لشکر کشی جانب پنجاب را طرح و در زمستان سال (۶۰۱) به آنطرف حرکت مینماید. بعد از مواصالت به محلات شورش، در نتیجه محاربات خونین، یاغیان کوهکر را به اطاعت از امپراتوری غور وادار میسازد. به نوشته مورخ استرآبادی: بعد از سرکوبی کامل شورش، یک عالم جید دین را نزد رئیس طایفه

کوهکران میفرستد تا با تشریح احکام دین اسلام، از او بخواهد با قومش به دین اسلام مشرف شود. پیشوای طایفه کهکر دین اسلام را پذیرفته و از پیروانش نیزمیخواهد تا دین اسلام را قبول کنند. (صفحه ۵۹، جلد اول، تاریخ فرشته) بعداز سرکوب شورشیان طایفه کوهکران و مشرف شدن عده ئی زیادی از آنها به دین اسلام، امپراتور غور عزم برگشت نموده، شانزدهم ماه رجب المرجب سال ۶۰۲ قمری، هند را به مقصد غزنی ترک میگوید. دوم ماه شعبان به ساحل نیلاب میرسد. در محلی به اسم "دمیک" با سپاه فاتح اش بیخبر از توطئه دشمن، اتراق مینماید. تعداد بیست نفر از مردمان طایفه کوهکر که اقارب شان در جنگها بدست لشکریان سلطان شهاب الدین کشته شده بودند، با هم تعهد نمودند تا سلطان شهاب الدین را بقتل برسانند. طبق برنامه ای مطروحه، شب سوم شعبان ۶۰۲ قمری بر خمیه اقامتگاه سلطان حمله نموده، او را با ضربات کارد به شهادت رساندند. همه مولفان و محققان در مورد چگونگی وقوع حادثه، محل آن، سال و ماه شهادت سلطان شهاب الدین نظر واحد دارند.

بعداز کشته شدن سلطان شهاب الدین غوری، جنازه اش غرض تکفین و تدفین جانب غزنی انتقال میگردد. عتیق الله پثواک چگونگی جریان انتقال میت سلطان شهاب الدین غوری به غزنی را در اثرش نسبت به سایر نویسندگان (البته بدون ارائه ماخذ) شرح روایت کرده که قسمتی از آن اینجا آورده میشود: جنازه سلطان را وزیرش خواجه موید الملک بن محمد سجستانی برداشته و با قشون سلطنتی متوجه غزنی میشود. و بتاريخ ۲۲ ماه شعبان جسد سلطان را به غزنه آوردند و در مقبره که برای دختر خود ساخته بود، ب خاک سپردند. (صفحه ۲۳۱)

چون سلطان شهاب الدین فرزند پسر نداشت، بعد از مرگش برادر زاده او غیاث الدین محمود پسر سلطان غیاث الدین ابوالفتح محمد سام که در دوران سلطنت کاکایش شهاب الدین، والی فراه، بلاد بست و اسفزار بود، جانب غور آمد و در فیروزکوه پایتخت پدر وجدش به سلطنت جلوس کرد. با تاسف که بعد از مرگ سلاطین نامدار غور، غیاث الدین و شهاب الدین، آفتاب اقبال زمامداران آل شتسب غروب کرد.



2.jpg

نمایندگی های غزنفر بانک از شما استقبال می کند

کندهار

د کفتان مدد چوک، احمدی پلازه، د کندهار صرافې
او سوداگری مارکیټ ته مخامخ - کندهار
اړیکه: 0797 86 00 12
kandahar@ghazanfarbank.com



شعبه مرکزی

۸۲۲ سرک عمومی شیرپور، صندوق پستی ۵۵۹۸
شماره های تماس: 0798 786 786, 0707 786 786
0797 860 003, 0775 786 786
info@ghazanfarbank.com
mainbranch@ghazanfarbank.com



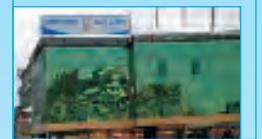
جلال آباد

چوک مخابرات، مقابل گل فروش ها
شماره تماس: 0797 86 00 08
Jalalabad@ghazanfarbank.com



سرای شهزاده

منزل سوم، سرای شهزاده، کابل
شماره تماس: 0797 86 00 10
shahzada@ghazanfarbank.com



پلخمری

چوک پلخمری، فیصل مارکیت، منزل دوم
شماره تماس: 0797 86 00 38
polekhomri@ghazanfarbank.com



شهر نو

شهر نو پلازا، مقابل ام تی ان پلازا، شهر نو، کابل
شماره تماس: 0797 86 00 42
shahrenaw@ghazanfarbank.com



مزار شریف

جاده بیهقی، برج غزنفر
شماره تماس: 0797 86 00 80
mazar@ghazanfarbank.com



کندز

جاده شیرخان بندر، مارکیت حاجی امان، دست چپ
شماره تماس: 0797 86 00 75
kunduz@ghazanfarbank.com



حیرتان

بازار پترولیوم، مقابل اپارتمان عباس ابراهیم زاده
شماره تماس: 0797 86 00 22
hayratan@ghazanfarbank.com



تخار

شهر تالقان، چوک تخار، رسته مسجد جامع
شماره تماس: 0797 86 00 73
takhar@ghazanfarbank.com



هرات

شهر نو، جاده بهزاد، حفیظی پلازا
شماره تماس: 0797 86 00 70
herat@ghazanfarbank.com





نباستان

●● (ویژه شعر و ادب)

چشمه

شیفته بی سرو سامانی ام
عاشق دلسوخته فانی ام
خسته ام و منتظر چشمه ای
تشنه بی آب بیابانی ام
گرچه که لبریزم و جاری چو آب
موج موج درخشانی ام
پرسده از نور چنان جان من
چشمه جوشان چراغانی ام
لیک برای شدنم همچو تو
باز همان عاشق ویرانی ام
در گذر از من که من از من جدا
می شود آن خواهش طوفانی ام
نفیسه خوشنصیب غضنفر

صبا به تهنیت پیر می فروش آمد
که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد
هوا مسیح نفس گشت و باد نافه گشای
درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد
تنور لاله چنان بر فروخت باد بهار
که غنچه غرق عرق گشت و گل بجوش آمد
به گوش هوش نبوش از من و به عشرت کوش
که این سخن سحر از هاتقم به گوش آمد
ز فکر تفرقه باز آن تاشوی مجموع
به حکم آنکه جو شد اهرمن، سروش آمد
ز مرغ صبح ندانم که سوسن آزاد
چه گوش کرد که باده زبان خموش آمد
چه جای صحبت نامحرم است مجلس انس
سر پیاله بیوشان که خرقة پوش آمد
زخانها به میخانه می رود حافظ
مگر زمستی زهد ریا به هوش آمد
حافظ

آمد بهار ای دوستان منزل سوی بستان کنیم
گرد عروسان چمن خیزید تا جولان کنیم
امروز چون زنبور ها پران شویم از گل به گل
تا در عسل خانه جهان شش گوشه آبادان کنیم
آمد رسولی از چمن کاین طبل ها پنهان کنیم
تا طبل خانه عشق را از نعره ها ویران کنیم
زنجیرها را بر دریم ما هر یکی آهنگریم
آهنگران چون کلبتین آهنگ آتشدان کنیم
چو کوره آهنگران در آتش دل می دمیم
کاهن دلان را زین صفت مستعمل فرمان کنیم
آتش در این عامم زنی، این چرخ را برهم زنی
و این عقل پا بر جای را چون خویش سرگردان کنیم
مولانا

بهارا ناز کم کن چانه کم زن
بهای این لب پر خنده ات چند
بهارا نوبهار بلخ تلخ است
بیاور از سمرقند خودت قند
ابو طالب مظفری

چه مردمان بی کفایتی
بهار را که فصل باطراوتی است
سنگ می زنند

خالده فروغ

زبان گشود پرستو که نوبهاران شد
ولی چو بال بر آورد تیر باران شد
بهار آمد و شعر بهشت بر لب داشت
اسیر خاطر خونین سوگواران شد

سمیع حامد

بسی بهار گذشت و هنوز خانه به دوشیم
بهار می رسد از راه و ما بهار نداریم

لطیف ناظمی

دانم ای دل که بهاران بود و موسم عشرت
من پرپرسته چه سازم که پریدن نتوانم

نادیه انجمن

در باغهای یخزده جاری شود بهار
سرشار از صدای قناری شود بهار
توغ علی درفش گل سرخ بر فراز
تا با شکوه ارجگزاری شود بهار

صادق عصیان



راخی به صباوون

تیریری به دا توره شپه راخی به صباوون
بې صبره دې څوک نشي چې ډیرښکلی دی ژوندون
هرسختي به تیریری هرغم چې وی هیریری
هر درد به شي آرامه هر زخم بیا جوړیری
دهر مرض دوا شته ددنیا په درملتون
بې صبره دې څوک نشي چې ډیرښکلی دی ژوندون
زحمت پسې راحت به حتمې راخی په ژوند
بې زحمته څوک ندی لیدلی دژوند خوند
هرمشکل ته پیداکیږی یو لاره دخلاصون
بې صبره دې څوک نشي چې ډیرښکلی دی ژوندون
کگلپچونو سره سره منزل وهي کاروان
ساحل نورښکلی کیږی په موجونو دطوفان
دوصل خوند هغه اخلی چې وگوری بیلتون
بې صبره دې څوک نشي چې ډیرښکلی دی ژوندون
کله کله ترخه کیږی ژوند اکثر مگر خواږه وي
تل دپاره چې خواږه خوري هغه ژبه بې مزه وي
کله خوږ کله ترخه به څکې آشنا پدې گردون
بې صبره دې څوک نشي چې ډیرښکلی دی ژوندون
بهاراوخزان ډیردی دژوند په گلستان
کله غم کله خادي به راخی په هر انسان
طاهري یاره زده کړه دې موسم سره سمون
بې صبره دې څوک نشي چې ډیرښکلی دی ژوندون
طاهری

غزل

خبرې ټولې دې په زړه پاتې شوې
دجانان مخکې چوپه خوله پاتې شوې
دنیا مزل په هر یو لوري کوي
پښتونه ولې ته ویده پاتې شوې
شبه شبه ستا د راتلو په هیله
زما دځان غوښي اوبه پاتې شوې
مادې شېبې په انتظار شمېرلې
ته د رقیب ظالم په خوله پاتې شوې
اوبښکې مې هم درته جرگه کړې یاره
ولې بیا هم راته غصه پاتې شوې
ستا د ښکالو د اورېدو په تکل
زما دزړه سترگې په وره پاتې شوې

ورمه سبا

شاعران یو په نغمو یادوو خدای
ښکلي گورو ، په لېمو یادوو خدای
خدای بلد کړو د توبو په ماتولو
غږ پ کوو له پېمانو یادوو خدای
شېخ د کاهو په تسپو یادوي خدای
مور د اوبښکو په تسپو یادوو خدای
د ژوندون په گوتو برکې تسپې وایو
هم په ورځو هم په شپو یادوو خدای
یم هیرجن چې هیر مې نه شي راته خنده
ستا له شونډو انگو یادوو خدای
ایا تونه دې په سترگو کې موسکي دي
ستا له سترگو پښتنو یادوو خدای
مور کاروان د لېونو ازادي غواړو
په کړۍ د زولنو یادوو خدای
کاروان

دښکلیو خیال

پتنک په شمع بلبل مینه په سرو گلو کوي
عاشقان فخر په دیدار د نازولو کوي
تا په ملالو اثری سترگو زړه وړی زما
دلبران وایو د زړه ښکار په تش کتلو کوي
د هر چا خوښه چې په مال که په کمال پسې ځي
زه یې عبث بولم چې مینه بې د ښکلیو کوي
هغه پاک زړه چې د خوبانو خاص حرم باله شي
څوک به یې ولې ځای د هر خیال د ساتلو کوي
د ښکلیو خیال که له شاعر سره ملگری نه وي
ډېر غولېدلي که هوس د شعر ویلو کوي
ستا د خیال رڼا کې ماته حقیقت شو څرگند
فیلسوف خوشې اعتماد په دلایلو کوي
څوک چې له حق او حقیقت سره کړي مینه پیدا
د زړه په حکم فرق د حق او د باطلو کوي

الفت





جمله های طلایی

(يك جمله ارزشمند می تواند زندگی انسان را دگرگون و هدفمند کند.)

قسمت سی و پنجم:

- از زندگی خود لذت ببرید، بدون آن که آن را با زندگی دیگران مقایسه کنید. (کندورسه)
- از محبت هدر رفته سخن مگو، محبت چیزی نیست که هدر رود. (لانگ فلو)
- آنکه به خرد توانا شد، ترس برایش نامفهوم است. (اورود)
- از مخالفان نهراسید، زیرا کاغذ پران با باد مخالف بالا می رود. (هامیلتون مایی)
- از معاشرت با کسی که قادر به حفظ اسرار و رموز زندگی خود نیست، پرهیز نما. (افلاطون)
- از نشانه های جوانمردی این است که به دیگران احترام بگذاریم، حتی اگر فایده ای برایمان نداشته باشد. (ویلیام میکپیس)
- از هزینه های کوچک غیر ضروری بر حذر باشید زیرا یک سوراخ کوچک موجب غرق شدن یک کشتی بزرگ می شود. (بنیامین فرانکلین)
- کین خواهی از خاندان یک بدکار، تنها نشان ترس است، نه قدرت انسانهای فرهیخته. (اورود)
- استراحت خوب بهتر از غذای خوب است. (ویکتور پوشه)
- استعداد بزرگ بدون اراده ی بزرگ وجود ندارد. (بالزاک)
- استفاده از موفقیت های کوچکی که پیش می آید پر منفعت تر از این است که بیهوده شانس بزرگتری آرزو کنیم که شاید هرگز بدست نیاید. (جوانامیکر)
- اصل و نسب مرد وقتی مشخص می شود که آنها بر سر مسائل کوچک با هم مشکل پیدا کنند. (شاو)
- اعتراف کردار بد، آغاز انجام کردار نیک است. (اوگوستین)
- اعتقاد به بخت و قسمت بدترین نوع بردگی است. (ایبکت)
- اگر می خواهید حرف های شما را باور کنند، از خود سخن نگوئید. (پاسکال)
- هزار تلاش انسان به اندازه یک تقدیر کارساز نیست. (نیچه)
- ابله همیشه دنبال ابله بزرگتر از خود می گردد که او را تحسین کند. (بولو)
- اتاق بدون کتاب هم چون بدن بدون روح است. (مارکوس سیسرو)
- ادب خرجی ندارد ولی می تواند همه چیز را خریداری کند. (اسکاروایلد)
- اگر نتوانیم به خاندان خویش آرايشی سامان یافته دهیم، همیشه در خانه ایی بی حصار زندگی می کنیم. (اورود)
- ادب و حکمت را شعار خود ساز تا بهترین اهل زمان شوی و به نیکان ملحق گردی. (سقراط)
- دل به همدلی خوش است نه با شکستن دل دیگران. (اورود)
- از اندیشه ها و آرزوهای دیگران، برای موفقیت خود کمک بگیرید. (پاندر)
- از پیروزی تا سقوط فقط یک ثانیه فاصله است. (ناپلئون)
- نمی توان امید داشت، آدم های کوچک رازهای بزرگ را نگاه دارند. (اورود)
- آسودگی آدمی، به گنج و دینار نیست که به خرد است و روشن بینی. (اورود)
- هیچ پیر جهان دیده ای منکر برآیند زهرآلود، دارایی حرام در زندگی آدمی نیست. (اورود)



- آن که مردم را دانشمند می کند، مطالبی نیست که می خوانند بلکه چیزهایی است که یاد می گیرند. (فرانسیس بیکن)
- آهنگ صدا هر چه ملایم و مطبوع باشد، سخن موثر و دلنشین تر خواهد بود. (جان کایزل)
- آرزو کردن شرط نیست، شرط، تحقق آرزوست. (داوینچی)
- توانگر راستین کسی است که آرز در دلش راه نیافته است. (بزرگمهر)
- آماده شدن برای جنگ یعنی نگهداری صلح. (جرج واشنگتن)
- آنانی که نمی توانند خود را اداره کنند، ناچار به اطاعت از دیگرانند. (هوگو)
- آزادی در کشورهایی ممکن تواند شد که حس ادای وظیفه بر هوا پرستی غالب باشد. (لاکو)
- آفتاب به گیاهی حرارت می دهد که سر از خاک بیرون آورده باشد. (تولستوی)
- آن قدر بر مال دنیا حریص مباش که از مفقود شدنش اندوهناک شوی. (سقراط)
- هر که نیک نهاد و پاک منش و کوشا باشد، به آنچه سزاوار است می رسد. (بزرگمهر)
- آن کس که اراده و استقامت دارد، روی شکست نمی بیند. (موریس مترلینگ)
- آن که حقیقت را کتمان می کند، می خواهد با دست روی خورشید را بپوشاند. (برنارد شاو)
- آن که در آموختن جهد نمی کند هرگز نباید در انجمن دانایان لب به گفتار بگشاید. (بزرگمهر)
- دوست واقعی کسی است که دستهای تو را بگیرد ولی قلب ترا لمس کند. (کابریل گارسیا مارکز)
- خسروی بزرگتر، بندگی بیشتر می خواهد. (فردوسی)
- از مردم دور باش و تنها زندگی کن، نه به کسی ظلم کن و نه بگذار کسی به تو ظلم کند. (ابوالعالمیری)
- سعادت دیگران بخش مهمی از خوشبختی ماست. (ارنست رنان)
- خودخواهی، تجربه سخت تنهایی را، پیش رو دارد. (ارد بزرگ)
- شما بدون تسلط بر خود نمی توانید فاتح دیگران باشید. (کیم وو چونگ)
- انسان اگر ناخوش باشد و کار کند بهتر از این است که سلامت باشد و بیکار بنشیند. (کازوبون)
- دشمن چون از همه حیلتی فرو ماند سلسله دوستی بجنباند. پس آنگه به دوستی کارها کند که هیچ دشمنی نتواند. (سعدی)
- بی خردی اسارت بدنبال دارد. و خرد موجب آزادی و رهایی است. (فردوسی)
- موفقیت تنها یک چیز است این که: زندگی را به دلخواه خود بگذرانید. (کریستوفر مورلی)
- ناتوان ترین آدمیان، آنانی هستند که نیروی بدنی خویش را به رخ دیگران می کشند. (آرد بزرگ)
- مبارزه است که قدرت می آورد نه استراحت. (استائل)
- بیشتر کسانی موفق شده اند که کمتر تعریف شنیده اند. (امیل زولا)
- آنگاه که هنر خوار می گردد جادو ارجمند می شود. (فردوسی)
- اندیشه کردن به این که چه بگویم، بهتر است از پشیمانی از این که چرا گفتم. (سعدی)
- اگر شغلی داری که هیچ سختی در آن نیست پس بدان که اصلاً شغل نداری. (ماکلوم اس فوربس)
- در دنیا تنها دو چیز زیباست، زن و گل. (مالرب)
- اندوخته ای با ارزشتر از تندرستی، نمی شناسم. (آرد بزرگ)
- غذایی را بخور که می پسندی، لباسی را بپوش که مردم می پسندند. (ادبیان)
- اولین درسی که والدین باید به فرزندان خود بیاموزند، صداقت است. (شوپنهاور)



فعالیت های فرهنگی بنیاد غضنفر

قابل یادآوریست که قبلاً نیز کتاب های ذیل به کمک مالی بنیاد غضنفر در سراسر کشور چاپ و منتشر شده است.

۱- سیما های برازنده اندخوی - نویسنده: محمد امین متین اندخویی

۲- آثار امیر علی شیر نوایی - تهیه و ترتیب: عبدالله رویین

۳- چیزهایی از دل در باره بیدل - نویسنده: جاوید فرهاد

۴- مثل من، تنهایی من - نویسنده: جاوید فرهاد

۵- پرورش، تعلیم و تربیت کودکان ونوجوانان - گردآورنده: پوهنمل سکینه بانو غضنفر

۶- کمان رستم (مجموعه شعر و ترانه برای اطفال) - نویسنده: نفیسه خوشنصیب غضنفر

۷- اسپک طلایی (قصه های اطفال) - نویسنده: عزیزه خوشنصیب

۸- شمع فروزان (مجموعه اشعار) سراینده: عالیله عزیزی هوفیانی

۹- زنده گی (مجموعه اشعار) سراینده: استاد بس بی بی شیوا

۱۰- توصیه های عملی برای صحت بهتر - تألیف: داکتر فیض الله کاکر

بنیاد غضنفر به سلسله کمک ها و همکاری های فرهنگی خویش، اخیراً شش عنوان کتاب ذیل را از چهار نویسنده با هزینه بیش از پنجصد هزار (۵۰۰۰۰) افغانی در کابل چاپ و منتشر نمود.

۱- شگوفه های ادب، گردآورنده داکتر فیض الله ایماق

۲- دل سوز لری (سوز دل) مؤلف داکتر فیض الله ایماق

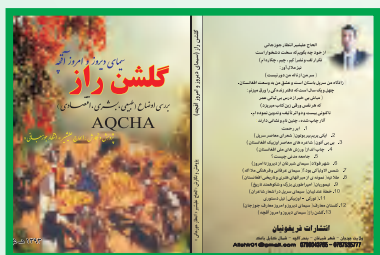
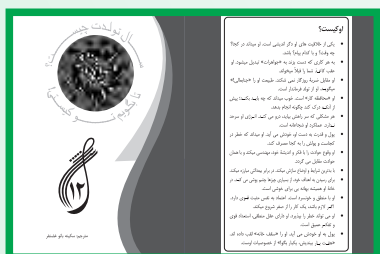
۳- سوزوان نوشته داکتر فیض الله ایماق

۴- افغانستان اوزبیکلری خلق قوشیقلمی نوشته داکتر فیض الله ایماق

۵- گلشن راز (سیمای دیروز و امروز آقچه) نوشته الحاج علیشیر انتظار جوزجانی

۶- ۱۲ نشان، مترجم: پوهنمل سکینه بانو غضنفر

این در حالیست که چاپ برخی از این کتاب ها در رسانه های مهاجرین افغانی مقیم کانادا نیز انعکاس یافته و افغان های مقیم آن کشور از این کتاب ها به شدت استقبال نموده و از این اقدام بنیاد غضنفر قدردانی نموده اند.





محاورة اوزبیگی (17)

عزیزالله ارال

از کتاب "محاورة دری - انگلیسی - اوزبیکی

Health ساغلیک

صحت

من بی تاب هستم	I don't feel well	مېنینگ مزه م یوق
سرم (کمرم، شکمم، گوشم) درد می کند	I have a headache, (a backache, a stomachache, and earache)	باشیم (بېلیم، آش قازانیم) (معدم)، قولاغیم) آغرییادی
زکام (ریزش) استم (سرماخوردگی)	My nose is running	مېن توماو من (شمالشی)
سیخ ماندم	I feel stiff	اېتیم اویوشیب کېتپادی
تب دارم	I feel hot	ایسیتمم بار
گلویم (پایم، چشمم) درد میکند	I have a sore throat (foot, eye)	تماغیم (ایاغیم، کوزیم) آغرییادی
فکر میکنم سرما خوردم	I think I've caught a cold	شماللب قالدیم شیکیلی
قلبم درد میکند	I have a heart trouble.	یوره گیم آغرییادی
حمله قلبی دارم	I had a heart attack	یوره ک خروجم بار
مریض استم	I am ill	کسل من
گریپ استم (انگینه دارم)	I feel ill with the flu	گریپ من (انگینم بار)
حالم خوب است	I am better	توزه لیب قالدیم
دماغم (بینی ام) بند شد	My nose is congested	بورنیم بیتیب قالدی
سرم دور میخورد (سر چرخ استم)	My head is spinning	باشیم ایلنه یادی
دل بد هستم	I feel nervous	کونگلیم اینیپادی
اسهال شدم	I have indigestion	ایچیم کیتپادی



مین اوزیمنی داکتر گه کورستماقچی - من	I will have to consult a doctor	میخواهم با داکتر مشوره نمایم
مینی ابرته لب قبول قیله دیگن بولیشدی	I was given an early appointment	صبح زود از داکتر وقت گرفتم
کپلینگ، داکترنی اوی گه چقیره میز سیزنی نېمه بی زاوته قیلماقده؟ سیز گه نېمه بولدی؟	Let's call in a doctor What's troubling you? What's the matter with you?	بیا که، داکتررا خانه بخواهیم چه مشکل دارید؟ چه تکلیف دارید؟
سیزنی تېکشیریب کوریشیم کبره ک. مرحمت، بپلینگیز گچه یېچینگ	I need to examine you. Strip to the waist, please	شمارا باید معاینه کنم. لطفاً، لباس تانرا تاکمر بکشید
تیلینگیز و تماغینگیزنی کورستینگ	Let me look at your tongue and throat	اجازه دهید زبان و گلوئی تا نرا معاینه کنم
مرحمت، چوقورراق نفس آلینگ! نفس آلمنگ!	Breathe deeper, please! Don't breathe	لطفاً، عمیق نفس بکشید! نفس نکشید!
ایسیتمینگیزنی اؤلچه دینگیزمی؟	Did you measure your temperature?	درجه حرارت تانرا معاینه نمودید؟
کپلینگ، قان باسیمینگیز اؤلچه میز	Let's have your blood pressure checked	بیا یید، فشارخون تانرا معاینه نمایم
قانیینگیزنی تیکشیریشینگیز کبره ک	You must have your blood count taken	باید خون تانرا معاینه کنید
سیز گه نسخه یازیب بېرهمن	I'll write you a prescription	به شما نسخه میدهم
سیز گه تابلیب (یېچکاری) یازیب بېرهمن	I'll give you pills (injection)	برایتان تابلیت (یېچکاری) نوشته میکنم
سیز اوچ کون یاتیب دوالیشینگیز کبره ک	You will have to keep to the bed for three days	شما برای سه روز در بستر بمانید
سیز قتیق شمال لنگن سیز	You have caught a bad cold	شما سخت سرما خورده اید
کونگلینگیز اینیایدی می؟	Do you feel nauseous?	دل بد میشوید؟
قه پیرینگیز آغریبدی؟	Where do you feel pain?	کجای شما درد دارد (میکند)؟
سیز پرهیز قیلیشینگیز کبره ک	You'll have to go on a diet	شما باید پرهیز نمایید
منه، داری لر گه نسخه!	Here is a prescription for some medicine	این هم نسخه دوا!



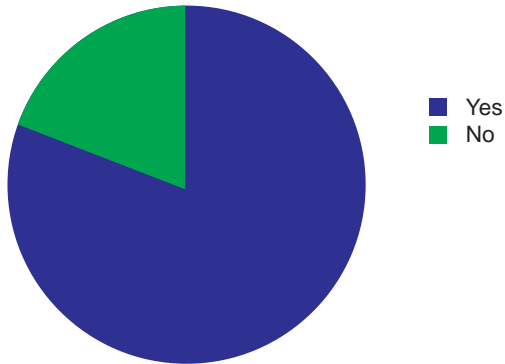
هر دو ساعت غرغره کنید	Gargle the throat every 2 hours a day	تماغینگیز نی هر ایککی ساعت ده چیق ب تورینگ
یک قرص (یک قاشق شوربا خوری) بخورید	Take one pill (one table spoonful)	بهر دانه دن (بهر آش قاشق دن) قبول قیلینگ
بعد از غذا، بعد از نان	After meals	یپمک دن کیین
قبل از غذا	Before meals	یپمک دن آلدین
روزانه دوبار	Twice a day	کونی گه ایککی مرته
هر دو ساعت بعد	Every two hours	هر ایککی ساعت ده
در بستر بمانید	Stay in bed	اؤرنینگیزدن تورمگ
روزانه سه بار استعمال کنید	Take three times a days	کونی گه اوچ مرته قبول قیلینگ
یک قاشق شوربا خوری	One table-spoonful	بهر آش قاشق دن
یک قاشق چای خوری	One tea-spoonful	بهر چای قاشق دن
دو قرص	Two pills	ایککی دانه دن
بیست قطره	20 drops	یپگیرمه تامیزغی دن
این دوا سردردی است	This medicine is for headache	بو داری باش آغریق اوچون
کمردرد	Backache	بهل آغریق
ضد تب	Reducing the temperature	ایسیتمه گه قرشی
ضد درد	Painkiller	آغریققه قرشی
سرما خورده گی	Cold	شماللش
سرفه	Cough	یوتل
این دوا ضرر ندارد	This medicine doesn't have any harm	بو داری ضرر قیلیمهیدی
شما اثر بعدی دارو را حس خواهید کرد	You may experience side effects	سیزده اثراتی قالیشی ممکن
شما به مداوی ضرورت دارید	You will need the necessary treatment	سیز دوالیشینگیز کبره ک

ادامه دارد...



Pie Chart

Are You Able to Secure the Loan by Providing a Collateral
(Sharia / Equitable Mortgage) To The Bank?



Result:

The above table and graph shows that out of 45 respondents (SMEs), thirty six (36) SMEs were able (agreed) to secure the loans against Shariah Qabala (Legal Title Deed) but more than 75 percent out of thirty six (36) respondents (SMEs) were unable to provide with a collateral that would worth 150 percent loan coverage value, while nine (9) SMEs neither able to provide Shariah Qabala (Legal Title Deed) against loans nor having 150 percent loan coverage value. This means, they would have no access to finance unless it is secured with

approx. 80 percent property's loan coverage value.

RECOMMENDATIONS

1. It is strongly suggested that Da Afghanistan Bank (DAB) should make arrangements as soon as possible in order to exclude the rule which is imposed on banks that the borrowers shall fulfil 4 days consecutive mandatory cleanup (applicable on overdraft facility). Otherwise, this can be taken into consideration through Afghanistan Banks Association (ABA) to parliament for proper resolution.

2. Da Afghanistan Bank (DAB) must develop a new scheme that is designated particularly to support SMEs under which credit facilities (funded and non-funded) have been availed easily and accessible.

REFERENCES

Mujib Mashal, SME Development and Regional Trade in Afghanistan, University of Central Asia, (24-2014).

Najibulhaq Karimy, A Study on Challenges for Financing SMEs in Commercial Banks of Afghanistan, Bakhtar University (2015).



OD / running account). This means, that a borrower enjoying a loan facility for 12 months period, within the period, shall bring the amount of sanctioned limit and ensure that the money is deposited in the account and is kept for 4days consecutively and after the end of said period, the borrower has the liberty to withdraw the money and re-utilize in the business. In addition, the aforesaid borrower shall maintain three times credit account turnover respectively. Otherwise, the facility cannot be renewed or even enhanced.



2.1 The lending policy varies from bank to bank and it is based on risk, credibility and eligibility of borrowing company assessed. Considering the economic instability and security situation in the country, banks particularly commercial banks have adopted prudent strategies for financing SMEs. Therefore, SMEs shall secure the loans with Shariah Qabala (Legal Title Deed) having minimum 150 percent loan coverage value.

Followings are the graphs and tables that describe the percentage on the ability and inability of SMEs to adhere the stipulated terms of loan agreement:

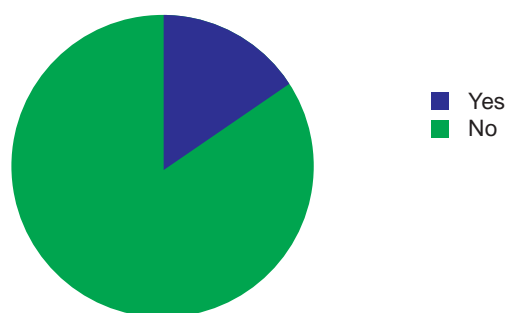
Question 1:

Will you be able to fulfill 4days consecutive mandatory cleanup within the life of loan (Applicable on Overdraft facility / running account)?

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid Yes	7	15.6	15.6	15.6
No	38	84.4	84.4	100.0
Total	45	100.0	100.0	

Pie Chart

Will You Be Able To Fulfill 4days Consecutive Mandatory Cleanup Within The Period (Over Draft)



Result:

The above table and graph shows that out of 45 respondents (SMEs), seven (7) SMEs agreed and forecasted that they would be able to fulfill 4days consecutive mandatory cleanup within life of loan, while 38 respondents expected to be unable to meet this terms of loan agreement which is stipulated by Da Afghanistan Bank (DAB). This means that 84 percent of SMEs were unable to accept this rule, and discourages them from taking any overdraft facility (OD / running account) to meet their working capital &/ or day to day OP expenditures in order to run the business smoothly. Etc.

Question 2:

Are you able to secure the loan by providing a collateral (Shariah Qabala)?

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid Yes	36	15.6	15.6	15.6
No	38	84.4	84.4	100.0
Total	45	100.0	100.0	

Challenges for Financing Small & Medium Enterprises (SMEs)

Najibulhaq Karimy, MBA
SME Credit Manager, Ghazanfar Bank



ABSTRACT

The Small and Medium sized Enterprises (SMEs) play a vital role in the economic development of Afghanistan. According to CSO – (Y14) it has been estimated that there are 20m MSMEs operating in the country. The employment opportunities they create improves the livelihoods of millions of poor people, especially important in a country like Afghanistan which is still in the infant stage of development. This article is attempt to study the key challenges which compel

SMEs not to avail any funded credit facilities at commercial banks. To find out the reasons, the sampling approach was adopted and therefore with the help of GB's branches located in the country, total 45 respondents (SMEs) in the six key provinces of Afghanistan were interviewed such as in Qandahar, Herrat, Mazar-e-Sharif, Kondo, Jalalabad and Kabul which is the capital of Afghanistan. Findings and analysis have been respectively jotted down in this paper and the details are given for perusal along with some recommendations.

The Key Challenges are:

1. Inability of SMEs to fulfill the 4days consecutive mandatory cleanup within the life of loans (applicable on overdraft / running account) in addition with having maintained three times (Cr) account turnover, as per Da Afghanistan Bank (DAB).

2. Inability of SMEs to secure the loans against Shariah

Qabala (Legal Title Deed) having minimum 150 percent loan coverage value. Otherwise.

1.1 Da Afghanistan Bank (DAB) has stipulated certain rules that the borrowers shall fulfil 4days consecutive mandatory cleanup within the life of loans (applicable on



Access To Finance

Economic



The H. E. Minister of Mines, H.E. Deputy Minister of Finance, DAB Governor and ABA Chairman delivered significant speech on different aspects of mining sector included challenges, opportunities, threads, strengths and weakness. Moreover, ABA Chairman, presented a massive speech on financing of mining sector, banks capacity of lending, different types of loan risks and other challenges faced by the banks for investment in mining sector. ABA Member banks (out of 15 member banks 12 banks) took active part in this event, by which 10 of them had table for showcasing promotional material, 6 of them delivered considerable presentations on their products and services especially on their loan portfolios, loans schemes and procedures. Moreover, ABA member banks had roundtable discussions with mining sector businesses, explaining banks loan size, procedures, criteria, repayment, interest rate and other specifications and understood the mining sector markets and their challenges. Subsequently, potential ideal customer specifications were recorded.

ABA member banks participated in the aforesaid event.

1. Afghanistan Commercial Bank (ACB)
2. Afghanistan International Bank (AIB)
3. Afghan United Bank (AUB)
4. Azizi Bank (AZ B)
5. Bakhtar Bank (B B)

6. Bank-e-Millie Afghan (BMA)
7. Bank Alfalah Limited (BAL)
8. Ghazanfar Bank (GB)
9. Maiwand Bank (MB)
10. New Kabul Bank (NKB)
11. Pashtany Bank (PB)
12. The First Microfinance Bank (FMFB)

Following to the session, there was panel discussion on Financing Mining Sector, from ABA the chairman Ahmad Siar Khoreishi was member of that. He answered all the questions raised by the mining businessmen on financing of mining sector by the banks and its circumstance.

Distribution of Appreciation Certificates:

At the end of the program, appreciation certificates were also distributed to the companies and available members who took active part during the event. From ABA, Mr. Najibullah Amiri, Deputy Executive Director and Acting Director of ABA distributed the certificates to the companies.





Access To Finance

Afghanistan Banks Association (ABA), with support from USAID's Financial Access for Investing in the Development of Afghanistan (FAIDA) and USAID funded Mining Investment and Development for Afghan Sustainability project (MIDAS), organized a one-day ABA-A2F Business to Bank Roundtable event for the mining sector key players in Kabul on February 17, 2015.

The roundtable specifically targeted the mining sector enterprises functioning in Afghanistan by facilitating access to finance through linking them with potential and available lenders. The roundtable provided the enterprises with the opportunity to exchange viewpoints in identifying challenges and opportunities in improving their productiveness and linkage to finance.

Objectives:

Improve access to finance for the mining sector enterprises doing business in Afghanistan through targeted discussions and meetings between relevant stakeholders.

- Link enterprises with the financial institutions.

- Mining sector is the key players of Afghanistan economic growth

In this event, the government high officials namely H.E. Minister of Mines and Petroleum Mr. Dr. Dawood Shah Sabah, H.E. Deputy Minister of Finance, Mr. Dr. Mustafa Mastoor, H.E. Acting Governor, Mr. Khan Afzal Hadawal, ABA Chairman Mr. Ahmad Siar Khoreishi, ABA Deputy Executive Director Mr. Najibullah Amiri and other ABA's, senior staff, FAIDA high authorities/staff, representatives from MIDAS/USAID, IFC ABA 12 Member banks, microfinance institutions, other financial organizations, Insurance companies, media, private mining sector representatives from the Afghanistan Marble Association, Afghanistan Gemstone Association, and other national and international organization, the individual companies and businesses involved in mining sector (in total 165 male/female) were attended.